

سوکندبه قلم و آنچه می نویسند

موفقیت در آزمون‌های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوق برای قبولی در آزمون وکالت راه اعاشه‌ای برای مؤسسات و مدرسینی را فراهم کرده که با تبلیغات فریبا سعی در جذب دانشجویان دارند. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل‌ترین و ساده‌ترین جزوه حقوق جزای اختصاصی ۴ به صورت رایگان قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما شگفت‌انگیز - موفقیت شما را تضمین می‌کند.

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۲

# جزوه حقوق جزای اختصاصی ۴

جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

به کوشش انور یوسفی

بسیاری از اوونهایی که می‌خوان در آزمون‌های حقوقی قبول بشن در انبوه کتاب‌های موجود در آشفته‌بازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی‌دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی‌توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی‌ست اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می‌کنم این جزوه، برای آزمون‌های حقوقی، کافی است. یه تیکه از کتاب «کیمیاگر» نوشته پائولو کوئیلو رو براتون می‌آزم: «وقتی با تمام وجود و از درون، چیزی را می‌خواهید تمام کائنات دست در دست هم می‌دهند تا خواسته شما را اجابت کنند. آرزوها زبان خداوند هستند، در این جهان حقیقتی بزرگ وجود دارد، هر کس که باشی یا هر عملی که از تو سر می‌زند و وقتی چیزی را از ته قلبت بخواهی آنگاه این خواسته تو از وجود این جهان سرچشمه می‌گیرد و تو مأمور انجام آن می‌شوی» خواستم بگم که اگر این جزوه به دست شما رسیده، حکمتی در آن است!

# حیرت‌انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

درس حقوق جزا با این که از جرم، جنایت و مجازات بحث میشه اما جذابیت‌های خاص خودشود داره و از شیرین‌ترین درس‌های حقوق و البته از مهم‌ترین دروس در همه آزمون‌های حقوقی وکالت، ارشد و قضاوته! در این جزوه از ورود به مباحث حاشیه‌ای و بعضاً زائد پرهیز شده و فقط به نکات و مباحث اصلی و مهم پرداخته شده. به طوری که با خوندن این جزوه مطالب حقوق جزا به صورت مُدَوْن در ذهن شما شکل میگیره. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سُبُک و روانِ حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم ([www.mollakarimi.ir](http://www.mollakarimi.ir)) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید.

ما در سایت فوق، کانال تلگرام و صفحه اینستاگرام مون، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

**توجه:** این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان آور است. نگارندگان، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل «[mollakarimi.omid@gmail.com](mailto:mollakarimi.omid@gmail.com)» بیان فرمایند. به صورت مُدَوْن و مُنظم، کل حقوق جزا را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که بعد از مطالعه این جزوه احاطه کامل بر مباحث حقوق جزا داشته باشید. مفاهیم و مباحث حقوق جزا اگر بدون اسلوب مُدَوْن توضیح داده بشه فهم آن دشوار و غیرقابل تحمل است ما در این نوشته، مطالب حقوق جزا را به نحو طبقه‌بندی شده نگاشته‌ایم به صورتی که شما با خواندن این جزوه نیاز به خواندن هیچ کتاب و جزوه دیگری ندارید جزا رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم! البته بگم که حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و همینطور دروس دیگه رو هم با همین روش گفته‌ام.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت [MollaKarimi.ir](http://MollaKarimi.ir) و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید.

**داستان من:** امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین‌کننده جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خوام به داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خب اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ به دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اونهارو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می‌خوام بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت بین پسر جون! اینجا یه مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد به جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟»؛ گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!»؛ ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای تاییی را در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!»؛ ادامه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوه دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوه تاییی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوه تایپ‌شده هم ایراداتی وجود داره که سرکلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کنن!»؛ ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوونهایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو بیچوندا! زنگ زد بهم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات نت‌برداری کن، البته باز نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصر بودن» و «پیگیر بودن» اصن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مُلاها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت‌برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اونها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤوند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اونهایی که نیاز به خدمت تو دارن تبرعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعدهم رو شروع می‌کنم الان نه سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سر راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیه امور دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه دانلود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو دانلود کنید و اگه به معجزه اون‌ها پی بردین اون‌ها رو به دوستان تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

تقدیم به تمام کسانی که تا به حال هیچ به آن‌ها تقدیم نشده است؛ تقدیم به گمنامان!

## جرائم علیه آزادی تن

### جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی

#### عناصر تشکیل‌دهنده جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی

#### عنصر قانونی جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی

ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عُنفاً در محلی مخفی نماید به ۱ تا ۳ سال حبس یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»

#### عنصر مادی جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی

- ✓ رفتار مجرمانه جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی عبارت است از: «توقیف، حبس، اخفای افراد بدون مجوز قانونی»
- \* **توقیف** در لغت به معنای جلوگیری کردن و بازداشتن از حرکت؛ و در اصطلاح به معنای نگهداری و سلب حرکت فرد برای مدّت نسبتاً کوتاه در یک مکان محصور یا غیرمحصور است؛ بنابراین در فرضی که شخص به قصد تسویه حساب شخصی با مدیر مدرسه، درب مدرسه را برای ساعاتی برای دانش‌آموزان بسته و مانع خروج آن گردد، مرتکب توقیف غیرقانونی شده است. همچنین اگر کسی با اتخاذ عنوانی مجعول، سرشنینان خودروبی را به بهانه بازرسی، در کنار خیابان نگه دارد و اجازه حرکت را به آنها ندهد، مرتکب توقیف غیرقانونی شده است.
- \* **حبس** در لغت به معنای بازداشت یا زندانی کردن و در اصطلاح به معنای نگهداری افراد برای مدّت نسبتاً طولانی در یک مکان محصور و بسته است، به نحوی که تردد آنان غیرممکن باشد (مانند نگهداری در یک اتاق قفل‌شده) و وجه تمایز حبس با توقیف نیز در همین مطلب است، چراکه حبس در محیط بسته‌تر و محفوظ‌تری انجام می‌شود. هرچند در زندان نباشد؛ اما توقیف تنها تحت محافظت و مراقبت قرار دادن و منع تردد افراد است. علی‌الاصول محل حبس نباید آن‌چنان وسیع و بزرگ باشد که اطلاق عنوان حبس بر عمل نگه‌داشتن فرد حبس‌شده در آن محل ممکن نباشد؛ بنابراین جلوگیری از ترک ایران توسط دیگری را نمی‌توان حبس دانست. ولی اگر وی داخل کشور شود و از خروج وی از ساختمان فرودگاه جلوگیری شود، ممکن است چنین عنوانی صادق باشد.
- \* **اخفا** در لغت به معنای پنهان کردن و پوشاندن و در اصطلاح به معنای دور نگه‌داشتن افراد از دید است، تفاوت حبس با اخفا در آن است که اخفا لزوماً در یک محیط بسته و قفل‌شده به عمل نمی‌آید، برای مثال در صورتی که شوهر، همسر خود را در خانه‌ای که سایرین در آن رفت و آمد می‌کنند، مخفی کند به نحوی که کسی متوجه حضور او نشود، مرتکب جرم اخفای غیرقانونی شده است
- ✓ جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، توسط همه افراد اعم از آن‌که مقام دولتی نداشته یا داشته باشند، قابل ارتکاب است.
- ✓ در جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، مخفی نمودن مسبوق به ربایش نیست و گرنه چنانچه مرتکب پس از ربودن اقدام به اخفای او نماید، رفتار او مشمول جرم آدم‌ربایی مقرّر در ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.
- ✓ جرم توقیف، حبس و اخفای افراد بدون مجوز قانونی، شامل نوزادان و اجساد نمی‌شود، قانونگذار این موارد را در مواد ۶۳۱، ۶۳۵ و ۶۳۶ ق.م.ا تعزیرات را مستقلاً جرم‌انگاری نموده است.
- ✓ بازداشت یا توقیف افراد تنها در مواردی جایز است که قانون مجوز چنین اقدامی را داده باشد؛ برای مثال مطابق ماده ۴۴ ق.آ.د.ک ضابطان در جرائم مشهود تحت شرایطی می‌توانند مظنون را تا ۲۴ ساعت تحت نظر نگه دارند با مطابق تبصره ماده ۴۵ ق.آ.د.ک در جرائم مشهود موضوع بندهای «الف» تا «ت» ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک در صورت عدم حضور ضابطان، شهروندان می‌توانند کلیه اقدامات لازم را برای حفظ

صحنه جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام دهند و در صورت نگه‌داشتن متهم تا زمان حضور ضابطان، رفتار آنان توقیف غیرقانونی محسوب نمی‌شود.

✓ اقدام مرتکب نسبت به توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، باید بدون رضایت وی باشد؛ بنابراین کسی که بنا به درخواست دیگری وی را در جایی حبس و سپس ضمن تماس با پدر آن فرد، تقاضای پول جهت آزاد کردن فرزند وی نماید تا وجه دریافتی را بین خود و او تقسیم کند را نمی‌توان به ارتکاب جرم فوق محکوم نمود.

✓ در بسیاری از موارد توقیف یا بازداشت در ابتدا قانونی است؛ اما ادامه آن غیرقانونی و مشمول جرم توقیف و حبس غیرقانونی است، برای مثال چنانچه ضابطان مظنون را بیش از ۲۴ ساعت تحت نظر قرار دهند، از مصادیق حبس یا توقیف غیرقانونی به شمار می‌رود، هرچند بازداشت شخص در ابتدا طبق قانون صورت گرفته باشد.

✓ در مواردی که مقامات یا مأموران ذی‌صلاح بدون سوءاستفاده از جایگاه و مناسبات شغلی خود اقدام به توقیف یا حبس غیرقانونی دیگری نمایند، همانند افراد عادی مشمول ماده ۵۸۳ ق.م.ا تعزیرات خواهند بود.

✓ در مواردی که افراد عادی قصد سلب آزادی تن دیگری را به صورت غیرقانونی داشته باشند، با استناد به ماده ۱۵۶ ق.م.ا می‌توان به دفاع مشروع متوسل شد و از دست آنان رهایی یافت؛ اما این حکم مشمول قوای نظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواردی که مشغول انجام وظیفه باشند، نمی‌شود و حتی اگر از حدود وظیفه خارج شوند و بیم آن برود که آزادی تن آنان در معرض خطر قرار می‌گیرد، نمی‌توان به دفاع مشروع متوسل شد و در صورت مقاومت، رفتار مرتکب از مصادیق تمرد موضوع ماده ۶۰۷ ق.م.ا تعزیرات محسوب می‌شود؛ برای مثال در فرضی که ضابطان بخواهند دیگری را جلب کنند و او با یقین بر بی‌گناهی خود، از همراهی با ضابطان اجتناب نماید، رفتار وی جرم محسوب می‌شود و تنها راهکار قانونی این است که پس از رهایی از مأمورانی که به ناحق او را بازداشت یا توقیف کرده‌اند، شکایت نماید. البته در موارد قوای نظامی یا دیگر ضابطان، اساساً مشغول انجام وظیفه نبوده و خارج از ساعات شغلی (مثلاً در زمان مرخصی) به دیگری تعرض نمایند، همچون افراد عادی بوده و حتی در برابر تعرض او می‌توان به دفاع مشروع متوسل شد.

✓ جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، یک جرم مستمر است، مستمر بودن جرم به معنی آن است که اگر فرد حبس شده بلافاصله پس از قفل شدن در بر روی او به طریقی از محل فرار کند، این جرم محقق نمی‌شود.

### عنصر روانی جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی

✓ جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، جرمی عمدی است؛ بنابراین کسی که در حین خوابگردی در اتاقی را به روی دیگری می‌بندد یا بدون اطلاع از حضور دیگری در خانه و یا به تصور این که او کلیدی در اختیار دارد، در خانه را قفل کرده و می‌رود، به دلیل فقدان عنصر روانی مرتکب این جرم نمی‌شود.

✓ جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، جرمی مقید به نتیجه است که نتیجه آن سلب آزادی تن می‌باشد.

✓ با توجه به مقید بودن جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، علاوه بر قصد مرتکب به رفتار مجرمانه، سوءنیت خاص یا قصد سلب آزادی تن نیز لازم است.

✓ برای حصول جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی همانند جرائم عمدی دیگر مستلزم علم و عمد مرتکب است و به انگیزه مرتکب نیز توجه نمی‌شود، برای مثال در فرضی که معلم دانش‌آموزی را با انگیزه ترغیب او به درس خواندن برای ساعاتی در کلاس نگه دارد و مانع خروج او شود، مرتکب این جرم شده است؛ هرچند انگیزه او انجام چنین رفتار مجرمانه‌ای نبوده باشد.

✓ مجازات جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی: مرتکب این جرم به ۱ تا ۳ سال حبس یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

**معاونت در جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی:** مطابق ماده ۵۸۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از ۱ ماه تا ۱ سال یا جزای نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.» تهیه مکان برای ارتکاب جرم از مصادیق خاص معاونت در جرم محسوب می‌شود که در ماده فوق به طور خاص برای آن مجازات تعیین شده است، ولی با توجه به آن که قانونگذار در ماده فوق صراحتاً به لفظ «معاونت» اشاره نموده است، به نظر می‌رسد که باید قائل به نسخ این ماده باشیم و مجازات معاون در جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی را باید بر مبنای حکم مقرر در ماده ۱۲۷ ق.م.ا تعزیرات (یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات مباشر) تعیین نمود، چراکه مطابق ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، مجازات معاونت در جرم‌هایی که به طور خاص تحت همین عنوان (یعنی معاونت نه به عنوان جرم خاص) مورد پیش‌بینی قرار گرفته‌اند، در حال حاضر نسخ و باید برای تعیین مجازات معاون مطابق با حکم عام مقرر در ماده ۱۲۷ ق.م.ا حکم نمود.

### تشدید و تخفیف جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی

**تخفیف جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی:** اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف‌شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از ۲ تا ۶ ماه خواهد بود. (ماده ۵۸۵ ق.م.ا تعزیرات) برای اعمال تخفیف مطابق ماده فوق:

۱. رها کردن شخص توقیف‌شده باید قبل از مورد تعقیب قرار گرفتن مرتکب یا معاون (یعنی قبل از صدور کیفرخواست) باشد.
۲. رها کردن شخص توقیف‌شده باید قبل از انقضای ۵ روز (یعنی پنج شبانه‌روز، یا ۱۲۰ ساعت) از تاریخ توقیف باشد.

**تشدید جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی:** چنانچه مرتکب جرائم مواد قبل توقیف‌شده یا محبوس‌شده یا مخفی‌شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به ۱ تا ۵ سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد. (ماده ۵۸۷ ق.م.ا تعزیرات) جهات تشدید مطابق ماده فوق عبارت است:

۱. تهدید به قتل
  ۲. شکنجه و آزار بدنی
- ✓ تهدید به قتل یا سایر ضررهای جانی با توجه به ماده ۶۹۹ ق.م.ا تعزیرات، مستقلاً جرم محسوب می‌شود ولی قانونگذار در ماده فوق تهدید به قتل را به عنوان یک عامل تشدید مجازات در نظر گرفته است و به نظر می‌رسد، رفتار مرتکب را نباید در این موارد مشمول مقررات تعدد جرم دانست، بلکه مجموع رفتارهای مرتکب از مجموع دو جرم «توقیف غیرقانونی» و «تهدید به قتل» را به عنوان جرم خاص «توقیف توأم با تهدید به قتل» دانست؛ در نتیجه در چنین حالتی مقررات تعدد جرم اعمال نشده، بلکه مجازات مذکور در ماده ۵۸۷ ق.م.ا تعزیرات جانشین مجازات‌های مذکور در مواد ۵۸۳ و ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات می‌شود؛ اما در مورد سایر مصادیق تهدیدها (سایر ضررهای جانی، مالی، شرفی، یا افشای اسرار) با توجه به عدم تصریح در ماده فوق، مشمول مقررات تعدد جرم (یعنی توقیف غیرقانونی و تهدید) خواهد شد.
- ✓ لفظ «تهدید» در ماده فوق ناظر بر قتل است نه آزار و اذیت بدنی و تشدید مجازات زمانی اعمال می‌شود که مرتکب واقعاً اقدام به آزار و اذیت بدنی شخص توقیف‌شده (نه صرفاً تهدید او) نماید.
- ✓ در صورتی که مرتکب جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، دست به ارتکاب جنایت عمدی علیه مجنی‌علیه بزند و قصاص به هر دلیل قابل اجرا نباشد و مرتکب به تعزیر بدل از قصاص مقرر در مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا تعزیرات محکوم شود چنین حالتی از موارد تعدد معنوی خواهد بود و در نتیجه باید از میان مجازات‌های مذکور در ماده ۵۸۳ و مجازاتی که حسب مورد در یکی از مواد ۶۱۲ (جنایت علیه نفس: قتل) یا ۶۱۴ (جنایت مادون نفس) ق.م.ا تعزیرات پیش‌بینی شده است، مجازات اشد را اجرا کرد.

- ✓ از لفظ «مرتکب» در مواد ۵۸۶ و ۵۸۷ ق.م.ا تعزیرات به نظر می‌رسد این تشدید صرفاً ناظر بر مباشر جرم بوده و با توجه به ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی امکان تسزّی این تشدید به مجازات معاون یا معاونین وجود ندارد، در حالی که تخفیف مقرّر در ماده ۵۸۵ ق.م.ا تعزیرات بنا به تصریح قانونگذار شامل معاون هم می‌شود.
- ✓ منظور از «محرومیت از خدمات دولتی» محرومیت دائمی از اشتغال و استخدام دولتی است که خود اعم از انفصال از خدمت دولت می‌باشد؛ به عبارت دیگر، هرگاه مستخدم دولت این جرم را مرتکب شود از خدمت دولتی منفصل و اگر غیرمستخدم دولت آن را مرتکب شود از استخدام در ادارات و نهادهای دولتی محروم می‌شود.
- ✓ همچنین در مواردی که مرتکب برای ارتکاب جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس متناسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد، علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد. (ماده ۵۸۶ ق.م.ا)

جرم توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی		
توقیف، حبس، اخفای افراد بدون مجوّز قانونی		
توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی جرمی، ساده، مستمر و مقید است		
عنصر قانونی	ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	توقیف، حبس، اخفای افراد بدون مجوّز قانونی
	شرایط و اوضاع و احوال	اقدام مرتکب نسبت به توقیف، اخفا و حبس غیرقانونی، باید بدون رضایت وی باشد
	نتیجه حاصله جرم	سلب آزادی تن
عنصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد توقیف، حبس، اخفای افراد بدون مجوّز قانونی
	سوء نیت خاص	داشتن قصد نتیجه مجرمانه؛ یعنی سلب آزادی تن
مجازات	۱ تا ۳ سال حبس یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال	

### جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی

عناصر تشکیل دهنده جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی

عنصر قانونی جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی

ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه مقامات قضائی یا دیگر مأمورین ذی صلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال محکوم خواهند شد.»

عنصر مادی جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی

✓ رفتار مجرمانه جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی عبارت است از: «صدور دستور توقیف غیرقانونی افراد از سوی مقامات ذی صلاح»؛ برای مثال در فرضی که بازپرس غیر از موارد مقرّر در ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک اقدام به صدور قرار بازداشت نماید، به مجازات مقرّر در ماده فوق محکوم خواهد شد.

- ✓ جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی، فقط از سوی مأمورانی که صلاحیت صدور دستور توقیف یا بازداشت یا تعقیب کیفری یا قرار مجرمیت را دارند و در ارتباط با موقعیت شغلی خود چنین دستوراتی را بر خلاف قانون صادر می‌کنند، قابل ارتکاب است.
  - ✓ جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی، جرمی مطلق است و صرف دستور توقیف یا بازداشت افراد کفایت می‌کند، ولو آن‌که در عمل منتهی به زندانی شدن فرد نگردد.
  - ✓ ماده فوق صرفاً ناظر بر دستور بازداشت یا توقیف غیرقانونی نبوده و شامل تعقیب قانونی یا صدور قرار مجرمیت بر خلاف حق نیز می‌شود. ناگفته نماند «قرار مجرمیت» در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به درستی به «قرار جلب به دادرسی» تغییر یافته است؛ زیرا اطلاق مجرم در مورد کسی که هنوز برای او حکم محکومیت قطعی صادر نشده و حتی هنوز پرونده او به دادگاه ارسال نشده است، خلاف فرض برائت است.
  - ✓ در ماده فوق صرفاً به صدور قرار مجرمیت «جلب به دادرسی» اشاره شده است، نه تأیید آن؛ در توضیح این مطلب باید یادآور شد که قرار مجرمیت صادر از سوی بازپرس یا دادیار باید به تأیید دادستان برسد، حال به نظر می‌رسد چنانچه دادستان با عدم آگاهی از غیرقانونی بودن این قرار، آن را تأیید کند، مشمول ماده فوق نخواهد بود.
  - ✓ مطابق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.»
- عنصر روانی جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی:** جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی، جرمی عمدی می‌باشد؛ یعنی مرتکب باید وجود سوءنیت و عامداً با علم به غیرقانونی بودن دستور آن را علیه کسی خطاب به مأموری که ملزم به اجرای دستور می‌باشد، صادر کرده باشد.
- مجازات جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی:** مرتکب این جرم به انفسال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال محکوم خواهد شد.

<b>جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی</b>	
صدور دستور توقیف غیرقانونی افراد از سوی مقامات ذی صلاح	
جرم فوق جرمی، ساده، آنی و مطلق است	
ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	<b>عنصر قانونی</b>
صدور دستور توقیف غیرقانونی افراد از سوی مقامات ذی صلاح	<b>رفتار مجرمانه</b>
جرم صدور بازداشت یا تعقیب غیرقانونی، فقط از سوی مأمورانی که صلاحیت صدور دستور توقیف یا بازداشت یا تعقیب کیفری یا قرار مجرمیت را دارند و در ارتباط با موقعیت شغلی خود چنین دستوراتی را بر خلاف قانون صادر می‌کنند، قابل ارتکاب است.	<b>شرایط و اوضاع و احوال</b>
جرم مطلق است	<b>نتیجه حاصله جرم</b>
داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد صدور دستور توقیف غیرقانونی افراد از سوی مقامات ذی صلاح	<b>سوءنیت عام</b>
—	<b>سوءنیت خاص</b>
انفسال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت ۵ سال	<b>مجازات</b>

## جرم آدم‌ربایی

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم آدم‌ربایی

#### عنصر قانونی جرم آدم‌ربایی

**ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تعزیرات:** «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ تا ۱۰ سال (مجازات این ماده به موجب بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری کاهش یافته است و اکنون مجازات جرم آدم‌ربایی) در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه ۴ و در غیر این صورت به حبس درجه ۵ محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد. تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است»

#### عنصر مادی جرم آدم‌ربایی

- ✓ رفتار مجرمانه جرم آدم‌ربایی عبارت است از: «ربودن انسان زنده بدون رضایت او که در نتیجه آن آزادی فرد ربوده شده سلب شود»
- ✓ برای حصول جرم آدم‌ربایی، برخلاف جرم توقیف یا حبس غیرقانونی باید شخص دیگری بدون رضایت خودش از جایی به جایی دیگر منتقل شود؛ بنابراین بستن در اتاق بر روی دیگری و یا همراه کردن دیگری با خود با میل و رضایت وی آدم‌ربایی محسوب نمی‌شود؛ اما در حبس یا توقیف غیرقانونی، مرتکب دیگری را در محلی متوقف ساخته و مانع رفت و آمد وی می‌شود، بدون آن که این توقیف یا حبس همراه با ربودن باشد.
- ✓ عدم رضایت بزه‌دیده در جرم آدم‌ربایی شرط است؛ بنابراین همراه شدن بزه‌دیده با مرتکب همراه با میل و رضایت خودش آدم‌ربایی محسوب نمی‌شود؛ مثل اینکه دختری برای جلب موافقت پدر خود جهت ازدواج با پسر مورد علاقه‌اش با رضایت به خانه پسر برود در این صورت آدم‌ربایی منتفی است؛ ولی در صورتی که مسافر با میل و رضایت خود سوار خودروی دیگری شود و راننده بر خلاف میل مسافر تغییر مسیر دهد، موجب تحقق جرم آدم‌ربایی می‌گردد.
- ✓ همان‌گونه که در متن ماده نیز آمده است: «به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید»؛ رضایت ناشی از خدعه و فریب، در حکم عدم رضایت است؛ مثل این که کسی خود را راننده سرویس اداره جا بزند و کارمندی با همین تصور سوار اتومبیل وی شود یا کسی به کودکی وانمود کند که از سوی پدرش مأموریت دارد تا وی را به خانه برساند و بدین ترتیب وی را با خود همراه سازد.
- ✓ رضایت اطفال غیرممیّز، مجانین، افراد مکره و ... چون رضایت‌شان مخدوش است، در حکم عدم رضایت است.
- ✓ در صورتی که فرد ربوده شده قادر به اعلام مخالفت نباشد مانند بیهوشی یا خواب بودن فرد ربوده شده در حکم عدم رضایت است.
- ✓ هرگاه رباینده با تهدید یا عنف باعث شود که بزه‌دیده، از روی ترس، ظاهراً مقاومتی نکرده و با وی همراه گردد، آدم‌ربایی حاصل می‌شود.
- ✓ ملاک عدم رضایت بزه‌دیده در زمان ربودن است و رضایت بعدی بزه‌دیده تأثیری در تحقق جرم نخواهد داشت؛ برای مثال در فرضی که دختری پس از ربوده شدن شیفته رباینده خود شود و اصرار بر ماندن در کنار او داشته باشد، تأثیری در تحقق جرم نداشته و نهایتاً می‌توان به دلیل رضایت بزه‌دیده در مجازات مرتکب تخفیف داد.
- ✓ در صورتی که کسی با دادن وعده‌هایی دیگری را به همراهی خود ترغیب کند، صرف عدم انجام وعده موجب تحقق عنوان آدم‌ربایی نمی‌شود، مثل اینکه پسری به دختری وعده دهد که اگر با وی به شهرستان دیگری برود با او ازدواج خواهد کرد؛ ولی پس از بردن دختر به شهرستان، پسر از ازدواج امتناع نماید، جرم آدم‌ربایی حاصل نمی‌شود.

- ✓ بازگرداندن یا رها نمودن بزه‌دیده تأثیری در حصول جرم نخواهد داشت و نهایتاً می‌توان به دلیل ندامت مرتکب در مجازات او تخفیف داد.
- ✓ در صورتی که مرتکب به دلایل غیرآزادی از قصد خود بازماند، نهایتاً می‌توان او را به مجازات شروع به آدم‌ربایی محکوم ساخت؛ برای مثال در فرضی که راننده بخواهد به قصد ربودن دیگری او را به زور سوار ماشین کند؛ اما به دلیل مقاومت طرف مقابل موفق به عملی ساختن نقشه خود نشود، به دلیل عدم تحقق ربایش و جابجایی، به مجازات شروع به آدم‌ربایی محکوم خواهد شد. تبصره ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات به موجب حکم مقرّر در ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده و مجازات شروع به آدم‌ربایی در حال حاضر بر اساس حکم عام مقرّر در ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می‌گردد.
- ✓ نتیجه جرم آدم‌ربایی سلب آزادی از فرد ربوده‌شده است؛ بنابراین آدم‌ربایی جرمی مقید به نتیجه است. هر چند قانونگذار در ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات، واژه «قصد» را بکار برده است ولی این واژه بر انگیزه دلالت می‌کند و دلالت بر قصد نتیجه (سوءنیت خاص) ندارد. فرد آدم‌ربا باید عمد در ربودن فرد داشته باشد و با توجه به اینکه نتیجه جرم آدم‌ربایی از عمل مرتکب منفک نیست؛ بنابراین قصد نتیجه (سوءنیت خاص) در قصد رفتار مجرمانه (سوءنیت عام) مستتر است و کسی که قصد ربودن دیگری را دارد، در ضمن قصد سلب آزادی او را نیز دارد.

### عنصر روانی جرم آدم‌ربایی

- ✓ آدم‌ربایی چون جرمی عمدی است باید علم و عمد مرتکب در آن احراز شود.
- ✓ منظور از علم مرتکب، علم مرتکب به موضوع جرم آدم‌ربایی که وجود انسان زنده است می‌باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی با تصور اینکه موضوع جرم، جسد یک انسان (مُرده) است و آن را به قصد پنهان یا دفن کردن آن منتقل نماید یا با تصور اینکه جسدی داخل کیسه است، یا لاشه حیوانی داخل کیسه است، آن را جابجا کند، به دلیل جهل موضوعی بحث آدم‌ربایی منتفی است.
- ✓ اشتباه مرتکب در مورد هویت و ویژگی‌های فرد ربوده‌شده، مثل این که وی قصد ربودن فرزند فرد ثروتمندی را جهت اخاذی از پدرش داشته باشد، ولی به اشتباه فرزند شخص فقیری را برآید.
- ✓ وجود روابطی مانند قرابت، دوستی، زوجیت و ... مانع حصول جرم نمی‌شود، برای مثال در فرضی که دایی کودک به دلیل خلاصی کودک از شرایط نامساعد خانوادگی و تربیت صحیح طفل، او را برآید، نمی‌تواند با توسل به وجود روابط خانوادگی از بار مسؤلیت شانه خالی کند؛ حتی در فرضی که یکی از والدین، فرزند را از کسی طفل تحت حضانت اوست، برآید (مثلاً مادر پس از متارکه، کودک را بدون اطلاع پدر از کودکستان با خود برده و در جایی مخفی کند) مرتکب آدم‌ربایی شده است.
- ✓ منظور از عمد مرتکب قصد ارتکاب رفتار مجرمانه یا همان سوءنیت عام می‌باشد که در تمام جرائم عمدی باید احراز شود؛ در جرم آدم‌ربایی مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در ربودن انسان زنده‌ای برخلاف میل او داشته باشد؛ بنابراین هرگاه مرتکب از وجود کسی در داخل صندوق عقب خودرو مطلع نبوده و خودرو را حرکت دهد، مرتکب جرم آدم‌ربایی نشده است.
- ✓ منظور از «قصد» در ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات انگیزه مرتکب است، که می‌تواند «مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری» باشد.
- ✓ قانونگذار در ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات علاوه بر ربودن به «مخفی کردن» نیز اشاره نموده است که جرم مستقلی بوده و ملازمه‌ای با آدم‌ربایی ندارد، چراکه در بعضی موارد شخص صرفاً مرتکب آدم‌ربایی می‌شود، بدون آن که بزه‌دیده را مخفی کند (مانند فرضی که بزه‌دیده به محض ربوده شدن، بتواند فرار کند) و در بعضی موارد هم مرتکب شخصی را مخفی می‌کند، بدون آن که ربودنی در کار بوده باشد (مانند فرضی که مهمان خود را در زیرزمین خانه مخفی نماید)؛ جرم مخفی کردن در ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات با جرم اخفا (توقف غیرقانونی) در ماده ۵۸۳ ق.م.ا تعزیرات متفاوت است؛ زیرا قبل از اخفای بزه‌دیده در ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات باید ربودن بزه‌دیده صورت گیرد؛ در حالی که اخفای بزه‌دیده در ماده ۵۸۳ ق.م.ا تعزیرات صرف مخفی نمودن دیگری بدون ربودن او موجب تحقق این جرم می‌گردد.

✓ مباشرت مجرم در ارتکاب جرم آدم‌ربایی شرط نیست، ممکن است مجرم، آدم‌ربایی را همان طور که در ماده آمده است «توسط دیگری» انجام دهد؛ به عبارت دیگر نیازی به مباشرت در فعل ربودن نیست؛ مثل اینکه شخصی را توسط صغیر غیرمتمیز یا مجنون را بر بیاورد، یا در فرضی که شخصی با فریب راننده، خود را پدر کودکی معرفی کند و توسط راننده کودک را به مقصد مورد نظر خود بیاورد و یا زن بیهوشی را در تاکسی دیگری گذاشته و وانمود کند که آن زن همسر اوست و از راننده بخواهد که زن را به نشانی مشخصی ببرد. همه این مثال‌ها به مواردی مربوط می‌شود که در آنها سبب اقوی از مباشر است. البته شاید بتوان عبارت «توسط دیگری» مذکور در ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت.ج را شامل کلیه موارد معاونت دانست؛ مثل وقتی که طلبکاری با اجیر کردن شخصی از وی برای ربودن بدهکار استفاده کرده یا رئیس یک باند آدم‌ربایی دستور ربودن شخصی را به اعضای باند صادر می‌کند و آنان نیز به طور آگاهانه دستور را اجرا می‌کنند. در این موارد قانونگذار با توجه به اهمیت جرم و نقش کلیدی معاون، برای وی نیز مجازات مباشر را تعیین کرده است. بدیهی است، چنین موردی چون به عنوان جرم خاص (و نه معاونت) در قانون پیش‌بینی شده است، مشمول نسخ صریح مذکور در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌شود.

✓ در رابطه با اینکه جرم آدم‌ربایی را باید در زمره جرائم آنی به شمار آورد یا مستمر، اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده برخی آدم‌ربایی در زمره جرائم مستمر محسوب می‌شود و عنصر مادی این جرم تا مادامی که فرد آزاد نشده باشد، در حال ادامه یافتن است؛ اما به نظر می‌رسد که باید آن را جزء جرائم آنی دانست و به محض سلب آزادی و دقیقاً از لحظه‌ای جابجایی بدون رضایت بزه‌دیده صورت گیرد، این جرم حاصل می‌شود، برای مثال در فرضی که شخصی با رضایت خود سوار بر خودروی دیگری شده؛ اما به محض آگاهی از تغییر مسیر ناگهانی، خواستار توقف خودرو شده ولی راننده کماکان به مسیر خود ادامه دهد، آدم‌ربایی محقق شده است.

**مجازات جرم آدم‌ربایی:** مجازات آدم‌ربایی با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ از حبس تعزیری درجه ۳ به حبس تعزیری درجه ۴ یا ۵ تقلیل یافته است. بدین شکل که:

- اگر آدم‌ربایی به عنف باشد: مجازات آن حبس تعزیری درجه ۴: بیش از ۵ تا ۱۰ سال
- اگر آدم‌ربایی به عنف نباشد: مجازات آن حبس تعزیری درجه ۵: بیش از ۲ تا ۵ سال

✓ تقلیل مجازات در صلاحیت دادگاه نیز مؤثر است و رسیدگی به جرم آدم‌ربایی در صلاحیت دادگاه کیفری دو خواهد بود، در حالی که پیش از این رسیدگی به جرم آدم‌ربایی در صلاحیت دادگاه کیفری یک بود؛ همچنین از حیث مرجع تجدیدنظرخواهی نیز، آرای صادره از دادگاه کیفری در مورد اتهام آدم‌ربایی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور بودند، که اکنون با توجه به درجه جرم، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظرخواهی استان هستند؛ ناگفته نماند در رابطه با پرونده‌هایی که سابقاً در دادگاه کیفری یک مطرح شده‌اند، دادگاه کیفری یک رسیدگی را ادامه می‌دهد رأی صادره از دادگاه کیفری یک در مورد این پرونده‌ها همچون گذشته قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۶ مصوب ۱۳۹۹/۷/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «نظر به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آن است و این حکم که یکی از قواعد تضمین‌کننده حقوق مکتسب اصحاب دعوا است، در امور کیفری نیز جاری است و به همین سبب حکم مندرج در بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر اجرای فوری قوانین مربوط به صلاحیت، منصرف از قاعده مذکور است. بنابراین، چنانچه رأی دادگاه کیفری با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور، مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قابل فرجام در دیوان عالی کشور باشد، کاهش مجازات به موجب قانون جدید تأثیری در قابلیت فرجام رأی ندارد.»

**جهات تشدید مجازات آدم‌ربایی:** مجازات جرم آدم‌ربایی با توجه به سن بزه‌دیده، استفاده از وسیله نقلیه یا ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به بزه‌دیده تشدید شده و مرتکب به حداکثر مجازات قانونی جرم آدم‌ربایی محکوم می‌گردد؛ یعنی در آدم‌ربایی به عنف در موارد مذکور حکم به ۱۰ سال حبس و در آدم‌ربایی به غیر عنف حکم به ۵ سال حبس صادر می‌شود.

۱. **سن بزه‌دیده:** در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد، مرتکب به حداکثر مجازات قانونی محکوم می‌شود.  
✓ با توجه به آن که در تعیین مجازات‌های تعزیری، ملاک سن شمسی است، به نظر می‌رسد مقصود قانون‌گذار در رابطه با سن بزه‌دیده نیز همان سن شمسی است.
- ✓ ملاک تشدید مجازات در ماده فوق سن بزه‌دیده در زمان ارتکاب جرم است؛ بنابراین در فرضی که مرتکب فرد ربوده‌شده را چند سال مخفی نموده و سن بزه‌دیده در زمان رهایی از پانزده سال تجاوز کرده باشد، مشمول تشدید فوق خواهد شد، همچنان که اگر سن فرد در زمان ربودن کمتر از پانزده سال و در زمان طرح شکایت یا صدور حکم بیش از آن باشد، قاضی در تعیین مجازات باید به حداکثر مجازات مقرر در قانون حکم دهد.
- ✓ آگاهی یا عدم آگاهی مرتکب از سن مرتکب، تأثیری در تشدید نداشته و به نظر می‌رسد تشدید مجازات فوق در هر صورت نسبت به مرتکب عالم یا جاهل به سن بزه‌دیده اعمال خواهد شد.
۲. **استفاده از وسیله نقلیه:** در صورتی که مرتکب برای ارتکاب آدم‌ربایی از وسیله نقلیه (اعم از موتوری یا غیرموتوری) استفاده کرده باشد، مجازات وی تشدید خواهد شد.  
✓ وسیله نقلیه باید برای ربودن باشد، و اگر مرتکب پس از ربایش از وسیله نقلیه استفاده کند، مشمول تشدید مجازات نخواهد شد؛ برای مثال در فرضی که مرتکب چند روز پس از ربودن دیگری و مخفی کردن او در خانه‌ای، او را با وسیله نقلیه به خانه دیگری منتقل کند، مشمول این تشدید نخواهد شد.
- ✓ اگر استفاده از وسیله نقلیه در ادامه ربودن دیگری باشد، به نحوی که نتوان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود، رفتار مرتکب مشمول تشدید مجازات قرار می‌گیرد؛ برای مثال در فرضی که شخصی طفلی را در بغل گرفته و به محض ربودن داخل خودروی خود گذاشته و فرار کند، با توجه به شرط تشدید فوق به حداکثر مجازات قانونی محکوم خواهد شد.
۳. **آسیب جسمی یا حیثیتی:** از دیگر موارد تشدید مجازات مرتکب آدم‌ربایی موردی است که به شخص ربوده‌شده آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود.  
✓ باید میان جرم آدم‌ربایی و نتیجه وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد، برای مثال در صورتی که در اثر حوادث طبیعی مانند زلزله، محل اخفای بزه‌دیده تخریب شود و در نتیجه آن بزه‌دیده دچار آسیب شود، مرتکب مشمول تشدید مجازات نخواهد شد.
- ✓ ضرورتی به ایراد آسیب جسمی یا حیثیتی توسط خود مرتکب نیست؛ برای مثال در فرضی که یکی از دوستان مرتکب در محل اخفا به بزه‌دیده تجاوز نماید، مجازات مرتکب تشدید خواهد شد.
- ✓ ممکن است بدون این که از بزه‌دیده سوءاستفاده جنسی شود به وی آسیب حیثیتی وارد شود؛ برای مثال صرف اینکه دختر جوانی چند شبانه‌روز در داخل یک اتاق در کنار مردان رباینده قرار گیرد، موجب ورود آسیب حیثیتی به وی می‌شود.

### جهات تخفیف مجازات آدم‌ربایی

- ✓ در رابطه با حدود اختیارات دادگاه در تخفیف مجازات آدم‌ربایی قابل ذکر است که با توجه به بندهای «الف» و «ب» ماده ۳۷ ق.م.ا (اصلاحی ۱۳۹۹):
  - اگر آدم‌ربایی به عُنْف باشد: صرفاً امکان تقلیل مجازات برای یک تا سه درجه وجود دارد
  - اگر آدم‌ربایی به عُنْف نباشد: امکان تقلیل مجازات تا دو درجه یا تبدیل آن به جزای نقدی وجود دارد. همچنین صدور حکم آزادی مشروط، نیمه آزادی و آزادی با نظارت سامانه‌های الکترونیکی امکان‌پذیر است.
- ✓ با توجه به بند «ب» ماده ۴۷ ق.م.ا صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در جرم آدم‌ربایی ممنوع است. البته این محدودیت شامل معاونت در آدم‌ربایی نشده و در رابطه با مجازات معاون امکان تعلیق اجرای مجازات وجود دارد.

✓ در رابطه با امکان عفو در جرم آدم‌ربایی باید ذکر نمود که مستند به بند «ب» ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ تنها در مورد مصادیق مهم آدم‌ربایی منع قانون عفو وجود دارد و در سایر موارد امکان اعطای عفو از سوی رهبری وجود دارد، تشخیص این مصادیق مهم بر عهده ریاست قوه قضاییه است.

جرم آدم‌ربایی		
رَبودن انسان زنده بدون رضایت او که در نتیجه آن آزادی فرد ربوده‌شده سلب شود آدم‌ربایی جرمی، ساده، آنی و مقید است		
عنصر قانونی	ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	رَبودن انسان زنده بدون رضایت او که در نتیجه آن آزادی فرد ربوده‌شده سلب شود
	شرایط و اوضاع و احوال	انتقال بزه‌دیده از جایی به جایی دیگر انتقال بزه‌دیده بدون رضایت خودش
	نتیجه حاصله جرم	سلب آزادی از فرد ربوده‌شده
عنصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد ربودن انسان زنده بدون رضایت او
	سوء نیت خاص	داشتن قصد نتیجه مجرمانه، یعنی سلب آزادی از فرد ربوده‌شده
مجازات	اگر آدم‌ربایی به عُنْف باشد	حبس تعزیری درجه ۴: بیش از ۵ تا ۱۰ سال
	اگر آدم‌ربایی به عُنْف نباشد	حبس تعزیری درجه ۵: بیش از ۲ تا ۵ سال

### جرم نوزاد ربایی یا عوض نمودن نوزاد

ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مُرده بوده، مرتکب به چهار میلیون (۴/۰۰۰/۰۰۰) تا پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق عبارت است از: «دزدیدن یا مخفی نمودن طفلی که تازه متولد شده یا طفل را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نمودن»

✓ موضوع جرم فوق اطفال تازه متولدشده‌ای هستند که به راحتی قابل جابجایی بوده و به سادگی با سایر نوزادان قابل تشخیص نباشد، به نحوی که بتوان او را متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل محسوب نمود (مثلاً پرستار بیمارستان پس از وضع حمل مادر، نام شخص دیگری را به عنوان مادر به تخت نوزاد بچسباند و یا حتی خود مادر فرزند دیگری را به جای فرزند خود جا زده و با عملیاتی مانند شیر دادن به او، نوزاد را متعلق به خود قلمداد کند.

✓ استفاده از لفظ «دزدیدن» به جای ربودن نوزادان قابل تأمل است، در حالی که غالباً کاربرد چنین لفظی مربوط به جرم سرقت و دزدیدن اموال دیگران است و نوزاد را جزء اموال به شمار می‌رود، هر چند به باور برخی، قانونگذار افراد موضوع این ماده را به دلیل ناتوانی در حرکت و دفاع از خود در حکم مال دانسته است، که البته با چنین توجیهی مجازات خفیف‌تری را که قانونگذار برای آن در نظر گرفته است، مورد پذیرش قرار داد.

## جرم قاچاق انسان

### (مطابق با قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸)

**رفتار مجرمانه جرم قاچاق انسان:** مطابق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان یک از ۲ حالت زیر است:

۱. خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور؛
  ۲. تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد مربوطه پس از عبور از مرز.
- ✓ سوءنیت خاص مرتکب باید قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج باشد، که طبعاً منظور از ازدواج اجباری است.
- ✓ مرتکب باید برای خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور به اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده متوسل شده باشد.

### رفتارهای مجرمانه در حکم قاچاق انسان

۱. تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور باشد.
  ۲. عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج هرچند با رضایت آنان باشد.
  ۳. عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد.
- ✓ در صورت عبور دادن، حمل یا انتقال افراد به قصد فحشا، با توجه به شنیع بودن هدف مرتکب، عمل وی حتی اگر سازمان یافته نبوده و با رضایت فرد هم انجام شود، در حکم قاچاق انسان محسوب شده است. در حالی که در مورد سایر اهداف، تحقق جرم، در صورت رضایت فرد مورد نظر منوط به سازمان یافته بودن عمل مرتکب است.

**مجازات جرم قاچاق انسان:** حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است.

- ✓ اگر عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مجازات‌های مقرر در همان قانون نسبت به مرتکب اعمال خواهد شد.
- ✓ تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان به موجب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده است و اکنون مجازات قاچاق اطفال و نوجوانان مطابق مواد ۱۲ و ۱۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تعیین می‌گردد.
- ✓ تبصره ۲ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده است و اکنون مجازات شروع به قاچاق انسان مطابق حکم عام ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می‌گردد.
- ✓ تبصره ۳ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ شده است و اکنون مجازات معاونت در قاچاق انسان مطابق حکم عام ماده ۱۲۷ ق.م.ا تعیین می‌گردد.
- ✓ در صورتی که کارکنان دولت مرتکب جرم قاچاق انسان شوند، علاوه بر مجازات‌های مقرر به انفصال موقت یا دائم از خدمات محکوم خواهند شد.
- ✓ در صورتی که مؤسسات و شرکت‌های خصوصی به قصد ارتکاب قاچاق انسان ولو با نام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز مربوطه ابطال و موسسه و شرکت به دستور مقام قضائی تعطیل خواهد گردید.

- ✓ در صورت ارتکاب قاچاق انسان به همراه جرائم دیگر، بر اساس احکام راجع به تعدد مادی جرم عمل می‌شود. در چنین حالتی، مطابق ماده ۶ قانون مبارزه با قاچاق انسان، مجازات آن جرائم با مجازات پیش‌بینی شده برای قاچاق انسان جمع می‌شدند، ولی در حال حاضر، در صورتی که مجازات جرائم دیگر حد یا قصاص باشد، طبق مفاد ماده ۱۳۵ ق.م.ا حد یا قصاص با مجازات تعزیری مذکور در قانون مبارزه با قاچاق انسان جمع می‌شود؛ ولی هرگاه مجازات جرائم دیگر از نوع تعزیر باشد، باید بر اساس مفاد ماده ۱۳۴ ق.م.ا (اصلاحی به موجب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری) عمل شود.
- ✓ اگر عمل خارج کردن از مرز (بند الف قانون) با عمل مخفی کردن (بند ب قانون) توسط فرد واحدی انجام شود، نمی‌توان حکم به تعدد جرم قاچاق انسان داد.
- ✓ به موجب بند «ت» ماده ۴۷ ق.م.ا صدور حکم و اجرای مجازات در مورد قاچاق انسان در صورتی که به شکل عمده انجام شود (تفسیر عمده بودن بر عهده قاضی است) قابل و تعلیق نیست؛ همین حکم در مورد شروع به ارتکاب این جرائم جاری است.

<b>جرم قاچاق انسان</b>	
قاچاق انسان جرمی، ساده، آنی و مطلق است	
<b>عنصر قانونی</b>	قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸
<b>عنصر مادی</b>	۱. خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور؛ ۲. تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد مربوطه پس از عبور از مرز.
<b>شرایط و اوضاع و احوال</b>	مرتکب باید برای خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور به اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده متوسل شده باشد
<b>نتیجه حاصله جرم</b>	جرم مطلق است
<b>عنصر روانی</b>	<b>سوء نیت عام</b> داشتن قصد رفتار مجرمانه <b>سوء نیت خاص</b> مرتکب باید قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج داشته باشد
<b>مجازات</b>	حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است

### جرائم جنسی همراه با عنف یا اکراه و سوءاستفاده از اشخاص

جرائم جنسی در زمره جرائم علیه اشخاص نبوده، بلکه جزء «جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی» موضوع فصل هجدهم «قانون تعزیرات» می‌باشد؛ بنابراین به جرائم علیه اشخاص مربوط نمی‌شود؛ ولی هرگاه این جرائم به عنف و اکراه ارتکاب یابند، هم جرمی علیه عفت و اخلاق عمومی محسوب می‌شوند و هم با لحاظ بی‌توجهی مرتکب نسبت به اختیار بزه‌دیده در مورد جسم و تن خود و با توجه به آثار سوء جسمانی، روانی و حیثیتی که این جرائم می‌تواند برای بزه‌دیده به دنبال داشته باشد، جرم علیه شخصیت معنوی اشخاص تلقی می‌گردد؛ بنابراین در این قسمت صرفاً به جرائم جنسی همراه با عنف یا اکراه می‌پردازیم.

- ✓ بند «ت» ماده ۲۴ ق.م.ا در مورد جرم زنا، ارتکاب آن را به عنف یا اکراه موجب اعدام زانی اکراه‌کننده دانسته است.
- ✓ مطابق نظر غالب فقها و ماده ۲۱۸ ق.م.ا، امکان اکراه در زنا از سوی زن و مرد وجود دارد؛ بنابراین اگر زنی مردی را تهدید کند که در صورت عدم ارتکاب زنا با او، وی را خواهد کُشت و مرد هم برای فرار از کشته شدن، مرتکب چنین عملی شود، به دلیل اکراه مسؤولیت کیفری ندارد.

- ✓ قانون مجازات اسلامی، اکراه شدن زن توسط مرد به زنا موجب تشدید مجازات مرد زانی تا حد قتل دانسته است؛ در حالی که اگر زنی مردی را به ارتکاب زنا با خود اکراه کند، همان مجازات زنا، با توجه به محصنه بودن یا نبودن زن، طبق قانون مجازات بر زن اعمال خواهد شد، بدون اینکه مجازات وی به دلیل توسل به اکراه تشدید شود. دلیل این امر آن است که مورد تجاوز قرار گرفتن زن معمولاً موجب بی‌آبرویی و بی‌حیثیتی و ورود خسارات معنوی و مادی دیگر به او و خانواده‌اش می‌شود، در حالی که در مورد مرد چنین نیست.
- ✓ منظور از عُنْف و اکراه تنها خشونت‌آمیز بودن عمل نیست، بلکه در موارد مختلفی طرف مقابل از نظر قانون ناراضی و در نتیجه ارتکاب عمل جنسی با وی جرم محسوب می‌شود.
- ✓ تحصیل رضایت با خدعه و فریب در حکم عدم رضایت است، مثل موردی که کسی به زنی وانمود کند که منظور وی از رابطه جنسی انجام یک معاینه پزشکی بر روی زن است.
- ✓ در مورد سایر جرائم جنسی، مثل مساحقه، تقبیل و تفخیذ مجازات مرتکب اکراه‌کننده (مکره) تفاوتی با مرتکبی که با رضایت طرف مقابل به این اعمال دست می‌زند، ندارد؛ جز این که در صورت اکراه، طرف اکراه‌شده (مکره) از تحمل مجازات معاف خواهد شد.
- ✓ گاه صرف ادعای وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری، یا ادعای زوجیت یا وطی به شبهه در صورتی که یقین به خلاف آن نباشد، پذیرفته می‌شود، این ادعا ممکن است هم از سوی زانی و هم از سوی زانیه مطرح و پذیرفته شود.

**تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی:** «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با عُنْف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است»

- ✓ منظور از عدم رضایت، صرف عدم تمایل نمی‌باشد؛ یعنی هر نزدیکی جنسی ناخواسته‌ای را نمی‌توان زنا با عُنْف محسوب کرد. بدین ترتیب، صرف اینکه رضایت زن به برقراری رابطه جنسی ناشی از تهدیدات مختصری (مانند تهدید مرد به اخراج زن از کار، یا قطع رابطه عاطفی اش با او، یا به هم زدن نامزدی اش، یا نبردن وی به یک سفر تفریحی، یا کشتن حیوان خانگی مورد علاقه زن و نظایر آنها باشد) نمی‌تواند موجب آن شود که نزدیکی مرد با زن را زنا با عُنْف یا تجاوز جنسی محسوب کنیم، هر چند که در این مورد رابطه جنسی ناخواسته، و در واقع رضایت واقعی زن مخدوش بوده است؛ به عبارت دیگر گردن نهادن از روی بی‌میلی هم در هر حال نوعی رضایت محسوب می‌شود. پس، عدم رضایت زن که در تبصره ۲ ماده ۲۴ به آن اشاره شده است، باید ناشی از عواملی در حد بی‌هوشی، خواب (اعم از طبیعی یا مصنوعی) یا مستی باشد، تا بتوان عمل مرد را در حکم زنا با عُنْف دانست.

- ✓ محدود کردن اغفال و فریب به اغفال و فریب دختر نابالغ در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. ممکن است زن نابالغی نیز اغفال شود، مثل وقتی که مردی با جعل یک سند ازدواج یا با گریم چهره یا تغییر صدا خود را شوهر زنی قلمداد کرده و بدین ترتیب رضایت وی را به برقراری رابطه جنسی جلب نماید. به نظر می‌رسد که قانونگذار اغفال و فریب دختر نابالغ را تنها به عنوان مصداق بارزی از اغفال ذکر کرده است و مواردی مثل نمونه‌های از پیش گفته نسبت به زن بالغ را نیز بتوان در حکم زنا با عُنْف محسوب کرد.

- ✓ منظور از زنا با عُنْف از طریق ربایش، آن است که زنی، پس از ربوده شدن، مورد تجاوز جنسی قرار گیرد. در چنین حالتی، حق انتخاب آزاد از وی سلب شده است. البته زنا با عُنْف از طریق ربایش (برخلاف برقراری رابطه جنسی همراه تهدید یا ترساندن، که مستقیماً به عمل جنسی مربوط می‌شود) ارتباط مستقیمی بین ربایش و نزدیکی جنسی وجود ندارد و هر یک عمل مجزایی است، به نظر می‌رسد اگر مرتکب بتواند اثبات نماید که، علی‌رغم ربودن زن، وی نسبت به عمل نزدیکی جنسی رضایت داشته است، وی به زنا ساده و نه زنا با عُنْف محکوم خواهد شد.

- ✓ تهدید یا ترساندن مذکور در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا باید شدید باشد، نه از نوع آنچه راجع به تهدید به اخراج از کار و مانند آن گفتیم. ممکن است تهدید یا ترساندن صریح باشد. از موارد مبتلا به، فیلم‌برداری مستهجن از زنان و برقراری رابطه جنسی با آنان پس از تهدید به انتشار

فیلم‌ها از طریق اینترنت می‌باشد. مطابق ماده ۴ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۸۶ چنین بیان داشته است: «هر کس با سوءاستفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه‌شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا به عنف محکوم می‌شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.»

✓ با توجه به ماده ۲۳۱ ق.م.ا در زنا به عنف و در حکم آن، در صورتی که زن باکره باشد، مرتکب علاوه بر مجازات مقرّر به پرداخت اُرش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد.

✓ مطابق ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (الحاقی به موجب قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۴): «هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد: ۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرائمی از قبیل اُعمال مُنافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ...»

## جرائم علیه آزادی روان

### جرم سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم

حقوق اساسی افراد، امری جهانی و غیرقابل سلب است که هیچ‌کس حق تعزّض به آن را نداشته و جدای از جنسیت، دین، نژاد، جایگاه اجتماعی و ... باید از سوی همه محترم شمرده شود. قانونگذار ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در فصل سوم مشتمل بر اصول نوزدهم الی چهل و دوم، تحت عنوان «حقوق ملت»، آزادی‌ها و حقوقی را برای مردم مقرّر کرده است؛ مثل حقّ دادخواهی، حقّ داشتن تابعیت، حقّ آزادی بیان و عقیده، حقّ تشکیل اجتماعات و راهپیمایی، حقّ داشتن شغل، حقّ اقامت در محلّ مورد علاقه و مانند آنها. همچنین در بسیاری از قوانین عادی مانند قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوّب ۱۳۸۳ و کلیات قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۲ تا ۷) به تصریح این حقوق پرداخته است. مسؤولان دولتی، موظّف به رعایت این حقوق و آزادی برای مردم می‌باشند؛ ضمانت اجرای سلب این حقوق در ماده ۵۷۰ ق.م.ا تعزیرات مقرّر شده است.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم

#### عنصر قانونی جرم سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۱ تا ۵ سال از مشاغل حکومتی به حبس از ۲ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»

#### عنصر مادی جرم سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم

- ✓ رفتار مجرمانه جرم سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم: «سلب آزادی افراد ملت یا محروم نمودن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی توسط هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی»
  - ✓ مرتکبان جرم موضوع ماده فوق کلیه مأموران وابسته به دستگاه‌های حکومتی، اعم از قوای سه‌گانه، نیروهای نظامی و انتظامی، شهرداری‌ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، شرکت‌های دولتی و مانند آنها می‌باشند؛ که با سوءاستفاده از سمت خود مرتکب آن می‌شوند؛ مثل اینکه مأمور وزارت اطلاعات یا نیروی انتظامی متهم را بدون اخذ دستور قضایی، برای مدتی بیش از مدت مجاز در قانون، توقیف کند و یا بدون حکم قضایی به تفتیش منزل کسی بپردازد.
  - ✓ منظور از «انفصال از خدمت و محرومیت ۱ تا ۵ سال از مشاغل حکومتی»:
    - مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی: بنا به حکم دادگاه، مرتکب بلافاصله از خدمت در دستگاهی که در آن مشغول بوده است منفصل می‌شود و مدت این انفصال حسب نظر دادگاه، از ۱ تا ۵ سال است، که ظرف این مدت وی از اشتغال در کلیه مشاغل حکومتی محروم خواهد بود؛ به عبارت دیگر مدت ۱ تا ۵ سال مذکور در ماده هم شامل شغلی که مرتکب در دستگاه خاصی شاغل بوده است و هم شامل سایر مشاغل حکومتی می‌شود.
    - مطابق نظر دکتر آقایی‌نیا: انفصال دائم شخص از اشتغال در دستگاهی که در زمان ارتکاب جرم در آن مشغول به کار بوده است، می‌باشد؛ ولی محکوم‌علیه می‌تواند پس از گذشت ۵ سال از تاریخ انفصال از شغل، در سایر مشاغل حکومتی استخدام شود.
  - ✓ زمان شروع مدت انفصال موقت مطابق ماده ۵۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «در صورتی که مجازات حبس با انفصال موقت از خدمت توأم باشد، اجرای مجازات انفصال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می‌شود. تبصره - مدت زمانی که محکوم‌علیه پیش از صدور حکم قطعی به موجب الزامات قانونی از خدمت معلق شده است، از میزان محکومیت وی به انفصال موقت کسر می‌شود.»
- مجازات جرم سلب حقوق اساسی و آزادی شخصی مردم:** مرتکب این جرم علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۱ تا ۵ سال از مشاغل حکومتی به حبس از ۲ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

### جرم تهدید

تهدید در لغت به معنای ترساندن و در اصلاح به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن مرتکب با ادعای ایجاد خطر برای طرف مقابل یا بستگان نزدیک او، موجب هراس و سلب آرامش او می‌گردد. تهدید کردن اشخاص و سلب آسایش آنها، از آن جهت که موجب ایجاد ترس و واهمه و ناامنی در آنها می‌شود، نقض‌کننده یکی از حقوق بنیادین بشر می‌باشد؛ آرامش روانی افراد حق بدیهی و غیرقابل انکار است و سایرین نمی‌توانند با رفتارهایی مانند تهدید مخل این حق شوند. آثار زیان‌بار تهدید و ترس از آنکه مبادا روزی مرتکب، گفته خود را عملی سازد تا اندازه‌ای است که گاه افراد را از زندگی عادی و فعالیت روزمره باز می‌دارد.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم تهدید

#### عنصر مادی جرم تهدید

✓ رفتار مجرمانه جرم تهدید عبارت است از: «تهدید دیگری به یکی از ضررهای مقرر در قانون جدای از نتیجه آن»

#### ✓ شرایط حصول جرم تهدید:

۱. **واقعی بودن:** شرط اصلی حصول جرم تهدید آن است که طرف مقابل واقعاً از تهدید دیگری هراسان شود؛ به عبارت دیگر تهدید باید مؤثر واقع شود. همچنین برای حصول تهدید نیازی به حضوری بودن تهدید نیست و ممکن است شخص با علم به اینکه تهدید او به اطلاع فرد مورد نظر می‌رسد، پیام تهدیدآمیز خود را در جمع دوستان وی مطرح نماید، در هر حال آنچه مهم است آگاهی طرف دیگر از تهدید می‌باشد؛

زیرا مادامی که از این موضوع مطلع نشده باشد، بحث هراس به عنوان یکی از شرایط اساسی این جرم منتفی است. برای مثال در فرضی که شخصی از طریق پیام‌رسان واتساپ اقدام به ارسال پیام‌های تهدیدآمیز برای دیگری نماید؛ اما طرف مقابل داده تلفن همراه خود را روشن نکرده و وارد این پیام‌رسان نشود، بحث جرم تهدید به جهت عدم اطلاع وی از محتوای پیام‌ها منتفی است.

۲. **متعارف بودن:** تهدید باید به نحوی باشد که نوعاً موجب هراس سایرین گردد؛ بنابراین تهدید به آسیب‌هایی که مطابق عرف جزئی و کم‌اهمیت محسوب می‌شود، تهدید محسوب نمی‌شود؛ ولو آن‌که موجب ترس طرف مقابل شود؛ بنابراین منظور از بستگان صرفاً بستگان نزدیک - اعم از سببی یا نسبی - می‌باشد؛ چراکه مطابق عرف تهدید به وارد نمودن آسیب نسبت به خویشاوندان دور، موجب هراس مخاطب نخواهد شد (مانند تهدید به مجروح ساختن پسر نوه دایی که طرف مقابل تاکنون او را ندیده است) قانونگذار در ماده ۲۰۴ قانون مدنی نیز معیار عرفی را برای تشخیص تهدید مورد توجه قرار داده است؛ مطابق این ماده: «تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و آباء و اولاد موجب اکراه است. در مورد این ماده تشخیص نزدیکی درجه برای مؤثر بودن اکراه بسته به نظر عرف است»

۳. **قریب الوقوع بودن تهدید:** تهدید باید نسبت به امری محتوم یا قریب‌الوقوع انجام گیرد، برای مثال در فرضی که شخص به دیگری بگوید: «یک روزی تو را خواهم گشت» چنین حرفی را نمی‌توان تهدید محسوب کرد، زیرا نسبت به امری بعید است که به قضاوت عرف، موجب هراس جدی طرف مقابل نمی‌شود؛ همچنین در صورتی که شخص اساساً قادر به عملی ساختن تهدید خود نباشد یا طرف مقابل بدون کمترین سختی قدرت دفع آن را داشته باشد، چون خطر حتمی متوجه فرد نیست، بحث جرم تهدید منتفی است؛ مانند تهدید به شکستن خودکاری که از طرف مقابل در دست تهدیدکننده امانت است.

۴. **پایدار بودن تهدید:** گاه تهدید برای لحظه‌ای کوتاه موجب پشیمانی تهدیدکننده می‌شود، ولی با گذشت زمانی کوتاه همه‌چیز به روال عادی بازگشته و شخص به سادگی از کنار آن می‌گذرد، بی‌آنکه کوچک‌ترین آثاری از ترس در او باقی باشد.

۵. **صریح بودن تهدید:** در تهدید شخص به طور صریح باید نیت خود را مطرح سازد (ولو آن‌که واقعاً قصد عملی کردن آن را نداشته باشد) و استفاده از الفاظ کلی و مبهم برای حصول تهدید کفایت نمی‌کند؛ برای مثال استفاده از عبارتی مانند: «به حسابت خواهم رسید» تهدید محسوب نمی‌شود؛ در حالی که عبارتی مانند: «می‌گشمت» تهدید محسوب می‌شود، زیرا مرتکب منظور خود یعنی تهدید به قتل را به طور صریح اظهار می‌نماید. مشروط بودن تهدید مانع حصول آن نخواهد بود مانند این‌که به طرف مقابل بگوید: «اگر ماشینت را به پسرم نفروشی، روی ماشینت اسید می‌ریزم» صراحتاً تهدید محسوب می‌شود، هرچند مرتکب پاشیدن اسید را مشروط به فروش ماشین کرده است.

۶. **غیرقانونی بودن تهدید:** تهدید باید نسبت به امری غیرقانونی باشد، که شخصی قانوناً صلاحیت اجرای آن را ندارد، برای مثال چنانچه ضابطان دادگستری با وجود دستور قضایی برای ورود برای ورود به منزل دیگری با ممانعت او مواجه شود و در مقام اخطار به او بگویند: «اگر درب منزل را باز نکنی، مجبور به شکستن آن می‌شویم»؛ چنین عبارتی را نمی‌توان تهدید نسبت به اموال دیگری دانست؛ چراکه به صراحت ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک، در صورت امتناع فرد از این امر، ضابطان با دستور بازپرس مبنی بر بازگشایی با توسل به قوای قهریه وارد آن محل می‌شوند یا در فرضی که یکی از اولیای دم به قاتل بگوید: «در صورتی که وجه‌المصالحه را نپردازی، جانت را می‌گیرم» چنین گفته‌ای را نمی‌توان تهدید محسوب نمود؛ زیرا سلب حیات قاتل حقیقاً قانونی اولیای دم به شمار می‌رود.

**عنصر روانی جرم تهدید:** جرم تهدید چون جرمی عمدی است، علم و عمد مرتکب باید احراز شود و انگیزه مرتکب در این زمینه فاقد تأثیر است و نهایتاً انگیزه شرافتمندانه می‌تواند از جهات تخفیف محسوب شود؛ برای مثال در فرضی که شخص به جای تهدید برای گرفتن پول زور و آخاذی، در پی گرفتن مال خود از طلبکار باشد، دادگاه می‌تواند به دلیل انگیزه غیرشیرانه، مجازات او را تخفیف دهد.

در مورد جرم تهدید نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ وسیله ارتکاب جرم در تهدید فاقد موضوعیت است و استفاده از الفاظ یا عبارات تهدیدآمیز با هر شیوه ممکن، امکان‌پذیر است (خواه به طور لفظی یا نوشتن نامه یا ارسال ایمیل و ...) عبارت «به هر نحو» در صدر ماده ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات نیز مؤید همین مطلب است؛ اما مطابق ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، جرم تهدید به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز فقط باید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده ارتکاب یابد.
- ✓ جرم تهدید در زمره جرائم است که صرفاً نسبت به اشخاص حقیقی امکان‌پذیر است و الفاظ «دیگری» و «بستگان او» در ماده ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات بیانگر همین مطلب است؛ بنابراین در فرضی که یکی از اعضای هیأت مدیره شرکتی، تهدید به افشای اسرار آن شرکت نماید، رفتار وی مشمول جرم تهدید موضوع ماده فوق نخواهد بود.
- ✓ از واژه «کسی» در صدر ماده ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات چنین برداشت می‌شود که مرتکب این جرم لزوماً شخص حقیقی است.
- ✓ مخاطب جرم تهدید باید شخص معین باشد؛ برای مثال استفاده از عبارتی مانند: «هرکس در این مکان آشغال بریزد، لت و کوب‌اش می‌کنم» به دلیل نامعین بودن بزه‌دیده، تهدید محسوب نمی‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد استفاده از عبارت معمول: «پارک مساوی با پنچری» را نتوان تهدید محسوب نمود؛ چرا که معلوم نیست چه کسی در آن محل پارک کند.
- ✓ در صورتی که تهدید به اعمال خشونت فوری برای اخذ مال باشد و به بُردن مال منجر شود، ممکن است جرم سرقت مقرون به آزار یا تهدید ارتکاب یابد؛ مثل اینکه کسی با گرفتن چاقویی در مقابل دیگری او را تهدید کند که اگر تلفن همراهش را به وی ندهد، او را مجروح خواهد ساخت، و پس از گرفتن تلفن همراه فرار کند.
- ✓ چنانچه تهدید همراه با جرائم دیگر مانند توهین، افترا و ... باشد، مرتکب به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه: «تهدید و اهانت جرائم جداگانه هستند، نمی‌توان هر نوع تهدید را اهانت تلقی کرد؛ اگر چه ممکن است تهدید با اهانت توأم باشد؛ یا بالعکس»
- ✓ جرم تهدید با استناد به ماده ۱۲۶ ق.م.ا به عنوان یکی از مصادیق معاونت در جرم نیز محسوب می‌شود؛ بنابراین در صورتی که «ب» در نتیجه تهدید از سوی «الف» مرتکب آدم‌ربایی شود، رفتار «الف» شمول تعدد معنوی خواهد بود، رفتار «الف» مشمول تعدد معنوی خواهد بود؛ یعنی از رفتار مجرمانه واحد، دو عنوان مجرمانه؛ یعنی مباشرت در جرم تهدید و معاونت در آدم‌ربایی حاصل می‌شود؛ در این موارد لزوماً حکم به مجازات جرم تهدید داده نمی‌شود و مطابق ماده ۱۳۱ ق.م.ا مرتکب به مجازات جرم شدیدتر محکوم خواهد شد؛ بنابراین در مثال آخر یعنی تهدید برای ارتکاب جرم آدم‌ربایی، در صورت تحقق آدم‌ربایی، در صورت حصول آدم‌ربایی، فرد تهدیدکننده به مجازات معاونت در آدم‌ربایی محکوم خواهد شد، نه مجازات تهدید؛ زیرا مجازات تهدید حبس یا شلاق درجه شش و مجازات معاونت در آدم‌ربایی حبس درجه پنج یا شش است. البته با توجه به عاریتی بودن مجرمیت معاون، در صورت عدم ارتکاب جرم مورد تهدید از سوی مباشر، شخص تهدیدکننده فقط به مجازات جرم تهدید محکوم خواهد شد.

### عنصر قانونی جرم تهدید به قتل یا ضررهای دیگری

- ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از ۲ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»
- ✓ برای حصول جرم موضوع ماده فوق، باید تهدیدی انجام شود؛ یعنی طرف مقابل از چیزی که برای وی زیان‌بار یا ناخوشایند است، ترسانیده شود.
  - ✓ منظور از ضرر نفسی، ضرری است که متوجه جسم بزه‌دیده باشد، مثل این که مرتکب، بزه‌دیده را تهدید به قتل یا اسیدپاشی بر روی صورتش نماید.

- ✓ منظور از ضرر شرفی، ضرری است که متوجه آبروی بزه‌دیده باشد، مثل اینکه مرتکب، بزه‌دیده را تهدید به پخش اختلاف خانوادگی یا افترا نماید.
  - ✓ منظور از ضرر مالی، ضرری است که متوجه حقوق مالی بزه‌دیده شود، مثل اینکه مرتکب، بزه‌دیده را تهدید به اسیدپاشی بر روی اتومبیل‌اش نماید.
  - ✓ منظور از افشای سر، چیزی است که بزه‌دیده بر مکتوم و پنهان داشتن آن اصرار دارد، مثل اینکه مرتکب، بزه‌دیده را تهدید به افشای سوء پیشینه کیفری وی یا روابط جنسی متعددی که داشته نماید.
  - ✓ موارد مندرج در ماده فوق «تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او» حصری بوده و شامل سایر موارد مانند تهدید به اختلاف انداختن بین زن و شوهر نمی‌شود؛ بنابراین در فرضی که استاد به دانشجویی بگوید: «قطعاً تو را در این ترم می‌اندازم» مرتکب جرم تهدید نشده است؛ زیرا نمره ندادن به دانشجو موجب هیچ یک از ضررهای فوق نخواهد شد.
  - ✓ در رابطه با لفظ «بستگان» همان گونه که قبلاً بیان شد، تنها شامل خویشاوندان نزدیک فرد شده و شامل خویشاوندان دور نمی‌شود؛ زیرا در این موارد تهدید نوعاً موجب هراس طرف مقابل نمی‌شود.
  - ✓ برای حصول جرم تهدید ماده فوق لازم نیست، مرتکب درخواستی از طرف مقابل داشته باشد (مانند تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام کاری) و به صرف تهدید به موارد مندرج در ماده، این جرم محقق می‌شود؛ اما در بسیاری از موارد، مرتکب خواسته مشخصی از طرف مقابل دارد؛ برای مثال به طرف مقابل بگوید: «اگر ۱ میلیارد تومان پول ندهی، خانه‌ات را به آتش می‌کشم»
  - ✓ جرم تهدید مندرج در ماده فوق، جرمی مطلق است و صرف تهدید جرم حاصل می‌شود، هرچند خواسته مرتکب از طرف مقابل عملی نشود، جرم تهدید حاصل می‌شود؛ بنابراین چنانچه در مثال فوق ۱ میلیارد تومان پول را ندهد، جرم تهدید حاصل شده است.
  - ✓ در بسیاری از موارد اصل درخواست مشروع و قانونی است؛ ولی شخص برای احقاق حق خود به تهدید متوسل می‌شود؛ برای مثال طلبکار به بدهکار می‌گوید: «اگر تا ماه آینده بدهی‌ات را ندهی، می‌گشمت» در این مورد جرم تهدید حاصل شده است؛ زیرا افراد نمی‌توانند به بهانه وجود یک حق قانونی، آرامش سایرین را مختل نموده مرتکب رفتارهای مجرمانه شوند.
  - ✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم تهدید به قتل یا ضررهای دیگری قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم تهدید به قتل یا ضررهای دیگری ۱ ماه تا ۱ سال حبس می‌باشد.
- عنصر قانونی جرم تهدید نسبت به گرفتن نوشته یا سند**

**ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

- ✓ جرم مندرج در ماده فوق، بنا به تصریح ماده، هم در حالتی که جبر و قهر (یعنی زور و خشونت فیزیکی) برای اخذ نوشته یا سند به کار می‌رود و هم در مواردی که جبر و قهر (یعنی ترسانیدن بزه‌دیده، بدون اعمال زور فیزیکی) حاصل می‌شود.
- ✓ جرم مندرج در ماده فوق، جرمی مقید به نتیجه است و نتیجه آن **گرفتن** نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر از بزه‌دیده است و تا مادامی که مرتکب موفق به اخذ این موارد نشده باشد، جرم فوق حاصل نمی‌شود. ولی اخذ اموال دیگر (مثل کلید و خودرو و تلفن همراه و پول و سایر کالاها) از شمول ماده خارج است.

- ✓ موارد مندرج در ماده فوق «دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد» حصری می‌باشد و در صورتی که مرتکب تقاضای اخذ موارد دیگری مانند وجه نقد، مال منقول و ... را داشته باشد، رفتار وی مشمول جرم تهدید مقرر در ماده ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات خواهد که بدون گرفتن این موارد جرم تهدید حاصل می‌شود.
- ✓ برای حصول جرم مندرج در ماده فوق نیازی به برخورد فیزیکی و قهری نیست و همان‌گونه که در صدر ماده فوق آمده است با تهدید و اکراه - حتی به صورت کلامی - نیز قابل ارتکاب است.
- ✓ برای حصول جرم مندرج در ماده فوق لازم نیست که سند یا نوشته متعلق به فرد بزه‌دیده باشد و ممکن است به او سپرده شده باشد (مانند صاحب بنگاه معاملات املاک که سند خانه دیگری به او سپرده شده است) حتی ممکن است این سند یا نوشته متعلق به خود مرتکب باشد و او با توسل به تهدید این سند یا نوشته (مانند چک یا سفته‌ای را که به بزه‌دیده داده است) از بزه‌دیده بگیرد.
- ✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم موضوع ماده فوق قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم موضوع ماده فوق ۴۵ روز تا ۱ سال حبس می‌باشد.

### عنصر قانونی جرم تهدید به زنا یا سوء استفاده جنسی از طریق آثار سمعی و بصری

ماده ۴ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۸۶: «هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا یا به ُ عنف محکوم می‌شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.»

- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق، مرکب است و حصول آن منوط به ۱- تهدید به افشاء و انتشار آثار مستهجن یا مبتذل و ۲- برقراری رابطه جنسی یا روابط نامشروع است.
- ✓ جرم فوق، جرمی مقید محسوب می‌شود و حصول آن منوط به برقراری رابطه جنسی حدی (اعم از زنا، لواط، تفخیز یا مساحقه) یا روابط نامشروع تعزیری است.

جرم تهدید	
تهدید دیگری به یکی از ضررهای مقرر در قانون جدای از نتیجه آن تهدید جرمی، ساده، آنی و اصولاً مطلق است	
عنصر قانونی	ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
عنصر مادی	رفتار مجرمانه
	شرایط و اوضاع و احوال
عنصر روانی	نتیجه حاصله جرم
	سوء نیت عام
	سوء نیت خاص

## جرم ایجاد مزاحمت تلفنی

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم ایجاد مزاحمت تلفنی

#### عنصر قانونی جرم ایجاد مزاحمت تلفنی

ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از ۱ تا ۶ ماه محکوم خواهد شد.»

#### عنصر مادی جرم ایجاد مزاحمت تلفنی

✓ رفتار مجرمانه جرم ایجاد مزاحمت تلفنی عبارت است از: «تلفن زدن به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر به قصد ایجاد مزاحمت»  
✓ تحقق مزاحمت لزوماً منوط به گفتن سخنی یا نوشتن مطلبی نیست؛ به عبارت دیگر صرف تلفن زدن و قطع کردن یا تلفن زدن و سکوت کردن، به ویژه وقتی در ساعات غیرمعمول مثل نیمه‌های شب انجام شود، موجب تحقق جرم ایجاد مزاحمت تلفنی می‌باشد.  
✓ تلفن در ماده فوق، فاقد موضوعیت بوده و در صورتی که مرتکب با سایر دستگاه‌های مخابراتی مانند نمابر (فکس)، رایانه یا تبلت متصل به اینترنت، نامه الکترونیکی (ایمیل)، پیامک (SMS) یا از طریق پیام‌رسان‌های مجازی مانند واتساپ ایجاد مزاحمت نماید، مرتکب جرم مندرج در ماده فوق شده است.

✓ در جرم ایجاد مزاحمت تلفنی آگاهی مرتکب از هویت بزه‌دیده شرط نیست.  
✓ جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، جرمی مقید به نتیجه است و نتیجه آن حصول مزاحمت است؛ به عبارت دیگر صرف تماس‌های تلفنی مکرر موجب حصول این جرم نمی‌شود و تا زمانی که تلفن برداشته نشود و مزاحمتی ایجاد نشود، رفتار مرتکب را نمی‌توان مشمول این جرم دانست.  
✓ جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، جرمی ساده است و جرمی به عادت نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر یک‌بار ایجاد مزاحمت تلفنی برای تحقق این جرم کافی است و تعدد دفعات مزاحمت از موجبات تعدد جرم به شمار می‌رود، نه تحقق آن.

#### عنصر روانی جرم ایجاد مزاحمت تلفنی

✓ در جرم ایجاد مزاحمت تلفنی باید علم و قصد مرتکب احراز شود؛ بنابراین مرتکب باید در ایجاد ارتباط با دیگری از طریق وسایل مخابراتی عاقد باشد، نه اینکه مثلاً در حالت خواب‌گردی یا تحت تأثیر هیپنوتیزم مرتکب این رفتار شده باشد.  
✓ منظور از علم مرتکب در جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، علم به تلفن زدن به شماره اشتباه است؛ بنابراین در فرضی که مرتکب از روی اشتباه به شخص دیگر تلفن می‌زند، جرم فوق محقق نشده است.  
✓ منظور از قصد مرتکب در جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، قصد ایجاد مزاحمت می‌باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی به دیگری بدون قصد ایجاد مزاحمت تلفن می‌زند، جرم فوق حاصل نشده است.

در مورد جرم ایجاد مزاحمت تلفنی نکات ذیل قابل توجه است:

✓ محل وقوع جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، محل استماع لفظ یا رسیدن اعمال موضوع جرم می‌باشد؛ مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ مصوب ۱۳۹۰/۴/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی - منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده نیز همین امر خواهد بود»

- ✓ چنانچه مزاحمت تلفنی همراه با جرائم دیگر مانند توهین، افترا، تهدید و ... باشد از مصادیق تعدد معنوی به شمار می‌رود و با توجه به مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ ق.آ.د.ک به کلیه اتهامات - با رعایت صلاحیت ذاتی - در دادگاهی رسیدگی می‌شود که جرم مهم‌تر در حوزه آن به وقوع پیوسته است؛ بنابراین در فرضی که شخصی از تهران با تماس و توهین به شخصی که ساکن مشهد است، توهین نماید، به جرائم او در محل وقوع جرم مهم‌تر (توهین)؛ یعنی تهران رسیدگی خواهد شد (نه مشهد که محل وقوع جرم مزاحمت تلفنی است)
- ✓ چنانچه مزاحمت تلفنی همراه با ایجاد هراس در طرف مقابل، موجب مرگ یا صدمه بدنی وی شود، در این حالت مقررات راجع به قتل صدمات جسمانی، اعم از عمدی یا غیرعمدی، قابل اعمال خواهد بود؛ همین‌طور هرگاه مزاحمت تلفنی موجب تحقق یک جرم موجب حد مثل قذف شود، مجازات حد نیز علیه مرتکب قابل اجرا می‌باشد.
- ✓ در برخی از آرای دادگاه‌ها نیز صرف ارتباط تلفنی و پیامکی زن و مرد، حتی اگر دارای مضامین مستهجن باشد، مصداق رابطه نامشروع دانسته نشده است؛ مگر آن که بتوان از آنها تحقق رابطه فیزیکی بین زن و مرد را استنتاج نمود.

### مجازات جرم ایجاد مزاحمت تلفنی

- ✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم ایجاد مزاحمت تلفنی قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا حداقل و حداکثر مدت حبس مقرّر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم ایجاد مزاحمت تلفنی ۱۵ روز تا ۳ ماه حبس می‌باشد.
- ✓ با توجه به درجه مجازات جرم فوق (درجه هشت) و با توجه به ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک پرونده متهم در این موارد، مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و در دادسرا قابل تعقیب نیست.
- ✓ منظور از «اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات» مواردی است که در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران، مصوب ۱۳۶۴، پیش‌بینی شده است. مطابق این مقررات، خط تلفن فرد مزاحم برای بار اول به مدت یک هفته، برای مرتبه دوم به مدت سه ماه و برای بار سوم به طور دائم قطع می‌شود.
- ✓ هرگاه ایجاد مزاحمت همراه با ارتکاب جرائم دیگری، مثل توهین باشد، مقررات تعدد معنوی اجرا خواهد شد.

جرم ایجاد مزاحمت تلفنی		
تلفن زدن به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر به قصد ایجاد مزاحمت ایجاد مزاحمت تلفنی جرمی، ساده، آنی و مقید است		
عنصر قانونی	ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	تلفن زدن به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر به قصد ایجاد مزاحمت
	نتیجه حاصله جرم	ایجاد مزاحمت تلفنی
عنصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی تلفن زدن
	سوء نیت خاص	داشتن قصد نتیجه مجرمانه، یعنی ایجاد مزاحمت تلفنی
مجازات	۱۵ روز تا ۳ ماه حبس	

### جرم هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص

حریم خصوصی، بخشی از زندگی هر شخصی است که از تعرض مصون بوده و جز با اجازه خود فرد یا مواردی که قانون مشخص می‌کند نمی‌توان به آن ورود کرد؛ به عبارت دیگر یکی از حقوقی که انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند، مصون بودن مسکن، که جزء حریم خصوصی انسان‌ها

است به نحوی که از هر گونه تعرض مصون باشد، که در اصل بیست و دوم قانون اساسی این چنین مورد تأکید قرار گرفته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» ضمانت اجرای عدم رعایت اصل بیست و دوم قانون اساسی در مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ ق.م.ا تعزیرات مورد پیش‌بینی قانونگذار قرار گرفته است.

### عنصر مادی جرم ورود غیرقانونی به منزل دیگری

- ✓ رفتار مجرمانه جرم هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص «ورود غیرقانونی به منزل دیگری» است.
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق، ورود غیرقانونی به منزل یا محل سکونت اشخاص است؛ بنابراین شامل مواردی مانند چادرهایی که افراد در کمپ‌های مسافرتی برای اقامت چند روزه خود برپا می‌کنند، نمی‌شود؛ چراکه از دید عرف چنین جایی را نمی‌توان محل سکونت محسوب کرد.
- ✓ ورود با فعل مثبت انجام می‌شود، و اعم از آن است که از راه‌های معمول (مثل در ورودی) یا از راه‌های غیر معمول (مثل پنجره و دیوار) صورت گیرد؛ ولی اگر مرتکب قبل از ورود (مثلاً در حالی که در حال باز کردن در است یا بر روی دیوار قرار دارد) دستگیر شود، این جرم محقق نمی‌شود.
- ✓ صرف ورود بخش‌هایی از بدن (مثل سر و گردن، دست و پا و نظایر آن) جرم ورود غیرقانونی به منزل دیگری، حاصل نمی‌شود؛ بلکه این موارد می‌تواند شروع به جرم محسوب شود.
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق شامل موردی که شخصی بدون مجوز وارد محل کار دیگری شود، نمی‌شود؛ ولو آن که محل کار تنها به روی برخی اشخاص باز باشد (مانند مطب پزشک یا دفتر وکیل که تنها به روی کسانی که وقت قبلی گرفته‌اند باز است)
- ✓ منظور از منزل، هر مکانی است که فرد به طور موقت یا دائم، به عنوان مالک مستأجر یا هر عنوان قانونی دیگر برای خود برگزیده است.
- ✓ تفاوتی ندارد که جنس منزل، بتونی، خشتی، گلی یا از نی، حصیر یا چادر، یا به شکل کاروان‌های سفری و مانند آنها باشد.
- ✓ برای تحقق این جرم حضور صاحب‌خانه یا متصرف لازم نیست و به نظر می‌رسد حتی در مواردی که این اشخاص در منزل خود حاضر نبوده و دیگران بدون مجوز به محل سکونت آنان وارد شوند، نیز این جرم محقق شده است.
- ✓ متعلقات عرفی محل، مثل حیاط و پارکینگ، نیز تحت شامل منزل می‌شوند؛ ولی مکانی که برای سکونت ساخته شده، ولی هنوز هیچ کس در آن ساکن نیست و به وسایل زندگی مجهز نشده است، منزل محسوب نمی‌شود.

**عنصر روانی جرم ورود غیرقانونی به منزل دیگری:** در جرم ورود غیرمجاز به منزل دیگری چون جرمی عمدی است، علم و عمد مرتکب باید احراز شود؛ بنابراین اگر مأمور، از روی اشتباه ولی به طور صادقانه، تصور کند که صاحب‌خانه یا مقام ذی‌صلاح قضایی به او اذن ورود داده است، یا آن منزل را از روی اشتباه منزل خود بپندارد و وارد آن شود، به علت فقدان عنصر روانی، جرم فوق حاصل نشده است.

### عنصر قانونی جرم ورود غیرقانونی به منزل دیگری توسط مستخدمان و مأموران دولتی

**ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیر قضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از ۱ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد مگر این که ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

- ✓ همان‌طور در صدر ماده ذکر شده، این جرم از سوی مستخدمان و مأموران قضایی و غیرقضایی دولت، بدون توجه به نوع استخدام آنها و نیز کسانی که بدون این‌که در استخدام دولت باشند، خدمت دولتی به آنها ارجاع شده است قابل ارتکاب می‌باشد. نمونه اشخاص دسته اخیر، کارآگاهان خصوصی هستند که ممکن است با نیروی انتظامی یا دادستانی، چه در مقابل اخذ حق الزحمه و چه بدون اخذ آن همکاری کنند.
- ✓ شرط حصول جرم، آن است که ورود بدون اذن صریح صاحب‌خانه یا رضایت (که در واقع، اذن ضمنی است) و بدون رعایت ترتیب قانونی و با سوءاستفاده مأمور از قدرت دولتی صورت گرفته باشد؛ بنابراین مأموری که هنگام شب، به طور پنهانی وارد منزل دیگری شود، مشمول جرم موضوع ماده فوق نیست؛ بلکه ممکن است مشمول ماده ۶۹۴ ق.م.ا تعزیرات قرار گیرد. البته به نظر می‌رسد، مأموری که با جعل حکم قضایی وارد منزل غیر می‌شود هم می‌تواند مشمول جرم موضوع ماده فوق قرار گیرد.
- ✓ منظور از «ترتیب قانونی» که در صورت رعایت آن مرتکب مشمول ماده ۵۸۰ ق.م.ا تعزیرات نمی‌شود، مواردی است که طبق قوانین مختلف، به ویژه مقررات راجع به آیین دادرسی کیفری، اجازه ورود به منزل و تفتیش آن به مأموران دولتی داده شده است. این ترتیبات، شامل موارد قوه قاهره (مثل سیل و آتش‌سوزی و زلزله) هم می‌شود، که در چنین شرایطی مأموران امداد، حسب وظیفه خود، برای کمک‌رسانی وارد منازل اشخاص می‌شوند.
- ✓ با استناد به عدم تصریح جرم فوق در ماده ۱۰۴ ق.م.ا، جرم فوق در زمره جرائم غیرقابل گذشت می‌باشد.

### عنصر قانونی جرم ورود غیرقانونی (ورود به عنف یا تهدید) به منزل دیگری توسط افراد عادی

- ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از ۱ تا ۶ سال محکوم می‌شوند.»
- ✓ شرط حصول جرم فوق عدم رضایت متصرف قانونی آن محل است، هرچند قانونگذار در ماده ۶۹۴ ق.م.ا تعزیرات از لفظ «عنف» استفاده کرده است؛ ولی به نظر می‌رسد، منظور از عنف در اینجا معنای خاص آن یعنی ورود به قهر و غلبه نبوده و همین‌که متصرف نسبت به این رفتار رضایت نداشته باشد، برای حصول جرم کفایت می‌کند.
  - ✓ مالکیت متصرف مانع تحقق این جرم نمی‌شود؛ برای مثال در فرضی که موجر پیش از خاتمه قرارداد اجاره، بدون اذن مستأجر وارد آن محل شود، مرتکب جرم فوق شده است؛ البته بدیهی است، نمی‌توان این حکم را به مواردی تسری داد که تصرف متصرف به صورت ناروا و غیرقانونی باشد؛ مانند تصرف غاصب.
  - ✓ منظور از عبارت: «هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود»:
    - مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی: منظور از «تهدید» ترساندن کسی است که در منزل ساکن است. این کار ممکن است با کلام (به کار بردن الفاظ تهدیدآمیز) یا رفتار (اسلحه کشیدن) صورت گیرد.
    - مطابق نظر دکتر آقایی‌نیا: منظور از «عنف» عدم رضایت صاحب‌خانه یا متصرف قانونی آن می‌باشد.
  - ✓ مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی، با توجه به واژه‌های عنف و تهدید در ماده ۶۹۴ ق.م.ا تعزیرات و ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی، حصول جرم فوق مستلزم حضور متصرف و عدم رضایت اوست و در صورتی که ورود به طور پنهانی انجام گرفته یا در نتیجه خدعه و فریب، متصرف اجازه ورود به دیگری را بدهد، رفتار مرتکب مشمول جرم نخواهد شد؛ اما مطابق نظر حقوق‌دانان دیگر، هدف از جرم‌انگاری این عمل حفظ حریم منازل است و ورود بدون رضایت متصرف به هر شکل مشمول این جرم خواهد شد؛ کما اینکه در ماده ۵۸۰ ق.م.ا تعزیرات نیز صرف عدم اجازه و رضایت متصرف برای حصول این جرم کفایت می‌کند؛ ولو آن‌که در لحظه ورود مأموران، متصرف در محل حاضر نبوده؛ اما بعداً عدم رضایت خود را در این زمینه اعلام نموده باشد؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۴۰۲ مورخ ۱۳۸۱/۳/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه: «با توجه به اینکه ورود اشخاص به منازل دیگران مستلزم کسب اجازه ورود به منزل می‌باشد؛ بنابراین کسی که در غیاب صاحب‌خانه

وارد منزل دیگری شود و اذن ورود به منزل نیز نداشته باشد؛ این ورود به منزل، از مصادیق عُنْف تلقی می‌گردد، و عمل مرتکب مشمول ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) می‌باشد» همچنین مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۳۰۳۹ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه: «هرگونه ورود غیرمجاز به منزل یا مسکن دیگری به راحتی بدون وجود عُنْف و خشونت نیز مشمول ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است»

✓ عُنْف یا تهدید باید برای ورود به منزل یا مسکن دیگری صورت گیرد و نه برای ادامه توقف در آن. بدین ترتیب، کسی که بدون هیچ گونه عُنْف یا تهدیدی وارد منزل دیگری می‌شود، و پس از بیدار شدن صاحب‌خانه، با او درگیر می‌شود تا صاحب‌خانه نتواند او را از خانه بیرون کند، مشمول ماده فوق نخواهد شد.

✓ در مواردی که فردی با اجازه صاحب‌خانه وارد منزل او شده؛ اما علی‌رغم اصرار صاحب‌خانه از آنجا خارج نشود، مشمول جرم فوق نخواهد بود؛ زیرا همان گونه که بیان شد، عنصر مادی این جرم، ورود غیرقانونی است؛ نه عدم خروج غیرقانونی. (مانند فرضی که شخصی به عنوان مهمان وارد خانه دیگری شده؛ اما به دلیل مشاجره لفظی صاحب‌خانه قصد بیرون کردن او را داشته، اما او با تهدید و خشونت در آن جا بماند. البته شاید بتوان رفتار شخص را در این موارد با رعایت سایر شرایط قانونی مشمول ماده ۶۹۱ ق.م.ا.ت.ع تعزیرات دانست؛ مطابق ماده ۶۹۱ ق.م.ا.ت.ع تعزیرات: «هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به ۱ تا ۶ ماه حبس محکوم می‌شود. هر گاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقفل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهند شد.»

✓ مجازات جرم فوق با وجود ۲ شرط تشدید می‌شود:

۱. مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده باشند

۲. لاقفل یکی از آنها حامل سلاح باشد

✓ منظور از سلاح در انتهای ماده فوق، اعم از سلاح سرد یا گرم، ظاهر یا مخفی و پُر یا خالی است، ولی سلاح‌های بدلی و تقلبی را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا سلاح محسوب نمی‌شوند. همچنین صرف حمل سلاح کفایت کرده و استفاده از آن ضرورتی ندارد.

✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا.ت.ع اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم ورود غیرقانونی به منزل دیگری توسط افراد عادی قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا.ت.ع حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین مجازات جرم ورود غیر قانونی به منزل دیگری توسط افراد عادی در حال حاضر:

۱. در صورتی که مرتکبین فاقد سلاح باشند ۳ ماه تا ۱۸ ماه حبس می‌باشد.

۲. در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقفل یکی از آنها حامل سلاح باشد ۶ ماه تا ۳ سال حبس می‌باشد.

### تشریفات و شرایط ورود و تفتیش به منزل و محل سکونت افراد (مطابق قانون آیین دادرسی کیفری)

۱. ورود به منزل تمامی افراد در کلیه جرائم اعم از مشهود و غیرمشهود مستلزم اخذ مجوز موردی از مقام قضایی است. (مواد ۵۵ و ۱۴۱ ق.آ.د.ک)

۲. ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند. (ماده ۵۸ ق.آ.د.ک)

۳. برای تفتیش منزل بعضی از متهمان و مقامات کشوری صرف مجوز مقام قضایی کفایت نمی‌کند و این مجوز باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد؛ مطابق ماده ۱۳۸ ق.آ.د.ک: «مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و نیز متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) این قانون، باید به تأیید رییس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجراء شود.»

۴. تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکناى افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران به عمل می‌آید و اگر در محلّ مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل و با حضور دو نفر از اهل محل به عمل می‌آید (ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک)
۵. تفتیش و بازرسی منازل بایستی در روز (از طلوع تا غروب آفتاب) به عمل آید؛ مگر در موارد ضروری که در این صورت، موارد ضرورت در صورت مجلس قید می‌شود (ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک)
۶. در صورتی که متصرف منزل از باز کردن محل خودداری کند؛ بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آن را بدهد. البته در صورت ورود خسارت چنانچه بعداً متهم حکم برائت، قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر شود، می‌تواند جبران خسارت را از دولت مطالبه نماید، نکته جالب این که اگر امتناع‌کننده در این موارد شخص متهم نبوده باشد، حتی در صورت قرار جلب به دادرسی یا حکم محکومیت برای وی نیز امکان مطالبه خسارت وجود دارد (ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک)

### ورود به منزل دیگری و ارتکاب جرم

- **اگر ورود به منزل دیگری مقدمه ارتکاب جرم دیگری باشد:** اگر ورود به منزل دیگری مقدمه جرائم دیگر مانند قتل، آدم‌ربایی، سرقت، تجاوز به عنف و امثال آنها باشد:
  ۱. اگر جرم اصلی انجام شود، علی‌الاصول مرتکب به اتهام ارتکاب جرائم مختلف محکوم خواهد شد و اگر هر دو عنوان جرم تعزیری باشد، طبق ماده ۱۳۴ ق.م.ا یک مجازات اجرا خواهد شد؛ ولی اگر یک جرم تعزیری و جرم دیگر حد یا قصاص باشد، طبق ماده ۱۳۵ ق.م.ا قاعده جمع مجازات‌ها اجرا خواهد شد.
  ۲. اگر جرم یا جرائم اصلی انجام نشود، مرتکب صرفاً به مجازات جرم ورود به منزل دیگری محکوم خواهد شد.
- **اگر ورود به منزل دیگری لازمه ارتکاب جرم دیگری باشد:** اگر ورود به منزل دیگری لازمه جرم دیگری باشد، مانند سرقت موضوع بند ۱ ماده ۶۵۶ ق.م.ا تعزیرات، سرقت در جایی که محل سکنی جز با ورود به آن قابل تصور نباشد و سرقت نیز انجام گیرد، مرتکب تنها به مجازات سرقت از محل سکنی محکوم خواهد شد.

جرم هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص			
ورود غیرقانونی به منزل دیگری			
هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص جرمی، ساده، آنی و مطلق است			
عنصر قانونی	ماده ۵۸۰ و ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات		
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	ورود غیرقانونی به منزل دیگری	
	شرایط و اوضاع و احوال	شرط حصول جرم فوق عدم رضایت متصرف قانونی آن محل است	
	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است	
عنصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد ورود غیرقانونی به منزل دیگری	
	سوء نیت خاص	—	
مجازات	ارتکاب توسط مستخدمان و مأموران دولتی	حبس از ۱ ماه تا ۱ سال	
	ارتکاب توسط افراد عادی	مرتکبین فاقد سلاح باشند	۳ ماه تا ۱۸ ماه حبس
		مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشند	۶ ماه تا ۳ سال حبس

## جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی

اصل بیست و پنجم قانون اساسی چنین مقرر داشته است: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» ضمانت اجرای عدم رعایت اصل فوق در ماده ۵۸۲ ق.م.ا تعزیرات پیش‌بینی شده است.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی

#### عنصر قانونی جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی

**ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از ۱ سال ۳ سال و یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.»

#### عنصر مادی جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی

- ✓ رفتارهای مجرمانه جرم فوق عبارت است از:
- \* **مفتوح کردن:** باز کردن آنچه که بسته است، هر چند که هیچ کار دیگری در مورد آن انجام نشود.
- \* **توقیف کردن:** جلوگیری از رسیدن مراسله به مقصد، چه به طور دائمی و چه به طور موقت.
- \* **معدوم کردن:** از بین بردن کلی یا جزئی یک مراسله
- \* **بازرسی کردن:** بررسی محتوای یک بسته یا خواندن یک نامه و مانند آنها.
- \* **ضبط یا استراق سمع:** مکالمات تلفنی یا ماندن آن ضبط یا صرفاً شنیده شود.
- \* **افشاء:** فاش نمودن و علنی کردن مفاد مراسله، مخابره یا مکالمه، اعم از آن که جنبه محرمانه داشته باشد یا نداشته باشد.
- ✓ انجام دو یا چند فعل از افعال فوق توسط شخص واحد، موجب تعدد جرم نیست، مثل اینکه مأموری بسته پستی را مفتوح و سپس آن را معدوم نماید.

✓ موضوع جرم فوق عبارت است از:

#### مکالمات تلفنی

- **مراسلات:** آنچه که برای دیگران به شکل نامه، کارت پستال، نوارهای صوتی و تصویری و مانند آنها ارسال شده است.
- **مخابرات:** آنچه که توسط وسایلی مانند تلکس برای دیگران مخابره شده است.
- ✓ مرتکب این جرم باید مستخدم یا مأمور دولت باشد و ارتکاب آن از سوی افراد عادی پیش‌بینی نشده است.
- ✓ ارتکاب جرم فوق توسط کارمند باید همراه با سوءاستفاده از مقام یا شغل دولتی باشد؛ بنابراین اگر کارمند دولت در خارج از وظایف قانونی و بدون سوءاستفاده از مقام به عنوان شخصی عادی مرتکب رفتار فوق شود، حصول جرم فوق منتفی است.

#### عنصر روانی جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی:

جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی، چون یک جرم عمدی است علم و عمد مرتکب باید احراز شود؛ بنابراین در صورتی که مأمور پست پاکت نامه‌ای را به تصور اینکه پاکت باطله خالی است پاره کند، یا نامه‌ای را به تصور اینکه برای خود وی ارسال شده است، باز کند، مرتکب جرم فوق نشده است.

**مجازات جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی:** مرتکب این جرم به حبس از ۱ سال ۳ سال و یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد

در مورد جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی نکات ذیل قابل توجه است:

✓ معدوم کردن نامه‌های افراد اگر توسط غیر مأموران دولتی انجام شود، مرتکب حسب مورد به مجازات مقرر در مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ ق.م.ا تعزیرات محکوم خواهد شد.

✓ تخریب یا تضييع صندوق‌های پستی (نه مراسلات) جرمی مستقل است که در ماده ۱۵ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ چنین مورد پیش‌بینی قرار گرفته است: «هر کس صندوق یا باجه‌ها یا تجهیزات پستی را که برای انتفاع عموم نصب شده است عمداً هدم یا تخریب یا تضييع کند، علاوه بر پرداخت خسارات وارده با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم به مجازات تخریب اموال دولتی محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب مراسلات را افشاء و یا امانات را برداشت یا بازرسی یا توقیف نماید علاوه بر مجازات مذکور تا ۷۴ ضربه شلاق نیز محکوم می‌شود.»

✓ ماده ۱۷ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ چنین مقرر داشته است: «هر یک از کارکنان شرکت یا اشخاصی که به هر نحوی به همکاری و خدمت دعوت شده‌اند یا با ادامه فعالیت آنها موافقت شده، تمام یا بعضی محموله سپرده شده به وی یا اداره پست را در هر یک از مراحل پستی به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کند، این عمل در حکم اختلاس محسوب می‌شود و مرتکب علاوه بر مسؤولیت مدنی در مقابل صاحب محموله، به کیفر اختلاس محکوم خواهد شد.»

✓ شنود ارتباطات مخابراتی دیگران از سوی افراد عادی مشمول جرم شنود غیرمجاز موضوع ماده ۲ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ می‌باشد، مطابق این ماده: «هرکس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در ماده مذکور علاوه بر استراق سمع مکالمات یا ارتباطات مخابراتی به شنود غیرمجاز ارتباطات رایانه‌ای، امواج الکترومغناطیسی یا نوری نیز تصریح شده است؛ بنابراین در فرضی که شخصی به طور غیرمجاز چت خصوصی میان دو نفر را شنود کند، مرتکب جرم موضوع ماده ۲ قانون جرائم رایانه‌ای شده است. در جرم شنود غیرمجاز شخص به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی را شنود می‌کند؛ اما چنانچه فایل صوتی ذخیره شده باشد (در حال انتقال نباشد) مرتکب به مجازات جرم دسترسی غیرمجاز موضوع ماده ۱ قانون جرائم رایانه‌ای محکوم می‌گردد؛ برای مثال در فرضی که شخصی یک فایل صوتی را به دیگری ایمیل کند و شخص ثالث با دسترسی به صندوق ورودی ایمیل آن فرد، فایل ذخیره شده را بشنود، رفتار او از مصادیق جرم دسترسی غیرمجاز است، نه شنود غیرمجاز.

✓ شنود ارتباطات مخابراتی یا رایانه‌ای اشخاص تنها با مجوز قانونی و تنها در بعضی از جرائم امکان‌پذیر است؛ مطابق ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رییس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.» در رابطه با داده‌های رایانه‌ای نیز شرایط فوق لازم‌الرعایه است، همان‌گونه که در ماده ۶۸۳ ق.آ.د.ک نیز آمده است: «کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است تبصره - دسترسی به محتوای ارتباطات غیرعمومی ذخیره‌شده، نظیر پیام‌نگار (ایمیل) یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.»؛ بنابراین در جرائمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، جعل، جرائم سیاسی، مطبوعاتی و ... که نه از جرائم علیه امنیت محسوب می‌شوند و نه از جرائم

موضوع بندهای «الف» تا «ت» ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. شنود مکالمات مطلقاً ممنوع است ولو آن که رئیس کل دادگستری استان و یا رئیس قوه قضاییه، دستور مقام قضایی را در این زمینه تأیید نموده باشند.

✓ مطابق ماده ۱۵۲ ق.آ.د.ک: «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این امر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند. پس از وصول، بازپرس آنها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند ...» نکته مهم این که در صورتی که مأموران پست ظن قوی بر وجود وسایل مجرمانه در بسته پستی داشته باشند؛ مکلف‌اند آن را توقیف (نه مفتوح) نموده و فوراً مراتب را برای تعیین تکلیف نزد دادستان برسانند؛ مطابق ماده ۸۷ ق.آ.د.ک: «هرگاه مأموران پست بر مبنای قرائن و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکروبی خطرناک و یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذی‌صلاح به پست و یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورت مجلس توقیف می‌شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می‌رسد. دادستان پس از اخذ نظر مراجع ذی‌صلاح و بررسی، در صورت منتفی بودن احتمال، بلافاصله دستور استرداد یا ارسال بسته پستی را صادر می‌کند.»

✓ قانونگذار در ماده ۱۵۱ ق.آ.د.ک در رابطه با حساب بانکی اشخاص صرفاً تفتیش آن را پس از مجوز رئیس حوزه قضایی مورد پذیرش قرار داده و در مورد توقیف آن بر خلاف اشیا، لوازم و مراسلات و سامانه‌های رایانه‌ای حکمی به میان نیاورده است. مطابق نظریه مشورتی شماره ۱۷۳۴/۹۵/۷ مورخ ۱۳۹۵/۷/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه: «اولاً: حسب اصل بیست و دوم قانون اساسی، تعرض به مال و حقوق اشخاص جز در مواردی که قانون تجویز می‌کند، ممنوع است، ثانیاً: مقنن در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بر اصل قانونی بودن دادرسی کیفری، به عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر دادرسی کیفری تأکید کرده است، ثالثاً: با عنایت به ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مادامی که حکم محکومیت متهم صادر و قطعی نگردیده باشد، متهم در پرتو اصل برائت مذکور در این ماده قانونی است؛ بنابراین در فرض سوال با توجه به اینکه در قوانین عادی نصی بر توقیف حساب بانکی متهم نه در مرحله تحقیقات مقدماتی و نه در مرحله رسیدگی، به معنای اخص پیش‌بینی نشده است، مقام قضایی از مقامات دادرسی یا دادگاه حق توقیف حساب بانکی متهم را ندارد و اصولاً از آنجا که تأمین جزای نقدی در قوانین با اصول بنیادین حاکم بر دادرسی کیفری در تعارض است و در قانون نیز پیش‌بینی نشده است، فاقد وجهت قانونی است.»

جرم هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی	
مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع یا افشاء مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص در غیر موارد قانونی هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی جرمی، ساده، آنی و مطلق است	
عنصر قانونی	ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
عنصر مادی	رفتار مجرمانه مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع یا افشاء مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص در غیر موارد قانونی
	شرایط و اوضاع و احوال مرتکب این جرم باید مستخدم یا مأمور دولت باشد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع یا افشاء مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص در غیر موارد قانونی باید بدون رضایت صاحبان آنها انجام شود.
عنصر روانی	نتیجه حاصله جرم جرم مطلق است
	سوء نیت عام داشتن قصد رفتار مجرمانه
مجازات	سوء نیت خاص —
	حسب از ۱ سال ۳ سال یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

### جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

با توجه به پیشرفت تکنولوژی امروزه بسیاری از جرائم علیه شخصیت معنوی در فضای مجازی و از طریق سامانه‌های ارتکاب می‌یابد (مانند اینکه کسی عکس دیگری را با قصد تمسخر او تغییر دهد و در صفحه اینستاگرام خود منتشر نماید) این رفتار در ماده ۱۶ قانون جرائم رایانه‌ای جرم‌انگاری شده است.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

#### عنصر قانونی جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

**ماده ۱۶ قانون مجازات رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸:** «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

#### عنصر مادی جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

✓ ماده فوق ۲ جرم را پیش‌بینی کرده است:

۱. تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری و انتشار آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی
۲. انتشار فیلم یا صوت یا تصویر دیگری با علم به تغییر یا تحریف آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

✓ حصول جرم فوق مستلزم آن است که:

۱. تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر باید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام شود.

۲. انتشار فیلم یا صوت یا تصویر تغییر یا تحریف شده باید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام شود.
- ✓ در فرضی که شخصی کاریکاتور دیگری را به طور موهن، نقاشی کرده و آن را در سایت خود منتشر نماید مرتکب جرم توهین عادی (نه رایانه‌ای) شده است؛ زیرا تغییر چهره دیگری از طریق رایانه انجام نگرفته است؛ همچنان که اگر مرتکب، تصویر یکی از مقامات دولتی را از طریق فتوشاپ به طرز موهنی تغییر داده و آن را در خیابان میان عابران پخش نماید، مرتکب جرم فوق نشده است؛ زیرا انتشار تصاویر تغییر یافته از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام نشده است.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مقید است و نتیجه آن همان طور که در متن ماده فوق آمده است: «به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود» می‌باشد؛ بنابراین تغییر و تحریف و انتشار فیلم یا صوت یا تصویر باید موجب هتک حیثیت شود، به عبارت دیگر همین که رفتار مرتکب موجب هتک حیثیت محسوب طرف مقابل شود، برای حصول این جرم کفایت می‌کند.
- ✓ جرم تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری و انتشار آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی جرمی مرکب است، به عبارت دیگر رفتار مجرمانه این جرم مرکب از:

۱. تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری

۲. انتشار آن فیلم یا صوت یا تصویر.

- ✓ جرم انتشار فیلم یا صوت یا تصویر دیگری با علم به تغییر یا تحریف آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی جرمی ساده است؛ بنابراین در فرضی که شخص «الف» عکس یک هنرپیشه را به شکل زشتی با اپلیکشن تلفن همراه خود تغییر داده و آن را در صفحه اینستاگرام خود منتشر نماید و شخص «ب» با علم به این تغییر، صرفاً آن عکس را در صفحه شخصی خود منتشر نماید، هر دو به مجازات هتک حیثیت رایانه‌ای محکوم خواهند شد.

- ✓ برای حصول جرم هتک حیثیت رایانه‌ای فرقی نمی‌کند که فیلم یا تصویر یا صدای دیگری به طور مجاز در اختیار مرتکب بوده باشد یا به طور غیرمجاز (مانند فرضی که مرتکب با اجازه شخص از او عکس گرفته یا بدون اجازه او عکس او را به تلفن همراه خود منتقل نماید)؛ در صورتی که فیلم یا تصاویر به طور غیرمجاز در اختیار مرتکب قرار گرفته باشد، و مرتکب آن فیلم یا تصاویر را تغییر و تحریف و منتشر نماید، علاوه بر مجازات جرم هتک حیثیت رایانه‌ای به مجازات جرم دسترسی غیرمجاز (موضوع ماده ۱ قانون جرائم رایانه‌ای) محکوم خواهد شد.

**مجازات جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی:** به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم فوق ۴۵ روز تا ۱ سال حبس می‌باشد.

- یکی از مصادیق جرم هتک حیثیت رایانه‌ای، جرم مندرج در ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای می‌باشد که برای حصول آن نیازی به تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری نیست؛ بلکه آنچه مورد توجه قانونگذار بوده است، صیانت از حریم خصوصی یا خانوادگی افراد یا اسرار آنان است. مطابق ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای: «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی، منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهار میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق عبارت است از: «انتشار یا در دسترس قرار دادن صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او»

✓ در جرم موضوع ماده فوق، شخصیت مرتکب فاقد تأثیر است و هر کس اسرار دیگران را بدون رضایت آنها به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که موجب هتک حیثیت آنان شود، به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم خواهد شد.

جرم هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی		
هتک حیثیت افراد به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی جرمی، آنی و مقید است		
عنصر قانونی	ماده ۱۶ قانون مجازات رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	۱- تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری و انتشار آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی ۲- انتشار فیلم یا صوت یا تصویر دیگری با علم به تغییر یا تحریف آن از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی
	شرایط و اوضاع و احوال	حصول جرم فوق مستلزم آن است که: ۱- تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر باید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام شود. ۲- انتشار فیلم یا صوت یا تصویر تغییر یا تحریف شده باید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی انجام شود.
عنصر روانی	نتیجه حاصله جرم	هتک حیثیت بزه‌یده
	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه
	سوء نیت خاص	داشتن قصد نتیجه مجرمانه، یعنی قصد هتک حیثیت بزه‌یده
مجازات	حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات	

### جرم افشای اسرار حرفه‌ای

افشای اسرار مردم، یعنی آنچه که مردم نوعاً سعی در پنهان ماندن آن دارند، عملی مخالف با اصول اخلاقی محسوب می‌شود، ولی جز در موارد خاص، عنوان مجرمانه ندارد، جرم بودن افشای اسرار منوط به آن است شخص به مناسبت شغل یا حرفه خود مَحرم اسرار مردم باشد. این جرم در ماده ۶۴۸ ق.م.ا.ت.عزیرات پیش‌بینی شده است.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم افشای اسرار حرفه‌ای

#### عنصر قانونی جرم افشای اسرار حرفه‌ای

ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود مَحرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به ۳ ماه و ۱ روز تا ۱ سال حبس و یا به بیست میلیون (۲۰/۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

#### عنصر مادی جرم افشای اسرار حرفه‌ای

- ✓ رفتار مجرمانه جرم افشای اسرار حرفه‌ای عبارت است از: «افشای اسرار افراد توسط اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند در غیر موارد قانونی»
- ✓ افشا در لغت به معنای فاش نمودن و برملا ساختن و اسرار نیز در لغت به معنای رازها و امور پنهانی دیگری است؛ بنابراین حصول این جرم منوط به عدم رضایت مراجع در مورد آشکار ساختن آن موضوع می‌باشد و در صورت رضایت بزه‌دیده، بحث فاش نمودن راز وی منتفی است.
- ✓ حصول جرم فوق منوط به آن است که مرتکب عیناً مسئله‌ای که با وی در میان گذاشته شده است با دیگران مطرح نماید و در صورتی که همراه با اصل موضوع، مطالب، مطالب دروغی را نیز بیان کند، ممکن است با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون به مجازات نشر اکاذیب (نه افشای اسرار حرفه‌ای) محکوم شود.
- ✓ برای حصول جرم فوق لازم نیست که چند راز (اسرار) در اختیار مردم قرار داده شود؛ به عبارت دیگر با افشا ساختن راز دیگری، این جرم حاصل می‌شود.
- ✓ برای حصول افشا ضرورتی به مطرح نمودن آن برای چند نفر نبوده و بازگویی آن حتی برای یک نفر هم کفایت می‌کند.
- ✓ وسیله ارتکاب جرم مهم نیست که چه وسیله‌ای باشد؛ به عبارت دیگر ارتکاب این جرم از هر طریقی اعم از گفتگوی حضوری، تلفنی، نوشتن نامه، ارسال ایمیل و ... امکان‌پذیر است.
- ✓ مرتکبین جرم افشای اسرار حرفه‌ای با توجه به عبارت «کسانی» در صدر ماده ۶۴۸ ق.م.ا تعزیرات، لزوماً شخص حقیقی بوده و ارتکاب آن از سوی اشخاص حقوقی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ همچنین بزه‌دیده جرم افشای اسرار حرفه‌ای لزوماً شخص حقیقی است و ارتکاب نسبت به اشخاص حقوقی منتفی است؛ عبارت «اسرار مردم» در ماده ۶۴۸ ق.م.ا تعزیرات تأکید بر این نکته دارد.
- ✓ مرتکبین جرم افشای اسرار حرفه‌ای، به صراحت ماده ۶۴۸ ق.م.ا تعزیرات: «کلیه کسانی (هستند) که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند»
- ✓ نکته مهم این که حصول این جرم مستلزم آن است که اسرار افراد به مناسبت شغل یا حرفه در اختیار مرتکب قرار گرفته باشد؛ بنابراین در فرضی که دوست نزدیک فرد، رازی که سال‌های پیش به او گفته شده با انگیزه لطمه وارد کردن به حیثیت و در اختیار دیگران قرار دهد، رفتار او جرم نیست؛ زیرا این راز بر مبنای شغل یا حرفه در اختیار او قرار نگرفته، بلکه بر مبنای یک رابطه دوستانه در اختیار او قرار گرفته است.
- ✓ صرف داشتن شغل یا حرفه برای حصول این جرم کفایت نمی‌کند، بلکه افراد باید به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار شوند؛ بنابراین در فرضی که پزشکی وقتی به عنوان مهمان به منزل دیگری می‌رود و از بیماری خاص میزبان مطلع شده و آن را افشا کند، مرتکب جرم افشای اسرار حرفه‌ای نشده است، چون از بیماری خاص میزبان به مناسبت رابطه مهمانی باخبر شده است، نه به مناسبت شغل خود.
- ✓ قانونگذار در صدر ماده ۶۴۸ ق.م.ا تعزیرات تعدادی از مشاغل یعنی «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان» ذکر نموده است، که این موارد جنبه تمثیلی داشته و شامل سایر افراد که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم می‌شوند، نیز می‌گردد. برای مثال مطابق ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکیل باید اسراری که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.» همچنین مطابق ماده ۲۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶: «اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به دست می‌آورند، محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذیربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشاء طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد.»
- ✓ در برخی موارد قانونگذار به دلیل صیانت از حریم خصوصی اشخاص، افشای امور شخصی آنان را مشمول این جرم دانسته است، ولو آن که واقعاً جزء اسرار آن فرد تلقی نشود؛ مصداق بارز این نکته، ماده ۱۴۶ ق.آ.د.ک در مورد تحقیق یا تفتیش از محل سکونت افراد است، به موجب ماده مذکور: «از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشای مضمون و

محتوای غیرمرتبط آنها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود؛ بنابراین در فرضی که ضابطان دادگستری با حکم قضایی برای یافتن شی‌ای خاص وارد خانه دیگری شده و در هنگام بازرسی با چند قبضه اسلحه و شیشه مشروبات الکلی مواجه شوند، حق ضبط آن را جز با مجوز قضایی نداشته و در غیر این صورت گزارش ضابطان به دلیل تهیه غیرقانونی مستنداً به مواد ۳۶ و ۵۶ ق.آ.د.ک فاقد ارزش اثباتی است و به دلیل تعرض به اموال به عنوان یکی از حقوق مقرر در قانون اساسی و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲ به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ ق.م.ا.ت.ج. تعزیرات محکوم خواهند شد؛ همچنین مطابق ماده ۹۱ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.»

✓ در بعضی از موارد بیان اسرار مراجعان، نه تنها جرم نیست بلکه بیان آن از سوی شخص یک تکلیف قانونی است؛ نمونه بارز این مورد ماده ۱۳ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ می‌باشد؛ مطابق این ماده: «پزشکان آزاد و کلیه بنگاه‌های بهداشتی که معاینه و درمان بیماری‌های آمیزشی می‌نمایند موظفند در آخر هر ماه عده بیماری‌های آمیزشی را که دیده‌اند و قبلاً به پزشک دیگری مراجعه نموده‌اند بدون ذکر نام و مشخصات بیمار به بهداشتی بفرستند»

### عنصر روانی جرم افشای اسرار حرفه‌ای

✓ جرم افشای اسرار حرفه‌ای چون جرمی عمدی است باید علم و عمد مرتکب احراز شود؛ برای مثال در فرضی که شخص در اثر خواب اسرار دیگری را که بر حسب وظیفه به او گفته شده است برملا نماید، به دلیل فقدان قصد مجرمانه، جرم فوق منتفی است.  
✓ جرم افشای اسرار حرفه‌ای، جرمی مطلق است و صرف افشای اسرار جرم حاصل می‌شود و برای حصول آن نیازی به نتیجه خاصی مانند ضرر رساندن به طرف مقابل یا نفع بردن مرتکب نیست؛ بنابراین برای حصول این جرم نیازی به سوءنیت خاص یا قصد نتیجه نمی‌باشد.

### مجازات عنصر قانونی جرم افشای اسرار حرفه‌ای

✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا.اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم افشای اسرار حرفه‌ای قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا.حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم افشای اسرار حرفه‌ای ۴۵ روز تا ۶ ماه حبس می‌باشد.  
✓ حبس فوق با توجه به ماده ۶۶ ق.م.ا.ل.م. به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود؛ مگر آن که مرتکب دارای یک فقره محکومیت قطعی به جرائم مقرر در ماده فوق بوده و از تاریخ اجرای مجازات بیش از پنج سال نگذشته باشد.  
✓ مجازات مقرر در ماده ۶۴۸ ق.م.ا.ت.ج. تعزیرات منصرف از مواردی است که در سایر قوانین برای این جرم مجازات در نظر گرفته شده باشد، برای مثال مطابق ماده ۴۰ ق.آ.د.ک: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.» ضمانت اجرای تخلف از حکم ماده فوق در ماده ۶۳ ق.آ.د.ک مشخص شده و ضابطان در این موارد به ۳ ماه تا ۱ سال انفعال از خدمات دولتی (نه مجازات مقرر در ماده ۶۴۸ ق.م.ا.ت.ج. تعزیرات) محکوم می‌گردند. ماده ۸ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷ از دیگر نمونه‌های این نکته محسوب می‌شود؛ مطابق این ماده: «اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجرای این قانون، صرفاً در جهت کشف و رسیدگی به جرائم استفاده می‌شود. افشای اطلاعات و اسناد یا استفاده از آنها به نفع خود یا دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات حبس تعزیری درجه پنج محکوم خواهد شد.»

جرم افشا اسرار		
افشا اسرار افراد در غیر موارد قانونی افشا اسرار جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عصر قانونی	ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	
عصر مادی	رفتار مجرمانه	افشا اسرار افراد در غیر موارد قانونی
	شرایط و اوضاع و احوال	مرتکبین این جرم فقط اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، می‌باشند
عصر روانی	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد افشا اسرار افراد در غیر موارد قانونی
مجازات	سوء نیت خاص	—
	۴۵ روز تا ۶ ماه حبس یا بیست میلیون (۲۰/۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی	

## جرائم علیه حیثیت

### جرم توهین

توهین در لغت از ریشه «وهن» و به معنای «سست کردن، ضعیف کردن و خوار و خفیف کردن» و در اصطلاح به هر رفتاری اعم از فعل، گفتار، اشاره یا نوشتار (دلالت دارد که موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود. توهین نه تنها از لحاظ حقوقی، بلکه از نظر اخلاقی و دینی ناپسند دانسته شده است. توهین در ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات جرم‌انگاری شده است.

### عناصر تشکیل دهنده جرم توهین

#### عصر قانونی جرم توهین

**ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال (مجازات این ماده به موجب بند «ج» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تعدیل شده است و اکنون مجازات جرم توهین) شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی خواهد بود.»

#### عصر مادی جرم توهین

✓ رفتار مجرمانه جرم توهین عبارت است از: «هرگونه رفتار توهین آمیز نسبت به فرد معین در حضور وی یا دیگران»  
 ✓ جرم توهین با هر گونه رفتاری اعم از گفتار، کردار، نوشتار و حتی اشارات مختلف دست و چشم و مانند این‌ها که عرفاً توهین آمیز محسوب شود، حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر هرچند توهین غالباً به صورت لفظی و از طریق «فحاشی و استعمال الفاظ رکیک» ارتکاب می‌یابد ولی استفاده از عبارت «از قبیل» در ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات بیان‌گر آن است که برای حصول جرم توهین استفاده از لفظ خاص موضوعیت نداشته بنابراین رفتارهای دیگر که باعث تحقیر و تخفیف طرف مقابل می‌گردد مانند دهن کجی، آب دهان بر روی دیگری انداختن، هل دادن

تحقیق‌آمیز دیگری، پرتاب گوجه‌فرنگی یا تخم‌مرغ به سمت کسی، درآوردن زبان، استفراغ کردن عمدی بر روی کسی، برداشتن خشونت‌آمیز کلاه یا عمامه یا روسری از سر شخص محترمی و انداختن آن بر روی زمین یا اشارات انگشت نیز توهین محسوب می‌شود.

✓ جرم توهین صرفاً با رفتار مثبت حاصل می‌شود و از طریق ترک فعل حاصل نمی‌شود؛ به عبارت دیگر حتی اگر ترک فعل به قصد تحقیر شخص دیگر انجام شود، همچنان جرم توهین حاصل نمی‌شود مثلاً سلام نکردن به یک شخص واجب‌الاحترام یا برنخاستن دانشجو هنگام ورود استاد به کلاس؛ مگر آن که عرف خاصّ مسلمی مانند عدم احترام نظامی به مافوق که این موارد حسب مورد جرم یا تخلف انضباطی محسوب می‌شود.

### • شرایط و اوضاع و احوال لازم برای حصول جرم توهین:

۱. **موهن بودن رفتار:** برای محکوم شدن مرتکب به جرم توهین، رفتار وی باید موهن باشد. تشخیص موهن بودن رفتار با عرف است. نظر عرف در این مورد با توجه به عوامل زمان و مکان، طبقه اجتماعی و شخصیت مخاطب و نیز موقعیت خاصی که رفتار مورد نظر در آن ارتکاب یافته است مشخص می‌شود مطابق رأی شماره ۱۵۶۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۷ شعبه پنجم دیوان عالی کشور: «فحش بودن یا نبودن یک لفظ مفهومی است که به اعتبار زمان و مکان تغییرپذیر می‌باشد و تشخیص آن با در نظر گرفتن عرف و عادت و زمان و مکان و شخصیت طرفین بر عهده دادگاه است»؛ بنابراین صرف خشونت در گفتار یا جسارت و گستاخی شخص را نمی‌توان توهین دانست (مثلاً کارمند در مقابل گفته مافوق خود مبنی بر اینکه چرا سیگار میکشی؟ بگوئید: به تو مربوط نیست) منظور ما از قضاوت عرف، آن است که عرف رفتار مورد نظر را نامقبول بداند به نحوی که آن رفتار را توهین محسوب نماید، نه این که آن رفتار را فقط «خلاف ادب» بداند؛ بدین ترتیب کسی که در مقابل والدین خود پایش را دراز می‌کند، مرتکب جرم توهین نشده است.

۲. **وجود مخاطب معین:** مخاطب توهین باید مشخص باشد و اگر شخصی جمعی را به طور کلی مخاطب رفتار یا گفتار خود قرار دهد، رفتار وی توهین محسوب نمی‌شود، مثلاً بگوید همه بازیگران بی‌بند و بارند یا همه قاضی‌ها رشوه‌خوارند؛ به عبارت دیگر توهین به یک گروه کلی بدون تعیین مصداق جرم نیست؛ اما در مواردی که بتوان مخاطب را محصور و مشخص نمود به دلیل معین بودن مخاطب، رفتار مرتکب توهین محسوب می‌شود، مانند اینکه مرتکب بگوید، بازیگران فلان فیلم سینمایی بی‌بند و بارند یا بگوید قاضی‌های فلان شعبه دادگاه کیفری رشوه‌خوارند.

۳. **شخص حقیقی بودن مخاطب:** از لفظ «افراد» در ماده ۶۰۸ ق.م.ا.ت.ع تعزیرات چنین برمی‌آید که مخاطب توهین لزوماً شخص حقیقی است، بنابراین در فرضی که شخصی الفاظ ناشایستی نسبت به دولت یا یک اداره دولتی، یک شرکت خصوصی، شهرداری، بانک، نظام پزشکی، کانون وکلا و ... استفاده کند رفتار وی توهین نیست. البته بدیهی است که اگر به یک یا چند نفر از کارمندان این نهادها توهین نماید، مثلاً بگوید فلان شهردار آدم حرام‌خواری است، مرتکب جرم توهین شده است.

۴. **زنده بودن مخاطب:** در رابطه با اینکه آیا مخاطب توهین لزوماً باید زنده باشد یا بی‌حرمی به مردگان را هم می‌توان مشمول جرم توهین دانست، اختلاف نظر وجود دارد، به عقیده برخی استفاده از الفاظ ناروا یا رفتار ناپسند به مردگان نیز مشمول جرم توهین است، همچنان که در قوانین پیش از انقلاب در بند ۱۳ ماده ۱ آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴/۵/۲۲ توهین به مردگان تحت شرایطی جرم دانسته شده بود: «کسانی که بر خلاف شعائر مذهبی یا آداب ملی به مردگان در ملاء عام ناسزا گفته یا اهانت نمایند» همچنین مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه: «مستفاد از مواد ۱۵۰ و ۵۱۴ ق.م.ا. (۱۳۷۰) آن است که اهانت نسبت به مُرده هم مصداق دارد و وزات او می‌تواند از او شکایت نمایند» در مقابل دیدگاه فوق، به نظر می‌رسد که صرفاً باید افراد زنده را به عنوان مخاطب جرم توهین محسوب نمود و اگر قانونگذار هدفی جز این داشت، باید همانند جرم قذف به آن تصریح می‌نمود، مطابق ماده ۲۴۵ ق.م.ا: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مُرده باشد» این نظر به ویژه با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ تقویت می‌شود، چرا که به موجب تبصره مذکور انتشار مطالب توهین‌آمیز علیه مردگان تنها در صورتی جرم و قابل پیگرد است که موجب وهن بازماندگان او گردد. مطابق این ماده: «هرگاه انتشار مطالب مذکور در

ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاک‌گی به بازماندگان وی به حساب آید. هر یک از ورثه قانونی می‌توانند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نمایند» ناگفته نماند در صورتی که فردی به دیگری در زمان حیات وی توهین نموده و وراثت وی پس از مرگ او از این موضوع آگاه شوند، حتی شرح شکایت بر آنان محفوظ است، چرا که مخاطب توهین در زمان ارتکاب جرم زنده بوده است، مگر اینکه دلیلی یافت شود که بزه‌دیده در زمان حیات خود از طرح شکایت صرف‌نظر کرده است که در این صورت با توجه به ماده ۱۰۶ ق.م.ا.حقی برای وراثت وجود نخواهد داشت؛ علی‌رغم عدم امکان تحقق توهین نسبت به مردگان، در صورتی که در قانون بر خلاف این امر تصریح شده باشد، رفتار مرتکب از مصادیق جرم توهین محسوب می‌شود مانند توهین به امام خمینی «ره» موضوع ماده ۵۱۴ ق.م.ا.تعزیرات و سب‌النبی (ص) موضوع ماده ۲۶۲ ق.م.ا. یا هتک حرمت میّت مانند انداختن آب دهان بر روی میّت موضوع ماده ۷۲۷ ق.م.ا.تعزیرات.

۵. **حضور یا علنی بودن توهین:** حصول توهین مستلزم آن است که رفتار مجرمانه یا در حضور بزه‌دیده واقع شود (حضور) و یا در حضور دیگران (علنی) ارتکاب یابد؛ بنابراین برای حصول جرم توهین، هر دو شرط حضور و علنی بودن به طور توأمان شرط نیست و همین که یکی از شرایط مذکور وجود داشته باشد، برای حصول توهین کفایت می‌کند؛ بدین ترتیب، کسی که در یک مکان خصوصی و بدون حضور شاهد به دیگری توهین می‌کند، مرتکب جرم توهین شده است؛ همچنین حضور مخاطب توهین نیز شرط حصول توهین نمی‌باشد؛ یعنی در صورتی که شخصی به شخصی دیگر که در آن جمع حاضر نیست، توهین کند، جرم توهین حاصل شده است. بدین ترتیب وجود یکی از دو شرط حضور یا علنی بودن توهین برای حصول آن لازم است:

- منظور از «حضور» در اینجا لزوماً حضور فیزیکی نیست، بلکه همین که شخص مخاطب، مثلاً از طریق تلفن، الفاظ توهین‌آمیز را شنیده یا از طریق سیستم پیام کوتاه تلفن همراه یا ایمیل، پیام توهین‌آمیز را بخواند، کفایت می‌کند.
- منظور از «علنی» حضور شاهد در محل ارتکاب جرم توهین نمی‌باشد، بلکه ارتکاب توهین در محل آماده برای حضور شاهد (مثلاً در خیابان یا کوچه) هم علنی محسوب می‌شود، هر چند که در لحظه ارتکاب توهین هیچ شاهدی در محل حاضر ارتکاب توهین حاضر نباشد.

✓ توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی:

- اگر توهین تنها در حضور طرف مقابل و به طور غیرعلنی واقع شود، مشمول جرم توهین ساده است.

- اگر توهین به نحو علنی ارتکاب یابد ولو آن که در حضور مخاطب نباشد، مشمول جرم توهین مشدد است.

۶. **صریح بودن توهین:** توهین به طرف مقابل باید صریح و غیرقابل تفسیر باشد؛ به عبارت دیگر، الفاظ یا حرکات مرتکب باید صراحت بر توهین داشته باشد و کنایه در گفتار به نحوی که بتوان معنای دیگری را از آن استنباط نمود، توهین محسوب نمی‌شود؛ بنابراین در صورت عدم صراحت، مرتکب به جرم توهین محکوم نخواهد شد؛ برای مثال در فرضی که شخصی به یک زن تن فروش بگوید: «تو که اوضاع خرابه!» گفتار او را نمی‌توان توهین محسوب نمود، چرا که ممکن است متهم در دفاع از خود مدعی شود، هدف وی از چنین عبارتی، بیان شرایط نامناسب مالی طرف مقابل بوده باشد.

۷. **عدم لزوم ارتجالی یا ابتدایی بودن توهین:** به این مفهوم که لازم نیست ابتدائاً توهین‌کننده شروع به توهین کرده باشد، اگر او متقابلاً هم توهین کرده باشد، مرتکب جرم توهین شده است؛ به عبارت دیگر برای حصول توهین لزومی به ارتجالی بودن یا ابتدایی بودن آن نیست و در صورتی که شخص در پاسخ به توهین طرف مقابل به او دشنام داده یا رفتار توهین‌آمیز دیگری از خود بروز دهد، مرتکب جرم توهین شده است. مثلاً شخص «الف» به شخص «ب» بگوید نادان و شخص «ب» متقابلاً به او بگوید «کودن»، هر دو نفر مرتکب جرم توهین شده‌اند. البته در مواردی که شخص در تقابل با دیگری از الفاظ و عباراتی استفاده کند که از نظر عرف اساساً توهین محسوب نمی‌شود (مانند «خودتی» یا «آینه») رفتار را نمی‌توان مشمول جرم توهین دانست.

✓ توهین به خود جرم نیست، مانند اینکه پدری به فرزند خود بگوید: «پدر...»

- ✓ توهین، جرمی مطلق است؛ بنابراین حتی اگر مخاطب به دلیل شخصیت و روحیه والایی که از آن برخوردار است و یا بالعکس، شخصیت ذلت‌پذیر و دائماً تحقیر شده‌اش، عملاً توهین دیگری بر وی تأثیر نگذارد، همچنان جرم توهین، به صرف موهن بودن رفتار مرتکب از نظر عرف، ارتکاب یافته است.
- ✓ آگاهی بزه‌دیده (طرف مقابل، مخاطب توهین) از توهین‌آمیز بودن رفتار (مثلاً به دلیل آشنا نبودن با زبان گوینده) ضرورت ندارد.

## عنصر روانی جرم توهین

- ✓ توهین چون جرمی عمدی است باید علم و عمد مرتکب در آن احراز شود.
- ✓ منظور از علم مرتکب، علم مرتکب به موضوع جرم توهین که وجود انسان زنده است می‌باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی، فرد دیگری را که در خواب است مُرده پنداشته و به دشنامی بدهد و یا اساساً از معنای الفاظ یا موهن بودن رفتار بی‌اطلاع باشد، رفتار وی به دلیل جهل موضوعی، جرم محسوب نمی‌شود؛ این نکته در مورد توهین مشدد نیز صدق می‌کند؛ برای مثال در توهین نسبت به مأموران نهادهای دولتی که حین انجام وظیفه یا به سبب آن انجام می‌گیرد موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات، در صورتی که مرتکب از سمت طرف مقابل مطلع نباشد و او را با یک فرد عادی اشتباه بگیرد، توهین او از مصادیق توهین ساده خواهد بود، نه از مصادیق توهین مشدد؛ به عبارت دیگر در صورت علم به شخصیت طرف مقابل که از جهات تشدید مجازات است، مجازات تشدید می‌شود.
- ✓ منظور از عمد مرتکب قصد ارتکاب رفتار مجرمانه یا همان سوءنیت عام می‌باشد که در تمام جرائم عمدی باید احراز شود؛ در جرم توهین مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در ارتکاب رفتار توهین‌آمیز داشته باشد؛ بنابراین در صورتی که در خواب یا بیهوشی به شخصی توهین نماید، رفتار او توهین محسوب نمی‌شود.
- ✓ جرم توهین، چون جرمی مطلق است نیازی به سوءنیت خاص ندارد؛ به عبارت دیگر برای حصول توهین نیازی به حصول نتیجه یا رنجش و آزرده‌دیده نیست و چه بسا رفتار ناشایست مرتکب، به جای تألم بزه‌دیده موجب شهامت و قوت قلب وی گردد، به تبع همین امر ضرورتی به قصد نتیجه یا ایداء و رنجاندن دیگری نیست و در بسیاری از موارد ممکن است رفتار مرتکب با قصد شوخی یا خندانند خود بزه‌دیده یا دیگران باشد، که هیچ‌یک از این موارد تأثیری در اصل جرم ندارد و نهایتاً از جهات تخفیف مجازات به شمار می‌رود.

## مجازات جرم توهین

- ✓ مجازات جرم توهین با توجه به بند «ج» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نسخ شده است و اکنون مجازات جرم توهین صرفاً جزای نقدی درجه ۶ می‌باشد، با توجه به درجه مجازات استفاده از نهادهای ارفاقی مانند تخفیف مجازات، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات وجود دارد.
  - ✓ تعیین مجازات تعزیری مذکور منصرف از مواردی است که گفته‌های مرتکب صدق عنوان قذف کند، همچنین در مواردی که قذف شخص ثالث، توهین به مخاطب نیز محسوب شود، مرتکب به هر دو مجازات حدی و تعزیری محکوم خواهد شد.
  - ✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم توهین قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد.
- توهین مشدد:** جهات تشدید مجازات توهین از قرار ذیل است:

### • تشدید مجازات توهین از جهت مقام مخاطب

۱. **توهین به رهبر قبلی و فعلی:** ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به حضرت امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی (رضوان الله تعالی علیه) و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد

شد.»

- ✓ توهین به درگذشتگان اصولاً جرم محسوب نمی‌شود، مگر در مواردی که برخلاف آن تصریح شده باشد، توهین به امام خمینی (ره) از مصادیق جرم‌انگاری توهین به افراد متوفی است.
  - ✓ برای شمول ماده فوق، هر نحو توهین چه با فعل چه با گفتار یا اشاره صریح و یا کتابت کفایت می‌کند.
  - ✓ برخلاف ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات راجع به توهین به مقامات دولتی، در ماده ۵۱۴ ق.م.ا تعزیرات راجع به توهین به رهبر قبلی و فعلی از لحاظ این که توهین در حال انجام وظیفه یا به سبب انجام وظیفه باشد پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین توهین به رهبری، حتی بنا به انگیزه‌های کاملاً شخصی و در غیر حالت انجام وظیفه هم مشمول ماده ۵۱۴ ق.م.ا تعزیرات قرار می‌گیرد.
  - ✓ حکم فوق شامل جرائمی مانند افترا و نشر اکاذیب نمی‌شود و در این موارد باید حکم عام مقرّر در مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات مراجعه نمود.
  - ✓ جرم فوق، جرمی عمدی است و مرتکب باید در اهانت عامد باشد که این علاوه بر عمد در فعل، مستلزم توجه داشتن وی به وهن‌آوردن رفتار و نیز آگاهی داشتن از مقام شخص مورد توهین است؛ بدین ترتیب هرگاه مرتکب در حال مستی، خواب یا تحت تأثیر هیپنوتیزم اهانت کند، یا معانی الفاظی را که به کار برده ندهد و یا از سِمَتِ شخص مورد توهین بی‌اطلاع باشد، مشمول ماده ۵۱۴ ق.م.ا تعزیرات نمی‌گردد.
  - ✓ توهین به شخص اول مملکت تحت هیچ عنوان ولو با انگیزه اصلاح امور کشور تحت هیچ شرایطی جرم سیاسی محسوب نشده و مرتکب از هیچ یک از مزایا و امتیازاتی که برای مرتکبین جرائم سیاسی در نظر گرفته شده است، بهره‌مند نخواهد شد. تفکیک فوق از نظر شکلی نیز دارای اهمیت است و توهین به رهبری و امام خمینی (ره) مستنداً به بند «ب» ماده ۳۰۳ ق.ا.د.ک در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود.
  - ✓ جرم توهین مندرج در ماده فوق در زمره جرائم غیرقابل گذشت به شمار می‌رود و برای شروع به تعقیب نیازی به شکایت شاکی خصوصی یا وزرات او نیست.
- ۲. توهین به کارکنان و مقامات دولتی ایران:** ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس با توجه به سمت، یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به ۳ تا ۶ ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.»
- ✓ از اطلاق عبارت «هر کس» در صدر ماده فوق مشخص می‌شود که مرتکبین جرم فوق صرفاً ارباب رجوع نبوده و چنانچه دو همکار نیز حین انجام کار، به یکدیگر توهین نمایند، مشمول حکم ماده فوق خواهند شد، مانند اینکه کارمند یک نهاد دولتی که به دلیل مخالفت مدیر با تقاضای مرخصی او، در حضور سایر کارمندان به او توهین نماید.
  - ✓ در صورتی که مرتکب از سِمَتِ مخاطب بی‌اطلاع باشد، با توجه به جهل موضوعی مشمول تشدید ماده فوق نخواهد شد و رفتار وی از مصادیق توهین ساده محسوب می‌شود؛ عبارت «با توجه به سمت» در صدر ماده فوق نیز بیانگر همین مطلب است. البته همان طور که در مباحث جزای عمومی گفته شد، علم مرتکب به جزئیات و امور فرعی فاقد تأثیر است و همین که مرتکب بداند طرف مقابل، یکی از کارکنان آن نهاد است برای تحقق جرم فوق کافی است، ولو آنکه از سِمَتِ دقیق وی در آن نهاد بی‌اطلاع باشد، برای مثال در فرضی که مرتکب قاضی را با یکی از ارباب رجوع اشتباه گرفته و به توهین نماید، به دلیل جهل موضوعی مشمول ماده فوق نیست و رفتار او توهین ساده محسوب می‌شود؛ اما در صورتی که از سِمَتِ وی آگاه بوده اما به گمان اینکه مستشار شعبه است نه رئیس دادگاه رفتار وی توهین مشدد محسوب می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد برای تحقق این جرم نیازی به اطلاع دقیق از سمت مخاطب نیست.
  - ✓ اشخاص و مقامات مزبور از باب حصر احصا شده‌اند و توهین به سایر مأموران مشمول تشدید فوق نخواهد شد، هرچند نوع رابطه استخدامی در این فرض تأثیری نداشته و توهین به مأموران مذکور، خواه رسمی باشند یا پیمانی، مشمول حکم مقرّر در ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود؛ ولی همان طور که بیان شد توهین به سایر مقامات و مأموران از مصادیق توهین ساده به شمار می‌رود؛ برای مثال

در فرضی که خانواده بیمار به دلیل نارضایتی از خدمات کادر بیمارستان خصوصی به پزشک و پرستاران توهین نمایند، مرتکب توهین ساده شده‌اند.

- ✓ با توجه به نکته فوق توهین به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی نیز به دلیل عدم تصریح در ماده فوق، مشمول این تشدید نشده و توهین ساده محسوب می‌شود.
- ✓ برخلاف اطلاق ماده فوق، به نظر می‌رسد رویه قضایی توهین به اشخاص فوق را تنها در صورتی مشدد می‌داند که به اعمال حاکمیت بپردازند و برای مثال توهین به مأموران شهرداری در مواردی که به اعمال تصدی‌گری می‌پردازند از مصادیق توهین ساده محسوب می‌شود. منظور از اعمال حاکمیتی اعمالی هستند که دولت از حیث برخورداری از قدرت عمومی و در راستای اعمال قدرت مزبور انجام می‌دهد، مثل اعمال انتظامی و قضایی و مانند آنها؛ ولی عمل تصدی عمل است که دولت، نه از حیث اعمال قدرت عمومی بلکه مانند سایر اشخاص انجام می‌دهد، مثل بانکداری یا اشتغال به سایر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳۸۵ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «چون کارمند دولت مسؤول انجام وظیفه است و با این اعتبار مسؤول شناخته می‌شود و ماده ۸۷ قانون تعزیرات (ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات) مرزی برای مشمولین ماده مذکور تعیین نکرده است و هر کارمند و مسؤولی باید در پرتو حمایت قانونی قرار بگیرد، علی‌هذا مسؤولین اجرایی که وظیفه آنان در ارتباط با اعمال حاکمیت است، مشمول ماده مذکور می‌باشند»
- ✓ تشدید مجازات توهین به اشخاص فوق مستلزم آن است که توهین به آنان در حال انجام وظیفه یا به سبب آن، بوده باشد.
- ✓ منظور از توهین حین انجام وظیفه، توهین به مأمور در ساعات کاری است، حتی اگر به سبب انجام وظیفه نباشد و مثلاً در فرضی که همسر کارمند که از رفتارهای او در خانه به تنگ آمده است، عمداً به محل کار او آمده و در مقابل همکاری‌اش به او توهین کند، رفتار وی نیز از مصادیق ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود؛ زیرا در حال انجام وظیفه صورت گرفته است؛ هرچند ارتباطی با وظیفه اداری کارمند نداشته باشد.
- ✓ ساعات انجام وظیفه لزوماً در محل اجرای خدمت نیست و برای مثال توهین به بازپرسی که برای انجام تحقیقات محلی از دادسرا خارج شده باشد، نیز در ساعات انجام وظیفه مشمول ماده فوق خواهد بود.
- ✓ ممکن است توهین در ساعات انجام وظیفه نبوده، اما به سبب وظیفه مأمور صورت گرفته باشد که در این حالت نیز رفتار مرتکب مشمول ماده فوق می‌باشد، مثلاً شخصی شماره تلفن قاضی را به نحوی پیدا کرده و شبانه از باب رأیی که صادر کرده است به او فحاشی نماید، در این صورت هم مرتکب مشمول ماده فوق است.
- ✓ بزه دیده در هنگام توهین باید دارای سمت‌های دولتی مذکور در ماده فوق باشد و تصدی این سمت‌ها در زمانی قبل یا بعد از توهین کفایت نمی‌کند
- ✓ بازنشستگی مأموران و مقامات مندرج در ماده فوق بعد از توهین منافاتی با تشدید مجازات مرتکب نخواهد داشت و برای مثال در فرضی که مرتکب به مأمور دولت حین خدمت یا به سبب آن توهین نموده و مأمور مذکور یک ماه بعد بازنشسته شود، رفتار مرتکب مشمول توهین مشدد موضوع ماده فوق خواهد بود.
- ✓ در مورد مجازات مذکور در این ماده، قاضی حق انتخاب یکی از سه مجازات را دارد و نمی‌تواند حکم به دو یا سه مجازات صادر نماید.
- ✓ به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات نیز همچون جرم موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات، جزء جرائم قابل گذشت دانسته شده است و لذا حداقل و حداکثر مدت حبس آن به نصف تقلیل می‌یابد (یعنی یک ماه نیم تا سه ماه می‌شود) و با توجه به درجه آن لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌گردد؛ از سوی دیگر با گذشت شاک، تعقیب یا مجازات موقوف می‌گردد.
- ✓ با توجه به بند (الف) ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ توهین به برخی از مقامات فوق، جرم سیاسی تلقی می‌شود، مشروط به آنکه با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام صورت گرفته باشد. این اشخاص با توجه به بند مذکور عبارتند از: «توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای

اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان» فایده این بحث فارغ از امتیازاتی که در قانون برای مرتکبین جرائم سیاسی در نظر گرفته شده از نظر شکلی و تعیین دادگاه صالح نیز دارای اهمیت است، چرا که به جرم توهین اصولاً در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود ولی در صورتی که جرم سیاسی محسوب شود، رسیدگی به آن در دادگاه کیفری یک و یا حضور هیأت منصفه انجام می‌گیرد.

### ۳. توهین به مقامات سیاسی خارجی: ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی

یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به ۱ تا ۳ ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود. تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.»

✓ حصول جرم فوق مستلزم آن است که یا توهین در حضور حداقل یک نفر و یا در اماکن عمومی که مهیای حضور سایر مردم است، صورت گرفته باشد و در صورتی که توهین به صورت غیرعلنی صورت گرفته باشد، مشمول ماده فوق نخواهد بود.

✓ اشخاص مورد حمایت در ماده فوق عبارت است از، رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن، به شرط آن که وارد قلمرو خاک ایران شده باشند.

✓ حصول جرم فوق مستلزم آن است که رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی وارد خاک ایران (نه قلمرو هوایی یا دریایی) شده باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی در هوایمایی که بر فراز قلمرو هوایی ایران در حال پرواز است به اشخاص مزبور توهین نماید، رفتار وی مشمول جرم توهین ساده ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ منظور از معامله متقابل آن است که مشابه این جرم و با همین میزان مجازات در قانون دولت متبوع رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی مورد پیش‌بینی قرار گرفته باشد، در غیر این صورت رفتار مرتکب مشمول جرم توهین ساده ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ منظور از رئیس کشور خارجی، شخص اول آن کشور است، که معمولاً مطابق قانون اساسی آن مشخص می‌شود. عنوان این شخص ممکن است رهبر، شاه، ملکه، رئیس جمهور، صدر اعظم، نخست وزیر یا عناوین مشابه باشد.

✓ منظور از نماینده سیاسی کشور، رئیس هیأت نمایندگی آن کشور در ایران است، که با توجه به سطح روابط آن کشور با ایران، می‌تواند، سفیر، کاردار، دبیر اول و مانند آن باشد. این عنوان ممکن است مقامات دولتی سایر کشورها را، که پیرو دعوت رسمی دولت ایران و در راستای انجام یک وظیفه دولتی به ایران سفر می‌کنند، نیز در برگیرد؛ ولی شامل مقامات سیاسی خارجی که به طور غیررسمی یا به عنوان جهانگرد به ایران سفر می‌کنند، یا ورزشکاران و هنرمندان خارجی اعزامی به ایران و نیز دیپلمات‌هایی که در سفارت آن کشور در ایران فعالیت داشته ولی رئیس هیأت نمایندگی آن کشور محسوب نمی‌شوند، نمی‌گردد.

✓ مطابق تبصره ماده فوق اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد، البته به نظر می‌رسد برخلاف باور برخی، تبصره فوق را باید به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا منسوخ دانست. همچنین این نظر به ویژه با استناد به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قابل گذشت محسوب نمودن جرم توهین به مأموران دولت موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات، تقویت می‌شود، چرا که قانونگذار برخلاف قابل گذشت دانستن این جرم، کماکان، به قابل گذشت نبودن جرائم موضوع مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات اشاره ننموده است.

✓ در صورت جهل موضوعی نسبت به عنصر موضوع جرم که همان رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی بودن بزه‌دیده است، چون موضوع جرم در این جرم از جهات تشدید محسوب می‌شود، حصول جرم مشمول جهات تشدید نخواهد بود؛ بنابراین در فرضی که شخص بدون اطلاع از سمت رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی به او توهین کند، رفتار مرتکب مشمول جرم توهین ساده ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ پیش‌بینی مجازات حبس برای جرم فوق نشان‌دهنده موضع سخت‌گیرانه قانونگذار در مقایسه به جرم توهین ساده است؛ اما نکته مهم و البته جالب این است که در حال حاضر با توجه به ماده ۶۵ ق.م.ا و الزام دادگاه به صدور حکم به جایگزین‌های حبس در جرائم به مجازات‌های قانونی تا ۳ ماه حبس، در عمل از این موضع سخت‌گیرانه فاصله گرفته شده و برای توهین عادی مجازات سنگین‌تری در

نظر گرفته شده است؛ به عبارت دیگر اگر جرم ماده فوق محقق شود مرتکب تنها به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شود و در صورت تحقق جرم موضوع ماده ۶۰۸ یعنی توهین ساده، مرتکب به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد.

✓ قانونگذار در بند (ب) ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۸۵ توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی را تحت شرایط جرم سیاسی دانسته است؛ مشروط بر آنکه اولاً جرم با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون قصد ضربه زدن به نظام ارتکاب یافته و ثانیاً شرایط مقرر در ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات (مانند علنی بودن و معامله متقابل) رعایت شده باشد؛ اما نکته مهم این است که برای سیاسی محسوب شدن جرم فوق نیازی به ورود رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی به خاک ایران نیست (برخلاف ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات) و همین که رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی وارد قلمرو ایران شده باشد، با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون رفتار مرتکب جرم سیاسی محسوب می‌شود.

۴. **توهین به صاحبان حرفه‌ها و مشاغل خاص:** گاه در قوانین مختلف، توهین به صاحبان حرفه‌ها و مشاغل خاص جرم‌انگاری شده است. برای مثال:

- ماده ۲۰ لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری ۱۳۳۳: «هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از ۱۵ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد گردید.»
- ماده ۲۰ لایحه قانونی استقلال قانون کارشناسان رسمی ۱۳۵۸: «هر کس در حین انجام وظیفه کارشناسی رسمی یا به سبب آن نسبت به کارشناس رسمی دادگستری توهین نماید به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد شد.»
- ماده ۴۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲: «هر نظامی در حین خدمت به نحوی به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی اهانت نماید به حبس از ۲ ماه تا ۱ سال محکوم می‌گردد. مگر آن که اهانت او مصداق کذب باشد که به مجازات آن محکوم می‌شود.»
- ماده ۴۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲: «هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود اهانت نماید به حبس از ۲ ماه تا ۱ سال محکوم می‌گردد.»
- ماده ۴۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲: «هر یک از فرماندهان و مسؤولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت و یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آئین‌نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از ۲ ماه تا ۱ سال محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزائی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌گردد.»

• **تشدید مجازات توهین از جهت جنسیت یا سن بزه‌دیده:** ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق عبارت است از: «تعرض، مزاحمت یا توهین مغایر با شوون و حیثیت اطفال یا زنان در اماکن عمومی یا معابر»  
✓ از اطلاق عبارت «هرکس» در صدر ماده فوق چنین برمی‌آید که مرتکبین این جرم می‌توانند از محارم بزه‌دیده باشند. البته به عقیده برخی جرم فوق از سوی محارم قابل ارتکاب نیست، همچنان که اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۱۵۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۰ حکم مقرر در ماده ۶۱۹ ق.م.ا تعزیرات را صرفاً ناظر بر افراد نامحرم دانسته است.

✓ منظور از «اماکن عمومی» کلیه اماکنی است که رفت و آمد یا حضور اشخاص در آنجا برای مردم یا طبقات خاصی از مردم آزاد باشد، مثل دانشگاه، سینما، بیمارستان، و مانند آنها می‌باشد. بدین ترتیب، صرف حضور شاهد باعث نمی‌شود که یک مکان خصوصی، مثلاً منزل شخصی جزء اماکن عمومی محسوب شود. از سوی دیگر صرف عدم حضور شاهد باعث نمی‌شود که یک معبر یا مکان عمومی، این ویژگی را از دست بدهد.

- ✓ منظور از «معابر» محل‌های رفت و آمد داخل یا خارج شهر، مثل کوچه و بازار و بیابان و خیابان است.
- ✓ حصول جرم فوق منوط به ارتکاب رفتارهای تعزّض، مزاحمت یا توهین در امکان عمومی یا معابر است؛ بنابراین در فرضی که شخصی در مهمانی خصوصی با رفتارهای غیرمعمول برای یکی از بانوان حاضر در مهمانی ایجاد مزاحمت نماید، مشمول ماده فوق نخواهد بود.
- ✓ منظور از «تعزّض» دست‌درازی و ایجاد مزاحمت جسمانی است.
- ✓ منظور از «اطفال» کودکانی هستند که بر اساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی به سن بلوغ شرعی نرسیده‌اند؛ ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران.
- ✓ اگر بزه‌دیده جرم فوق دختر بچه باشد، نمی‌توان رفتار مرتکب را هم به جهت طفل بودن و هم به جهت دختر بودن مشمول مقررات تعدّد جرم دانست.
- ✓ شرط حصول جرم فوق آن است که توهین مغایر با شوون و حیثیت بزه‌دیده جرم باشد؛ بنابراین توهین به یک روسپی خیابانی مشمول ماده فوق نمی‌شود و ممکن است در صورت وجود شرایط آن، مشمول توهین ساده موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات، یا به دلیل جریحه‌دار کردن عقّت عمومی، مشمول قسمت اخیر ماده ۶۳۸ ق.م.ا تعزیرات گردد.
- ✓ بری مشمول ماده ۶۱۹ ق.م.ا تعزیرات، به کار بردن هیچ لفظی ضرورت ندارد.
- ✓ از دیگر موارد حمایت قانونگذار از اطفال و زنان در بند «ت» ماده ۲۳۷ ق.ا.د.ک به وضوح دیده می‌شود به موجب این مقرره، یکی از مواردی که صدور قرار بازداشت موقت در آن جایز دانسته شده ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال است؛ در حالی که در مورد ایجاد مزاحمت برای دیگر اشخاص (مردان) صدور قرار فوق در صورتی جایز است که مرتکب همراه با قدرت‌نمایی یا ایجاد مزاحمت از چاقو یا سایر سلاح‌ها استفاده نموده باشد.
- ✓ جرم فوق، جرمی مطلق است و برای حصول آن نیازی به نتایجی مانند اختلال در نظم و آسایش عمومی یا ممانعت مردم از کسب و کار خود نیست..
- ✓ در رابطه با مجازات جرم فوق باید یادآور شد که اولاً گذشت شاکی خصوصی نهایتاً از جهات تخفیف قضایی یا اختیاری محسوب می‌شود؛ چرا که این جرم با توجه به عدم تصریح در ماده ۱۰۴ ق.م.ا غیرقابل گذشت محسوب می‌شود؛ ثانیاً مجازات حبس در ماده فوق به صراحت ماده ۶۶ ق.م.ا لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود؛ مگر آن که مرتکب سابقه یکی از محکومیت‌های قطعی در ماده ۶۶ ق.م.ا را داشته و از اجرای آن بیش از پنج سال نگذشته باشد؛ ثالثاً تعلیق اجرای مجازات این جرم بلامانع است.
- **تشدید مجازات از جهت قداست مخاطب توهین:** ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به مقدّسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سبّ‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.»
- ✓ منظور از مقدّسات اسلام:
  ۱. خدا
  ۲. قرآن کریم
  ۳. چهارده معصوم (ع)، یعنی دوازده امام (ع) و پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س)
  ۴. انبیاء عظام، یعنی همه پیامبران (۱۲۴ هزار پیامبر)
  ۵. مکان‌های مقدّس، مانند کعبه یا حرم پیامبر (ص) و امامان (ع) و اشخاص قابل احترام در اسلام
  ۶. شخصیت‌های اسلامی، مانند حضرت ابوالفضل عباس (ع)، حضرت علی اکبر (ع)، حضرت حمزه (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت خدیجه (س)

- ✓ همان طور که از ماده ۵۱۳ ق.م.ا تعزیرات ملاحظه می‌شود حمایت قانونگذار از مقدّسات ادیان دیگر مشروط به این است که مقدّسات سایر ادیان جزء مقدّسات اسلام نیز باشند، در صورت توهین به مقدّسات سایر ادیان مشمول ماده فوق است، مانند توهین به حضرت مریم (س) یا هاجر (س)؛ بنابراین هرگاه کسی در روز یکشنبه در مقابل کلیسای ارامنه، انجیل، کتاب مقدّس مسیحیان را در مقابل چشمان معتقدان به آن دین به آتش خشم و کین بسوزاند، مطابق ماده فوق قابل مجازات نخواهد بود؛ زیرا انجیل فعلی از دیدگاه مسلمانان کتابی تحریف شده می‌باشد و به عنوان یک کتاب آسمانی نمی‌باشد.
- ✓ توهین به مقدّسات با ترک فعل محقق نمی‌شود، مثل اینکه کسی از صلوات فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در هنگام شنیدن نام ایشان خودداری نماید، هر چند که قصد وی از این ترک فعل توهین هم باشد.
- ✓ اهانت و توهین می‌تواند، علاوه بر گفتار، با فعل و کتابت یا حتی با اشاره هم (به شرط صراحت) صورت گیرد، مثل اینکه کسی در روز عاشورا به قصد اهانت با لباس قرمز در معابر و اماکن عمومی به شادی و هلهله کردن بپردازد.
- ✓ شرط حصول جرم فوق، عمد در توهین است که مستلزم علم مرتکب نسبت به توهین‌آمیز بودن رفتارش می‌باشد.
- ✓ جرم فوق، جرمی مطلق است و صرف توهین حاصل می‌شود؛ بنابراین حصول جرم فوق مستلزم قصد خاصی مثل قصد جریحه‌دار کردن احساسات عمومی، یا بدبین کردن مردم نسبت به مبانی دین یا بر هم زدن نظم عمومی یا مقابله با نظام اسلامی و مانند اینها نیست.
- \* **توهین به ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرّح در قانون اساسی:** قانونگذار در سال ۱۳۹۹، با تصویب «قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» برای اهانت به ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرّح در قانون اساسی مجازات تعیین کرده است. مطابق ماده ۱ قانون مذکور، ماده ۴۹۹ مکرّر به قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات اضافه شد، مطابق این ماده: «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرّح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه ۵ یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه ۶ یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.» مطابق تبصره ۲ ماده فوق: «چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود.»
- ✓ فلسفه وضع ماده فوق، جرم‌انگاری اهانت و مذاهب قانونی و اقوام در کشور با توجه به شیوع آن بالاخص از سوی افراد و گروه‌های معاند نظام است، چرا که تا پیش از این صرفاً توهین به مقدّسات اسلام یا توهین به شخص حقیقی خاص (نه اقوام و ادیان) جرم قلمداد می‌شد، ولیکن با وضع این ماده توهین به اقوام نیز جرم دانسته شده و با توجه به حساسیت موضوع، مجازات شدیدتری در مقایسه با توهین عادی برای آن در نظر گرفته شده است، از سوی دیگر جرم فوق بر خلاف موضوع مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، در زمره جرائم غیرقابل گذشت می‌باشد و برای شروع به تعقیب در آن نیازی به شکایت بزه‌دیده نیست.
- ✓ استناد به ماده فوق ناظر بر فرضی است که اولاً توهین به ادیان مشمول سب نبی نباشد و ثانیاً از مصادیق قذف قلمداد نشود، وگرنه مرتکب به مجازات حدّی مقرر در قانون محکوم خواهد شد.
- ✓ با توجه به اصل سیزدهم قانون اساسی ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون عبارتند از: مسیحی، کلیمی، و زردشتی.
- ✓ مطابق ماده واحد قانون استفساریه مقرر در تبصره (۱) ماده فوق: «از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق به شمار می‌رود و اینکه رفتار مرتکب موجب تنش یا خشونت شود، تأثیری در اصل جرم نداشته و تحقق تنش یا خشونت صرفاً موجب تشدید مجازات مرتکب می‌شود؛ بدین ترتیب به نظر می‌رسد منظور از «قصد خشونت یا تنش» در صدر ماده، انگیزه خاص مرتکب باشد، نه سوءنیت خاص.

- ✓ تشدید مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده فوق برای کلیه اعضای گروه مجرمانه است و مجازات سردسته با استناد به ماده ۱۳۰ ق.م.ا حداکثر شدیدترین جرمی است که اعضای گروه (با وصف تشدید) مرتکب شده‌اند.
- ✓ برای حصول جرم فوق وسیله فاقد موضوعیت است و توهین به هر طریقی خواه به طور لفظی، کتبی و ... صورت پذیرد، مشمول ماده فوق خواهد بود، ولیکن چنانچه «از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی مجازی» موجب تشدید مجازات مرتکب تا یک درجه خواهد بود.
- **تشدید مجازات توهین از جهت نحوه ارتکاب:** ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از ۱ تا ۶ ماه محکوم می‌شود.»
- ✓ هجو عبارت است از اینکه شخص توهین‌کننده، با مرتبط کردن کلمات و عبارات با یکدیگر، شخص مقابل را در قالب یک قطعه منظوم (شعر) یا منشور مورد اهانت قرار دهد، که از نظر لغت به معنی بدگویی کردن و برشمردن معایب کسی می‌باشد. دلیل تشدید مجازات در چنین مواردی آن است که این گونه توهین‌ها، به دلیل اینکه در قالب زیبایی بیان شده معمولاً در اذهان مردم ماندگارتر هستند. بدین ترتیب، برخی از هجویه‌هایی که شعرا و حتی مردم عادی علیه بزرگان و صاحبان قدرت، و به ویژه پادشاهان، در طول تاریخ سروده‌اند، گاه قرن‌ها بر زبان مردم جاری بوده است. نمونه بارز هجویه، مثنوی عارف‌نامه از ایرج میرزا در هجو عارف قزوینی است که الفاظ موهن شاعر به دلیل زبان چالاک او در سرایش این مثنوی هنوز در ذهن مردم ماندگار است.
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق عبارت است از: «هجو با نظم یا نثر به صورت کتبی یا شفاهی یا انتشار هجویه»
- ✓ حصول جرم فوق منوط به آن است که توهین به دیگری در قالب نظم یا نثر باشد و شامل مواردی مانند کشیدن کاریکاتور، نقاشی و ... نمی‌شود و رفتار مرتکب در این موارد مشمول سایر مصادیق توهین محسوب می‌شود.
- ✓ انتشار هجویه ممکن است از طریق پخش اطلاعیه چاپی یا خطی، چاپ در نشریات، پخش در تلویزیون و یا به وسیله انتشار نوار صوتی یا تصویری یا انتشار از طریق فضای مجازی مانند اینستاگرام، تلگرام یا واتساپ شکل گیرد.
- ✓ برای حصول جرم فوق نیازی به کتبی بودن یا انتشار شعر یا نثر نیست و در بسیاری از موارد شخصی در مجلسی فی‌البداهه شعری سروده و برای اذیت و آزار مخاطب آن را در حضور وی یا سایرین می‌خواند و همان گونه که در متن ماده نیز آمده است؛ ممکن است مرتکب: «کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید»
- ✓ هجو به عنوان یکی از مصادیق توهین، جرمی مطلق است و برای حصول آن نیازی به نتیجه خاصی مانند اذیت و آزار بزه‌دیده نیست.
- ✓ به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم هجو قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم هجو ۱۵ روز تا ۳ ماه حبس می‌باشد؛ اما این مجازات هم لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌شود.
- ✓ با توجه به آن که جرم فوق در حال حاضر در زمره تعزیرات درجه هشت محسوب می‌شود، پرونده اتهامی مستند به ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود و رأی دادگاه نیز با لحاظ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است.
- **تشدید مجازات توهین از جهت وسیله ارتکاب**
  ۱. **توهین از طریق مطبوعات:** گاه مطبوعات به عنوان وسیله‌ای برای توهین به اشخاص، اعم از مسؤولان دولتی و افراد عادی، استفاده می‌شود؛ مطبوعات به موجب ماده ۱ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند» به موجب تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱ طبق قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹، «کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است»؛ بنابراین مطالبی که یک روزنامه هر روز عیناً در

سایت خود منتشر می‌سازد، جزء مطبوعات محسوب می‌شود. البته در تمام این موارد - خواه الکترونیکی و غیر آن - فعالیت نشریه مستلزم اخذ مجوز از هیأت نظارت بر مطبوعات بوده و نشریاتی که بدون مجوز فعالیت می‌کنند، مشمول قانون مطبوعات نخواهند بود. در قانون مطبوعات اعمالی مانند اهانت به دین اسلام و مقدّسات آن، اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید، افترا به مقامات و مردم و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی، توهین به شخص متوفی که عرفاً هتّاکی به بازماندگان وی به حساب آید، انتشار مطالب مشتمل بر تهمت، فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص جرم‌انگاری شده است.

\* **مسئولیت کیفری جرائم ارتكابی از طریق مطبوعات:** به استناد ماده ۱۴۲ ق.م.ا: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد ...» گاهی با وجود آن که شخص ثالث در ارتكاب جرم هیچ نقشی نداشته است؛ ولی به حکم قانون مسؤول شناخته می‌شود و به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود. در این موارد مسئولیت شخص ثالث مفروض است و تقصیر یا عدم تقصیر او فاقد تأثیر است؛ برای مثال مطابق تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات ۱۳۷۹: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسؤول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتكاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.» همچنین مطابق ماده ۲۷ قانون فوق: «هر گاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد. تبصره - رسیدگی به جرائم موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.» همچنین مطابق ماده ۳۰ قانون فوق: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسؤول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد، و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد»

۲. **توهین از طریق رایانه:** گاه ممکن است فیلم، صوت یا تصویر دیگری به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، تغییر داده شده یا تخریب گشته و منتشر شود، یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار کسی بدون رضایت او منتشر گردد. این گونه موارد هرگاه عرفاً موجب هتک حیثیت شخص شود، مرتکب به موجب مواد ۱۶ و ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای به مجازات‌های مقرر در این مواد محکوم خواهد شد.

۳. **توهین از طریق صدا و سیما:** مطابق ماده ۳۰ قانون اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و دو تبصره آن که در سال ۱۳۸۸ به اساسنامه سازمان الحاق شد، چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان صدا و سیما مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص حقیقی یا حقوقی وجود داشته باشد، وی حق اعتراض دارد که باید پاسخ در همان برنامه و ساعت و شبکه به صورت رایگان پخش شود. در صورت عدم پخش، حق شکایت ابتدا به شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما و پس از آن به دادگاه برای معترض وجود دارد.

جرم توهین ساده		
هرگونه رفتار توهین‌آمیز نسبت به فرد معین در حضور وی یا دیگران توهین جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عنصر قانونی	ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	هرگونه رفتار توهین‌آمیز نسبت به فرد معین در حضور وی یا دیگران
	شرایط و اوضاع و احوال	۱- موهن بودن رفتار، ۲- وجود مخاطب معین، ۳- حقیقی بودن شخص مخاطب ۴- زنده بودن مخاطب، ۵- حضوری یا علنی بودن توهین، ۶- صریح بودن توهین ۷- (عدم لزوم) ارتجالی بودن توهین
عنصر روانی	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد هرگونه رفتار توهین‌آمیز
	سوء نیت خاص	—
مجازات	شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی	

## جرم افترا

افترا به معنی بُهتان، تهمت زدن و به دروغ کارهای ناروا را به کسی نسبت دادن می‌باشد. در بسیاری از موارد رفتار فردی به دیگری بدون آن که توهین محسوب شود، ارتکاب عنوان مجرمانه‌ای را صراحتاً به وی نسبت می‌دهد؛ برای مثال به فردی به دیگری بگوید: کلاهبردار، دزد، کلاش.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم افترا

#### عنصر قانونی جرم افترا

ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به ۱ ماه تا ۱ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد (مجازات این ماده به موجب بند «ج» ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تعدیل شده است و اکنون مجازات جرم افترا) شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.»

#### عنصر مادی جرم افترا

✓ رفتار مجرمانه جرم افترا عبارت است از: «انتساب عنوان مجرمانه به دیگری به طور صریح و ناتوانی مرتکب از اثبات صحت انتساب»

#### • شرایط حصول جرم افترا:

۱. **انتساب جرم:** با توجه به ماده فوق حصول افترا منوط به انتساب رفتاری است که مطابق قانون، آن رفتار جرم محسوب می‌شود، با توجه به اطلاق لفظ جرم در این ماده به نظر می‌رسد که حتی نسبت دادن جرائم کم‌اهمیت و غیرعمدی هم مشمول جرم افترا خواهد شد.
- ✓ نسبت دادن رفتارهایی که قانوناً جرم محسوب نمی‌شوند، بلکه خلاف شرع یا شأن یا حتی مستوجب تعقیب انتظامی یا اداری باشد، افترا محسوب نمی‌شود؛ مثل اینکه کسی به دیگری نسبت دروغ‌گویی، روزه‌خواری، بی‌تقوایی، بی‌سوادی، بداخلاقی، بی‌عدالتی و مانند این‌ها بدهد.

- ✓ انتساب دیگری به رفتاری که قبلاً جرم بوده است و اکنون نسخ شده است، افترا محسوب نمی‌شود.
- ✓ انتساب دیگری به رفتاری که الان جرم است و بعداً نسخ شود، افترا محسوب می‌شود؛ زیرا املاک حصول افترا، زمان انتساب عمل به دیگری است و همین که آن رفتار در زمان انتساب، دارای عنوان مجرمانه باشد، برای حصول افترا کفایت می‌کند؛ ولو آن که بعداً به دلیل عفو عام یا نسخ، عنوان مجرمانه آن رفتار زائل شود.
۲. **به دیگری:** با توجه به نوع مجازات‌های پیش‌بینی شده در ماده ۶۹۷ برای مرتکب جرم افترا (یعنی حبس و شلاق) مرتکب جرم افترا فقط اشخاص حقیقی می‌باشند و نمی‌توان اشخاص حقوقی مثل شرکت‌ها، مؤسسات دولت و مانند آنها را بر اساس ماده ۶۹۷ ق.م.ا تعزیرات به عنوان مرتکب جرم افترا محکوم نمود؛ مگر آن که شرایط مذکور در ماده ۱۴۳ ق.م.ا محقق گردد، یعنی «نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود.»
- ✓ با توجه به استفاده از واژه «کسی» در ماده ۶۹۷ ق.م.ا تعزیرات، بزه‌دیده جرم افترا، فقط اشخاص حقیقی می‌باشند؛ همچنین مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹/۱۲۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۹/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه: «اصولاً بزه‌کار دانستن اشخاص حقوقی و تعیین مسؤلیت کیفری برای آنان مطابق مواد ۲۰ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متضمن قابلیت بزه‌دیده شناختن اشخاص مذکور نیست. در جرائم مربوط به «هتک حرمت» هر جا امکان بزه‌دیده واقع شدن اشخاص حقوقی وجود داشته است؛ نظیر بزه اظهار اکاذیب موضوع مواد ۶۹۸ و ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، قانون گذار به این امر تصریح کرده است. بنابراین در جرائمی نظیر افترا موضوع ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و یا افترا خاص (قذف) موضوع ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بزه‌دیده واقع شدن اشخاص حقوقی منتفی است» برای مثال در فرضی که مدیرعامل یک شرکت تجاری، برای شکست شرکت رقیب، در یک نشست عمومی، آن شرکت را به کلاهبرداری متهم نماید و با این رفتار موجب سلب اعتماد از شرکت شود، رفتار وی افترا محسوب نمی‌شود.
- ✓ افترا مانند توهین نسبت به انسان زنده قابل ارتکاب می‌باشد؛ بنابراین در صورتی که شخصی، به مرده‌ای دزد بگوید، مرتکب جرم افترا نشده است.
- ✓ در صورتی که ارتکاب جرم مورد استناد از سوی فرد مورد اتهام، غیرممکن باشد، مرتکب را حتی در صورت چهل به این موضوع نمی‌توان مرتکب جرم افترا دانست؛ بنابراین کسی که نمی‌داند جرائم ارتشاء و اختلاس در قانون ایران فقط از سوی کارکنان دولت قابل ارتکاب است و یک وکیل را به ارتکاب یکی از این دو جرم متهم کند، مرتکب جرم افترا نشده است، ولی ممکن است به جرم توهین محکوم شود.
۳. **صراحت انتساب:** برای حصول افترا صراحت در کلام ضروری بوده و همان طور که در ماده ۶۹۷ ق.م.ا تعزیرات نیز آمده است، مرتکب باید عنوان مجرمانه «را صریحاً (به دیگری) نسبت دهد»، وگرنه رفتار او افترا محسوب نمی‌شود.
- ✓ منظور از صراحت کلام آن است که مرتکب به طور صریح عنوان مجرمانه‌ای را به دیگری نسبت دهد و استفاده از الفاظ کلی و مبهم مانند، مجرم، جانی، بزه‌کار و ... برای حصول افترا کفایت نمی‌کند؛ زیرا فرد در این مثال‌ها، جرم مشخصی را به طرف مقابل نسبت نداده است و بیان الفاظ کلی از این قبیل را نهایتاً می‌توان توهین دانست.
- ✓ ضرورت انتساب جرم به دیگری به معنای بیان دقیق جزئیات یا مصادیق آن جرم نیست. برای مثال همین که شخصی با علم به بی‌گناهی دیگری، به او سارق بگوید، مرتکب جرم افترا شده است و لازم نیست که بگوید کدام مال را ربوده یا سرقت او حدی بوده یا تعزیری.
- ✓ در بعضی موارد حتی استفاده از عناوین مجرمانه‌ای مانند دزد، کلاهبردار، آدم‌کش و ... که امروز در دعوای لفظی میان مردم رواج دارد، ممکن است توهین محسوب شود، نه افترا؛ یعنی چنانچه در این موارد شخص صرفاً از باب توهین به طرف مقابل و نه از باب انتساب آن رفتار و مجرم نشان دادن وی، از این عناوین استفاده نموده باشد، رفتار وی را نمی‌توان افترا محسوب نمود؛ مانند شخصی که برای نشان دادن قساوت قلب دیگری و صرفاً از سر خشم و با قصد توهین به او قاتل بگوید.
- ✓ در افترا مانند توهین، ارتجالی یا ابتدایی بودن افترا، شرط حصول افترا محسوب نمی‌شود و اگر شخص در پاسخ به افترای دیگری عنوان مجرمانه‌ای را به او منتسب کند، نفر دوم نیز مرتکب جرم افترا شده است و نهایتاً می‌توان به دلیل رفتار تحریک‌آمیز دیگری در مجازات او

تخفیف داد؛ مثلاً در پاسخ به انتساب دزد، به دیگری بگوید: دزد خودتی و هفت جد آبادت؛ اما با توجه به اینکه افترا جرمی قابل گذشت است، در صورتی که هر دو نفر نسبت به یکدیگر مرتکب جرم افترا شوند، می‌توانند با گذشت یکدیگر از مجازات جرم افترا معاف شوند.

۴. **ناتوانی مرتکب از اثبات صحت انتساب:** هرگاه متهم بتواند درستی نظر خود را در مورد ارتکاب جرم از سوی شخص مورد اتهام به اثبات برساند، وی به عنوان مرتکب جرم افترا قابل مجازات نخواهد بود. در مورد این نکته که عدم اجرای مجازات افترا نسبت به مرتکب منوط به اثبات صحت انتساب از سوی او می‌باشد، ممکن است این ایراد به ذهن برسد که با توجه به متهم بودن وی، با اِعمال اصل برائت، طرف مقابل (یعنی شاکی) را موظف به اثبات تقصیر متهم؛ یعنی اثبات عدم صحت انتساب بدانیم. در پاسخ باید گفت که اساساً اثبات، مربوط به امور وجودی است و نه عدمی. در اینجا، چون اتهام وارده به طرف مقابل مبتنی بر یک اتهام قبلی وارد شده از سوی او در مورد ارتکاب جرم از سوی شخص مورد افترا می‌باشد، که در آن طبعاً اصل برائت جاری است؛ بنابراین اثبات صحت انتساب بر عهده مرتکب جرم افترا گذاشته می‌شود.

✓ قانونگذار در تبصره ماده ۶۹۷ ق.م.ا تعزیرات یک فرض استثنایی را مورد پیش‌بینی قرار داده است که با توجه به آن حتی اگر مرتکب بتواند صحت انتساب خود را اثبات نماید، همچنان به مجازات جرم افترا محکوم خواهد شد؛ مطابق تبصره ماده فوق: «در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد» در رابطه با اینکه کدام دسته از جرائم، موجب اشاعه فحشا می‌گردد، نظرات گوناگونی ارائه شده است:

– مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی: برای اجتناب از ورود خدشه به حیثیت افراد، واژه فحشا را باید شامل کلیه گناهان و منکرات بزرگ دانست که نباید با اشاعه آنها، قبح آنها در جامعه و اذهان مردم ریخته شود.

– مطابق نظر دکتر ملاکریمی: با توجه به تفسیر مضیق قوانین جزایی و استثنایی بودن حکم تبصره فوق و معنای لغوی واژه فحشا، که به معنی گناه بزرگ و کار بسیار زشت و نوعاً به زنا و گاه به جرائم جنسی دیگر اطلاق می‌شود؛ حکم تبصره فوق فقط شامل، جرائم جنسی می‌شود؛ بنابراین در فرضی که شخصی به زنی نسبت مساحقه بدهد، حتی در صورت اثبات ادعای خود، نیز به مجازات افترا محکوم خواهد شد.

✓ از مهم‌ترین تفاوت‌های بین افترا و توهین، این است که در توهین، اثبات صحت آنچه به طرف مقابل انتساب شده است، موجب عدم اجرای مجازات توهین نسبت به مرتکب نخواهد بود؛ بنابراین کسی که دیگری را احق، کودن یا نادان خطاب کند، نمی‌تواند با استناد به بهره هوشی پایین طرف مقابل، از مسؤلیت کیفری ناشی از توهین بگریزد.

✓ صرف عدم امکان توجه توهین به طرف مقابل (برخلاف آنچه که در مورد افترا در مورد جرم نبودن عمل انتسابی بیان کردیم) سبب سلب مسؤلیت کیفری مرتکب جرم توهین نمی‌شود؛ بنابراین اگر کسی به شخصی محترمی که همسر ندارد در میان یک جمع با دادن فحش رکیکی به همسر او، به مجازات جرم توهین کیفری محکوم خواهد شد.

✓ در صورتی که متهم علی‌رغم ناتوانی از اثبات جرم انتسابی، بتواند جرم دیگری را از سوی طرف مقابل به اثبات برساند، به مجازات جرم افترا محکوم خواهد شد؛ زیرا ملاک برای عدم حصول جرم افترا، اثبات صحت جرم انتسابی است و در صورتی ناتوانی اثبات آن جرم، حتی اگر بتواند چندین جرم دیگر را هم از سوی طرف مقابل به اثبات برساند، همچنان رفتار وی افترا محسوب می‌شود؛ برای مثال در فرضی که شخصی با علم به عدم ارتکاب جرم سرقت، به وی سارق بگوید و نتواند ادعای خود را به اثبات برساند، به مجازات جرم افترا محکوم خواهد شد؛ هرچند بتواند اثبات کند که طرف مقابل مرتکب جرم کلاهبرداری شده است؛ زیرا آنچه مهم است اثبات صحت جرم انتسابی است، نه اثبات هر جرم دیگری.

در مورد جرم افترا نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ در افترا همانند توهین، وسیله ارتکاب جرم فاقد اهمیت است و عبارت «با هر وسیله دیگر» در ماده ۶۹۷ ق.م.ا. تعزیرات نیز مؤید این نکته است؛ مانند انتساب عنوان مجرمانه به دیگری از طریق ارسال پیامک، ایمیل، فضای مجازی، موجب حصول جرم افترا است. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۸۵۲۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۷ اداره حقوقی قوه قضاییه: «اگر به وسیله اینترنت یا مشابه آن هم جرمی به کسی نسبت داده شود و نسبت‌دهنده نتواند صحت آن انتساب و اسناد را ثابت نماید مورد مشمول ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) خواهد بود» حتی شاید بتوان گفت افترا می‌تواند از طریق ارسال نامه به دیگران، مثلاً مسؤولان و مأموران دولتی و قضایی انجام گیرد.
- ✓ علی‌رغم به کار بردن واژه‌های جمع «اوراق» و «مجامع» در ماده ۶۹۷ ق.م.ا. تعزیرات متعدد بودن اوراق منتشره یا مجامعی که مرتکب در آنها نطق کرده است شرط لازم برای حصول جرم نمی‌باشد؛ بلکه همان طور که دادگاه عالی انتظامی قضات در یکی از آرای خود اظهار داشته است، «یک ورقه هم می‌تواند وسیله جرم باشد، چه منظور قانونگذار نوع وسیله مورد نظر بوده است نه تعداد آن»
- ✓ به نظر می‌رسد در ماده فوق، افترای شفاهی مورد پذیرش قرار گرفته است.
- ✓ برخلاف هتک حیثیت و نشر اکاذیب رایانه‌ای، در حقوق ایران جرمی تحت عنوان افترای رایانه‌ای وجود ندارد و در صورتی که شخص عنوان مجرمانه‌ای را از طریق رایانه مثلاً فضای مجازی به دیگری نسبت دهد، افترا از طریق رایانه محسوب شده و مرتکب به مجازات مقرّر در ماده ۶۹۷ ق.م.ا. تعزیرات محکوم خواهد شد.
- ✓ برای حصول جرم افترا همانند توهین، حضوری بودن تأثیری در اصل جرم نداشته و در مواردی که در غیاب فرد هم جرمی به او نسبت داده شود، مشمول افترا خواهد بود؛ مثلاً از طریق یک مقاله در مطبوعات یا در میان یک جمع.

### عنصر روانی جرم افترا

- ✓ افترا چون جرمی عمدی است باید علم و عمد مرتکب در آن احراز شود.
- ✓ منظور از علم مرتکب، آگاهی مرتکب از بی‌گناهی طرف مقابل و همچنین مجرمانه بودن رفتاری است که به طرف مقابل نسبت می‌دهد.
- ✓ منظور از عمد مرتکب قصد ارتکاب رفتار مجرمانه یا همان سوءنیت عام می‌باشد که در تمام جرائم عمدی باید احراز شود؛ در جرم افترا مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عمد باشد؛ یعنی عمد در انتساب عنوان مجرمانه به دیگری داشته باشد؛ بنابراین در مواردی که شخص برای حفظ حقوق خود، به ناچار اقدام به طرح شکایت از دیگری نماید، با اثبات بی‌گناهی طرف مقابل، امکان طرح شکایت از سوی او مبنی بر اتهام افترا وجود ندارد؛ زیرا طرح شکایت توسط نفر اول از روی سوءنیت نبوده؛ بلکه برای احقاق حقوق خود بوده و به دلیل عدم ارائه دلایل کافی به نتیجه نرسیده است. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۴۹ مورخ ۱۳۶۴/۶/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه: «اگر شاکی در مقام احقاق حق و رفع ظلم از خود علیه کسی شکایت کند و عملی یا امری را صریحاً به او نسبت دهد که قانوناً جرم است، ولی نتواند صحت این اسناد را به اثبات برساند به عنوان مُفتری (مرتکب جرم افترا) قابل تعقیب و مجازات نیست؛ زیرا در جرم افترا نیز، مثل سایر جرائم عمدی، از جمله عناصر متشکله آن سوءنیت یا عنصر معنوی است و در اعلام شاکی ستم‌دیده، عنصر معنوی جرم افترا وجود ندارد و فقط نتوانسته است دلیل محکمه‌پسند به مقامات قضایی ارائه کند؛ به علاوه، مفتری لغتاً و اصطلاحاً به کسی اطلاق می‌گردد که با دروغ و صحنه‌سازی و به منظور هتک حرمت و حیثیت دیگری نسبت خلاف واقع به او بدهد؛ مضافاً شاکی و متضرر از ستم شرعاً و قانوناً شخصاً مجاز به انتقام شخصی نیست و راهی جز اعلام شکایت به مراجع صالحه نخواهد داشت، و از طرف دیگر، به دور از عدالت است که به جای رفع ظلم، شاکی را به عنوان مفتری کیفر دهیم و از ظالم و مجرم حمایت کنیم»
- ✓ جرم افترا مندرج در ماده ۶۹۷ ق.م.ا. تعزیرات جرمی مطلق است و صرف انتساب عنوان مجرمانه به دیگری افترا حاصل می‌شود و برای حصول آن نیاز به حصول نتیجه یا سوءنیت خاص نیست.
- ✓ مجازات جرم افترا با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ و به موجب بند «ج» ماده این قانون از ۱ ماه تا ۱ سال حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق به «جزای نقدی درجه شش» تبدیل شده است؛ همچنین با استناد به ماده ۱۰۴ ق.م.ا. اصلاحی به موجب

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم افترا قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد.

✓ افترا از طریق مطبوعات، مطابق ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ (اصلاحی ۱۳۷۹): «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسؤول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد، و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.»

### جرائم در حکم افترا

✓ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.»

✓ ماده ۲۷ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶: «هر گاه شخصی، دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح، تعمداً و به خلاف واقع متهم به یکی از جرائم موضوع این قانون نماید به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد» با توجه به اصل غیر قابل گذشت بودن جرائم و عدم تصریح قانونگذار بر قابل گذشت بودن جرم فوق، جرم فوق غیرقابل گذشت می‌باشد.

جرم افترا		
انتساب عنوان مجرمانه به دیگری به طور صریح و ناتوانی مرتکب از اثبات صحت انتساب افترا جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عنصر قانونی	ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	انتساب عنوان مجرمانه به دیگری به طور صریح و ناتوانی مرتکب از اثبات صحت انتساب
	شرایط و اوضاع و احوال	✓ انتساب دیگری به رفتاری که قبلاً جرم بوده است و اکنون نسخ شده است، افترا محسوب نمی‌شود. ✓ انتساب دیگری به رفتاری که الان جرم است و بعداً نسخ شود، افترا محسوب می‌شود ✓ منظور از صراحت کلام آن است که مرتکب به طور صریح عنوان مجرمانه‌ای را به دیگری نسبت دهد
	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
عنصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد انتساب عنوان مجرمانه به دیگری
	سوء نیت خاص	—
مجازات	شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی	

### جرم افترای عملی

عناصر تشکیل‌دهنده جرم افترای عملی

## عنصر قانونی جرم افترای عملی

**ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

## عنصر مادی جرم افترای عملی

- ✓ رفتار مجرمانه جرم افترای عملی عبارت است از یکی از ۳ فعل مثبت: «۱- گذاشتن، ۲- مخفی نمودن، ۳- متعلق به غیر قلمداد نمودن»
- \* **گذاشتن:** منظور از گذاشتن آلات و ادوات جرم یا اشیایی اتهام‌آور در منزل، محل کسب، جیب یا اشیایی متعلق به دیگری آن است؛ اموال منقولی، مثل اموال مسروقه، چاقویی که در جریان قتل مورد استفاده قرار گرفته است، سلاح غیرمجاز، مشروبات الکلی، مواد مخدر، اسکناس‌های جعلی، ابزار جاسوسی، لباس‌های بزه‌دیده تجاوز جنسی یا جسد مقتول در محل‌های مورد اشاره گذاشته شود.
- \* **مخفی نمودن:** مخفی نمودن، اخصاً از گذاشتن است و همراه با پنهان‌کاری است؛ مثل این که مرتکب، مواد مخدر را در داخل کانال کولر یا زیر خاک باغچه خانه دیگری قرار داده و یا آن را در داخل جلد کتاب متعلق به وی جاسازی نماید.
- \* **متعلق به دیگری قلمداد نمودن:** عبارت است از آن که شخص، بدون گذاشتن، یا مخفی نمودن اموال در جایی، آنها را متعلق به دیگری قلمداد کند. برای مثال کسی از یک مسافر هواپیما درخواست می‌کند که چمدان وی را تا مقصد ببرد و مسافر هم، بدون اطلاع از این که چمدان حاوی مواد مخدر است، آن چمدان را جزء اثاثیه خود تحویل بار می‌دهد.
- ✓ عبارت «اشیای متعلق به دیگری» را نباید محدود به اشیایی کرد که فقط از طریق مالکیت متعلق به دیگری است، بلکه صرف تعلق عرفی کافی است؛ بنابراین کسی که برای انتقام‌گیری از سارق خودروی، مواد مخدر را در صندوق عقب خودرو، که هنوز در اختیار سارق است، می‌گذارد تا وی را در مظان اتهام قاچاق مواد مخدر قرار دهد، به ارتکاب جرم افترای عملی محکوم می‌شود و نمی‌تواند به استناد اینکه اتومبیل از لحاظ حقوقی، متعلق به سارق نبوده است، از مسؤلیت کیفری فرار کند.
- ✓ متعلق به دیگری قلمداد نمودن، برخلاف گذاشتن و مخفی نمودن، نسبت به اموال غیرمنقول نیز ممکن است، مثل این که شخصی یک اثر تاریخی ثبت‌شده را تخریب نماید و تخریب آن اثر را به دیگری قلمداد نماید، تا آن شخص به اتهام تخریب یک اثر تاریخی، به استناد ماده ۵۵۸ ق.م.ا تعزیرات تحت تعقیب قرار گیرد.
- ✓ شرطی که برای حصول جرم افترای عملی لازم است، احراز ماهیت اتهام‌آور اشیاء، آلات و ادواتی است که در منزل، محل کسب، جیب یا اشیای متعلق به دیگری گذاشته یا پنهان می‌شوند و یا متعلق به او قلمداد می‌گردند؛ بنابراین هرگاه ماهیت آن اشیاء و آلات به گونه‌ای نباشد که سبب اتهام به طرف مقابل شود، جرم افترای عملی منتفی است؛ برای مثال آن اشیاء موجب بدنامی او یا ایجاد بدبینی در مردم نسبت به وی گردد.
- ✓ شرط دیگر حصول جرم افترای عملی آن است که عمل مرتکب بدون اطلاع طرف مقابل باشد؛ بنابراین کسی که از روی آگاهی اموال مسروقه را از سارق پذیرفته و بعد تحت عنوان سرقت آن اموال، تحت تعقیب قرار گیرد، نمی‌تواند مدعی ارتکاب جرم افترای عملی علیه خود شود.
- ✓ افترای عملی جرمی مقید به نتیجه است و نتیجه آن متهم نمودن دیگری است به نحوی که بزه‌دیده تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و تعقیب وی منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی شود.

## عنصر روانی جرم افترای عملی

- ✓ افترای عملی چون جرمی عمدی است باید علم و عمد مرتکب در آن احراز شود.

✓ منظور از علم مرتکب، آگاهی مرتکب از اتهام‌آور بودن اشیاء و آلات و ادواتی که در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به بزه‌دیده است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید؛ بنابراین در صورتی که کسی چمدان حاوی مواد مخدر را داخل خانه دیگری بگذارد و خودش از محتوای آن چمدان بی‌اطلاع باشد و یا حتی، در صورت مطلع بودن از محتوای چمدان، نسبت به جرم بودن نگهداری مواد مخدر آگاهی نداشته باشد، افترای عملی منتفی است.

✓ منظور از عمد مرتکب قصد ارتکاب رفتار مجرمانه یا همان سوءنیت عام می‌باشد که در تمام جرائم عمدی باید احراز شود؛ در جرم افترای عملی مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در گذاشتن، مخفی نمودن، متعلق به غیر قلمداد نمودن داشته باشد.  
 ✓ با توجه به مقید بودن جرم افترای عملی، علاوه بر قصد مرتکب به رفتار مجرمانه، سوءنیت خاص یا تحت تعقیب قرار گرفتن بزه‌دیده نیز لازم است.

**مجازات جرم افترای عملی:** به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم افترای عملی قابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد، همچنین به موجب تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا حداقل و حداکثر مدت حبس مقرر در جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد؛ بنابراین اکنون مجازات جرم افترای عملی ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس می‌باشد؛ بنابراین چون جرمی درجه ۶ محسوب می‌شود، صدور قرار تعویق صدور حکم در جرم افترای عملی بلامانع است.

✓ همچنین مطابق ماده ۲۶ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶: «هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد.» با توجه به اصل غیر قابل گذشت بودن جرائم و عدم تصریح قانونگذار بر قابل گذشت بودن جرم فوق، جرم فوق غیرقابل گذشت می‌باشد.

<b>جرم افترای عملی</b>	
گذاردن یا مخفی نمودن یا متعلق به غیر قلمداد نمودن آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است افترای عملی جرمی، ساده، آنی و مقید است	
<b>عنصر قانونی</b>	ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
<b>عنصر مادی</b>	رفتار مجرمانه شرایط و اوضاع و احوال ۱- گذاشتن، ۲- مخفی نمودن، ۳- متعلق به غیر قلمداد نمودن ✓ شرطی که برای حصول جرم افترای عملی لازم است، احراز ماهیت اتهام‌آور اشیاء، آلات و ادواتی است که در منزل، محل کسب، جیب یا اشیایی متعلق به دیگری گذاشته یا پنهان می‌شوند و یا متعلق به او قلمداد می‌گردند ✓ شرط دیگر حصول جرم افترای عملی آن است که عمل مرتکب بدون اطلاع طرف مقابل باشد
<b>نتیجه حاصله جرم</b>	متهم نمودن دیگری است به نحوی که بزه‌دیده تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و تعقیب وی منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت قطعی شود.
<b>عنصر روانی</b>	سوء نیت عام داشتن قصد رفتار مجرمانه سوء نیت خاص داشتن قصد نتیجه مجرمانه
<b>مجازات</b>	۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس

## جرم قذف

قذف در لغت به معنای انداختن یا پرتاب کردن و در اصطلاح به معنای متهم ساختن دیگری به جرم زنا یا لواط است. در واقع قذف نوع خاصی از افترا است که در آن مرتکب به جای نسبت دادن هر جرمی صرفاً به دیگری نسبت زنا یا لواط می‌دهد؛ بنابراین قذف همانند افترا، انتساب جرم به دیگری می‌باشد؛ اما مهم‌ترین تفاوت افترا با قذف این است که قذف جزء جرائم حدی می‌باشد و فقط انتساب زنا یا لواط به شخص دیگر مشمول حد قذف است؛ ماده ۶۹۷ ق.م.ا.ت.ز نیز به صراحت به این مطلب اشاره نموده است؛ مطابق این ماده: «(در جرم افترا) جز در مواردی که موجب حد (قذف) است به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد»

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم قذف

**عنصر قانونی جرم قذف:** مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عنصر قانونی جرم قذف را تشکیل می‌دهد.

### عنصر مادی جرم قذف

✓ رفتار مجرمانه جرم قذف عبارت است از: «نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر»

### • شرایط حصول جرم قذف

۱. **انتساب زنا یا لواط:** فقط نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری موجب حد قذف است و در صورت نسبت دادن سایر جرائم منافی عفت مانند مساحقه و تفخیز، رفتار مرتکب افترا محسوب می‌شود، نه قذف. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۸۰۵۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۷ اداره حقوقی قوه قضاییه: «داشتن رابطه نامشروع، جرم و مشمول ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت.ز (تعزیرات) است و کسی که عمداً به زنی نسبت داشتن رابطه نامشروع با مردی را بدهد و در دادگاه نیز آن را تکرار کند، لکن نتواند صحت انتساب بزه را ثابت کند، مُفتری است و مطابق ماده ۶۹۷ همان قانون قابل تعقیب و مجازات است.»

✓ منظور از انتساب زنا و لواط در جرم قذف، زنا و لواط موجب حد قذف است؛ برای مثال در فرضی که مرتکب به دیگری بگوید: «در حال اکراه زنا کردی»، قذف منتفی است و به استناد ماده ۲۵۳ ق.م.ا.ت.ز مرتکب به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم خواهد شد.

✓ در صورتی که اساساً جرم قابل انتساب به دیگری نباشد، بحث قذف منتفی است؛ یعنی اگر شخصی به زنی نسبت لواط دهد، مرتکب را نمی‌توان به حد قذف محکوم نمود؛ چرا که ارتکاب لواط از سوی زنان موضوعاً منتفی است، هرچند ممکن است به عقیده برخی، بتوان در چنین فرضی مرتکب را به مجازات توهین محکوم نمود.

✓ در شهادت بر زنا و لواط نیز چنانچه کذب بودن اظهارات شهود معلوم شود و یا شهود به حد نصاب چهار نفر نرسند یا میان آنها اتفاق نظر وجود نداشته باشد، مستنداً به ماده ۲۰۰ ق.م.ا.ت.ز به حد قذف محکوم خواهند شد؛ در واقع در این موارد حتی اگر برخی از شهود واقعاً صحنه ارتکاب جرم را دیده و ادعای آنان کذب نباشد، به دلیل عدم وجود سایر شرایط به حد قذف محکوم خواهند شد.

### ۲. به دیگری: مقذوف (یعنی قذف‌شونده) یا همان بزه‌دیده جرم قذف:

— در صورتی که جرم انتسابی زنا باشد (یعنی جماع بین زن و مردی که علقه زوجین بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نباشد) مقذوف اعم از زن یا مرد است.

— در صورتی که جرم انتسابی لواط باشد، مقذوف قطعاً مرد خواهد بود؛ زیرا به استناد ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی: «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دُبُر انسان مذکر است»

✓ قاذف (یعنی کسی که قذف می‌کند) یا همان مرتکب جرم قذف می‌تواند زن یا مرد باشد.

\* **شرایط مقذوف:** مقذوف یا همان بزه‌دیده جرم در هنگام قذف باید دارای شرایط زیر باشد تا حد قذف اجرا شود:

۱. بالغ،

۲. عاقل،  
۳. مسلمان،  
۴. معین،  
۵. غیر متظاهر به زنا یا لواط  
۶. فرزند یا نوه پسر قاذف نباشد.
- ✓ مخاطب جرم قذف باید معلوم و معین باشد؛ وگرنه حد قذف ساقط و مرتکب با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۵۱ ق.م.ا به مجازات شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم خواهد شد.
- ✓ پدر یا جد پدری که فرزند یا نوه خود را قذف کند، به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم خواهد شد... (ماده ۲۵۹ ق.م.ا) حکم مقرّر در این ماده حکمی استثنایی بوده و شامل سایر افراد از جمله قذف مادر نسبت به فرزند یا فرزند نسبت به پدر نمی‌شود.
- ✓ قذف در مورد افراد مُرده نیز قابل ارتکاب است؛ بنابراین در صورتی که فردی در مورد شخص مُرده‌ای بگوید: «او در زمان حیاتش مرتکب زنا و لواط شده بود» به دلیل قذف مُرده به مجازات حدی محکوم خواهد شد.
۳. **صراحت انتساب:** به استناد صدر ماده ۲۴۶ ق.م.ا: «قذف باید روشن و بدون ابهام بوده ... باشد» و استفاده از الفاظ یا عبارات مبهم و کلی که به طور صریح در معنای قذف نباشد، قذف محسوب نمی‌شود؛ برای مثال در فرضی که مردی به زنی بگوید: «تو باکره نبوده‌ای»؛ چنین عبارتی را نمی‌توان به طور صریح و به منزله نسبت دادن زنا به آن زنا محسوب نمود؛ زیرا شاید مقصود گوینده این بوده باشد که زن به دلایل دیگری مانند پریدن از بلندی، بکارت خود را از دست داده است یا همان گونه که بسیاری از فقها نیز بیان نموده‌اند، استفاده از لفظ «حرام‌زاده» نسبت به دیگری قذف مادر وی محسوب نمی‌شود، بلکه توهین به مخاطب محسوب می‌شود؛ زیرا ممکن است مقصود گوینده، تشکیل نطفه حرام مخاطب از راه دیگری غیر از زنا بوده باشد. صراحت در انتساب قذف، لزوماً به معنای به کار بردن لفظ زنا یا لواط نیست و در بسیاری از موارد مرتکب از الفاظ و عباراتی استفاده می‌کند که به طور صریح انتساب زنا یا لواط محسوب می‌شود؛ مانند آنکه شخصی به فرزند مشروع دیگری بگوید: «تو فرزند پدرت نیستی»
- ✓ در قذف برخلاف افترا و توهین، ارتجالی یا ابتدایی بودن قذف، شرط حصول قذف محسوب می‌شود و اگر شخص در پاسخ به قذف دیگری او را قذف نماید، مجازات حدی ساقط و با توجه به تبصره ماده ۲۶۱ ق.م.ا مجازات مرتکبان ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ است. در تقاض (قذف متقابل) ضرورتی ندارد که طرف دوم عیناً همان نسبتی را که نفر اول به وی منتسب نموده است، به کار ببرد؛ برای مثال چنانچه مردی، زنی را متهم به زنا و زن مرد را متهم به لواط نماید، حد قذف ساقط و هر دو به شلاق تعزیری محکوم می‌شوند.
- \* **سوال:** اگر مرتکب، طرف مقابل را به زنا یا لواط با فلان شخص متهم نماید، رفتار او یک قذف محسوب می‌شود یا دو قذف؟
- ✓ **پاسخ:** در این موارد تنها یک قذف نسبت به مخاطب ثابت بوده و نسبت به شخص ثالث به دلیل عدم تصریح، بحث قذف منتفی است.
۴. **ناتوانی مرتکب از اثبات صحت انتساب:** حصول قذف منوط به ناتوانی مرتکب از اثبات ادّعی خود می‌باشد؛ بنابراین همان گونه که در بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۶۱ ق.م.ا نیز آمده است، چنانچه صحت انتساب به دلیل تصدیق آن از سوی طرف مقابل یا به واسطه شهادت شهود یا علم قاضی به اثبات برسد، حد قذف ساقط می‌شود.
- ✓ در فرضی که مخاطب قبلاً نسبت به رفتار خود توبه کرده و مرتکب به رغم آگاهی از موضوع، وی را به زنا یا لواط منسوب نموده باشد، حد قذف ثابت است، هرچند ادّعی مرتکب کذب نبوده و طرف مقابل واقعاً در گذشته مرتکب زنا یا لواط شده باشد؛ مطابق ماده ۲۵۴ ق.م.ا: «نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است، قبل از توبه مقذوف، مجازات ندارد»
- \* **سوال:** در صورت اثبات صحت انتساب و سقوط حد قذف؛ آیا می‌توان مرتکب را با استناد به تبصره ماده ۶۹۷ ق.م.ا تعزیرات و به دلیل آن که رفتار وی اشاعه فحشا محسوب می‌شود، به مجازات افترا محکوم نمود؟

- ✓ **پاسخ:** با استناد به ماده ۲۶۱ ق.م.ا با اثبات صحت انتساب، کلیه مجازات‌ها اعم از حدی و تعزیری ساقط می‌گردد و فقط در صورت تقاضا (قذف متقابل) علی‌رغم سقوط قذف، مرتکب به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود.
- \* **سوال:** گاه شخص با استفاده از الفاظی نسبت به مخاطب در واقع شخص ثالث (مثلاً مادر، خواهر یا همسر مخاطب) را قذف می‌کند، که در واقع علاوه بر قذف منسوب‌الیه (مثلاً مادر، خواهر یا همسر مخاطب)، موجب توهین به مخاطب نیز می‌گردد؛ آیا در چنین فرضی می‌توان مرتکب را به جهت قذف به مجازات شلاق حدی و به جهت توهین به مجازات شلاق تعزیری محکوم نمود؟
- ✓ **پاسخ:** مطابق تبصره ماده ۱۳۵ ق.م.ا در مواردی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد؛ مانند سرقت حدی یا سرقت تعزیری و یا زنا و رابطه منافی عفت کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد؛ ولی بر اساس قسمت اخیر ماده مذکور این حکم شامل قذف نمی‌شود و در قذف هر دو مجازات جمع می‌گردد، که در مقام اجرای مجازات ابتدا شلاق حدی و سپس شلاق تعزیری اجرا می‌شود؛ برای مثال مرتکب در مشاجره با چند برادر به آنها بگوید: «مادر شما زناکار بوده و همگی شما زنزاده هستید» در مورد مادر به حد قذف محکوم می‌شود و در مورد چند برادر با رعایت قواعد تعدد معنوی (فعل واحد و نتایج متعدد) به مجازات تعزیری محکوم می‌گردد.
- ✓ در فرضی که قذف شخص ثالث مشمول مجازات حدی نباشد، برای مثال به یک مجنون که والدین او غیرمسلمان هستند، بگوید: «تو زنزاده‌ای» در این موارد با توجه به آن که مقذوف مسلمان نبوده است، مجازات مرتکب به صراحت تبصره ۱ ماده ۲۵۱ ق.م.ا تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری است و در مورد مخاطب (فرزند) نیز به دلیل ارتکاب توهین نیز مجازاتی مشابه را دارد، در چنین حالتی دیگر مجازات‌ها با یکدیگر جمع نمی‌شوند و تنها یک مجازات با رعایت مقررات تعدد جرم اجرا می‌شود؛ زیرا همان گونه که بیان شد در تعدد جرائم تعزیری با توجه به ماده ۱۳۴ ق.م.ا مجازات‌ها با یکدیگر تداخل کرده و جمع نمی‌شوند.

### عنصر روانی جرم قذف

- ✓ قذف چون جرمی عمدی است باید علم و عمد مرتکب در آن احراز شود.
- ✓ منظور از علم مرتکب، آگاهی مرتکب از الفاظی که به کار می‌برد، می‌باشد و در صورتی که اساساً از معنای این الفاظ بی‌اطلاع باشد به دلیل جهل موضوعی، رفتار وی قذف محسوب نمی‌شود.
- ✓ منظور از عمد مرتکب قصد ارتکاب رفتار مجرمانه یا همان سوءنیت عام می‌باشد که در تمام جرائم عمدی باید احراز شود؛ در جرم قذف مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در انتساب زنا یا لواط به دیگری را داشته باشد؛ بنابراین در مواردی که شخصی، طرف مقابل را زناکار بخواند ولی معلوم شود که قصد او از بیان چنین لفظی صرفاً توهین به وی بوده است و واقعاً قصد انتساب چنین رفتاری را به دیگری نداشته است، بحث قذف منتفی است؛ مطابق ماده ۲۴۸ ق.م.ا: «هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است، حد ثابت نمی‌شود.»
- ✓ قذف، جرمی مطلق است و برای حصول آن نیازی به نتیجه‌ای یا سوءنیت خاص مانند قصد رنجاندن یا بدنام کردن بزه‌دیده یا اذیت کردن او نیست.

**حد قذف:** حد قذف، ۸۰ ضربه شلاق است. (ماده ۲۵۰ ق.م.ا)

- ✓ قذف، حق الناس محسوب می‌شود و تا زمانی که بزه‌دیده اقدام به طرح شکایت ننماید، تعقیب به جریان نمی‌افتد.
- ✓ با توجه به صدر ماده ۱۰۴ ق.م.ا، حد قذف قابل گذشت بوده و به استناد تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا: «در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.» و حقوق اجتماعی به محکوم‌علیه باز می‌گردد.

- ✓ مطابق ماده ۱۰۶ ق.م.ا مهلت طرح شکایت در جرائم قابل گذشت، ظرف ۱ سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم است، ولیکن این حکم مختص جرائم قابل گذشت تعزیری است و شامل جرم قذف به عنوان جرم حدی نمی‌شود و برای طرح شکایت از سوی مقذوف یا وراث او محدودیتی وجود ندارد.
  - ✓ مستند به ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری و با توجه به حق الناسی بودن جرم قذف، برخلاف سایر حدود، امکان رسیدگی غیابی به این جرم وجود دارد.
  - ✓ به موجب ماده ۱۳۶ ق.م.ا حکم تکرار قذف، برای مرتبه چهارم، اعدام قاذف است.
  - ✓ قذف هر یک از ائمه معصومین (ع) یا حضرت زهرا (س) در حکم سب النبی بوده و موجب اعدام مرتکب آن است (تبصره ماده ۲۶۲ ق.م.ا). در چنین فرضی، قذف، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود و دادستان موظف به شروع تعقیب است، همچنین رسیدگی غیابی در این فرض (بر خلاف قذف در حالت عادی) امکان‌پذیر نیست.
  - ✓ به موجب ماده ۲۶۰ ق.م.ا: «حد قذف اگر اجراء نشده و مقذوف نیز گذشت نکرده باشد به همه ورثه به غیر از همسر منتقل می‌گردد و هریک از ورثه می‌تواند تعقیب و اجرای آن را مطالبه کند هر چند دیگران گذشت کرده باشند. تبصره- در صورتی که قاذف، پدر یا جد پدری وارث باشد، وارث نمی‌تواند تعقیب متهم یا اجرای حد را مطالبه کند» حق اجرای مجازات، در جرم قذف همانند سایر جرائم قابل گذشت به ارث می‌رسد و با شکایت هر یک از وراث تعقیب به جریان می‌افتد؛ ولی موقوفی تعقیب یا مجازات منوط به گذشت همه وراث است و اگر برخی از آنان گذشت کنند، حق اجرای مجازات برای سایرین به غیر از همسر محفوظ است؛ البته با توجه به آن که در قذف فرزند از سوی پدر یا جد پدری، حد قذف ساقط می‌گردد، در صورت فوت مقذوف سایر وراث (مثلاً مادر وی) نیز نمی‌توانند خواستار اجرای حد علیه مرتکب شوند، همان گونه که در تبصره ماده فوق آمده است.
- تبدیل حد قذف به شلاق تعزیری:** در موارد زیر و به سبب وجود بعضی شرایط در قاذف یا مقذوف، حد قذف ساقط و مرتکب به مجازات شلاق تعزیری درجه ۶ (۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق) محکوم می‌گردد:
۱. به موجب تبصره ۱ ماده ۲۵۱ ق.م.ا در صورتی که مقذوف، نابالغ، مجنون، غیرمسلمان یا غیرمعیّن باشد، مرتکب به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد. ملاک سقوط حد قذف، وجود شرایط فوق در مقذوف در زمان ارتکاب جرم است؛ برای مثال در فرضی که مقذوف در زمان قذف غیرمسلمان بوده و هنگام طرح شکایت مسلمان شود، حد قذف همچنان ساقط می‌شود، چون مقذوف در لحظه قذف، غیرمسلمان بوده است و حکم به شلاق تعزیری داده می‌شود.
  ۲. به موجب ماده ۲۵۳ ق.م.ا در صورتی که مرتکب، دیگری را متهم به زنا یا لواطی نماید که موجب حد قذف نیست، مرتکب به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد؛ مثلاً به دیگری بگوید: «در کودکی مرتکب زنا شده‌ای»
  ۳. به موجب قسمت اخیر ماده ۲۵۸ ق.م.ا، در صورتی که قاذف پس از اجرای حد قذف، بی آن که دوباره به طور صریح مقذوف را قذف کند، بگوید: «آنچه گفته‌ام حق بود»، مرتکب به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد؛ واضح است در صورتی که قاذف پس از اجرای حد، مجدداً به طور صریح، همان فرد را قذف نماید، حد قذف مجدداً اجرا می‌شود.
  ۴. به موجب ماده ۲۵۹ ق.م.ا، چنانچه پدر یا جد پدری اقدام به قذف فرزند یا نوه خود نماید، مرتکب به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد.
  ۵. به موجب تبصره ماده ۲۶۱ ق.م.ا، در صورتی که دو نفر متقابلاً همدیگر را قذف نمایند، مرتکبان به شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردند.
- ✓ تبدیل شلاق حدی به شلاق تعزیری، در موارد فوق در مواردی است که شاکی خصوصی گذشت نکرده باشد؛ مثلاً فرزند از پدر خود گذشت نکند؛ و گرنه در صورت گذشت شاکی خصوصی در هر یک از این موارد به صراحت بند «ب» ماده ۲۶۱ ق.م.ا هرگونه مجازات اعم از حدی و تعزیری ساقط می‌گردد.

**سقوط حد قذف:** در موارد زیر، مجازات حد قذف به کلی ساقط می‌شود:

۱. به موجب قسمت اخیر تبصره ۱ ماده ۲۵۱ ق.م.ا، در صورتی که مخاطب متظاهر به زنا یا لواط باشد، هر گونه ضمانی منتفی است؛ البته به شرطی که نسبت به آنچه که متظاهر است، نسبت داده شود؛ و الا در غیر این صورت، حدّ قذف جاری می‌گردد؛ برای مثال به شخصی که متظاهر به زنا است، نسبت لواط داده شود، حدّ قذف جاری می‌گردد؛ مطابق تبصره ۲ ماده ۲۵۱ ق.م.ا: «قذف کسی که متظاهر به زنا یا لواط است نسبت به آنچه متظاهر به آن نیست موجب حد است مثل نسبت دادن لواط به کسی که متظاهر به زنا است.»
  ۲. به موجب ماده ۲۵۴ ق.م.ا: «نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است، قبل از توبه مقذوف، مجازات ندارد.»
  ۳. به موجب بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۶۱ ق.م.ا، در مواردی که صحت ادعای متهم با تصدیق طرف مقابل یا از طریق علم قاضی یا شهادت شهود به اثبات برسد.
  ۴. به موجب بند «پ» ماده ۲۶۱ ق.م.ا، در صورتی که مقذوف و در صورت فوت وی، ورثه او، گذشت کند، در این صورت حد ساقط و مجازات تبعی هم زائل می‌گردد.
  ۵. به موجب بند «ت» ماده ۲۶۱ ق.م.ا، در صورتی که مردی زنش را پس از قذف به زنا (خواه به زنا پیش از زوجیت یا در زمان زوجیت) لعان کند.
  ۶. به موجب ماده ۱۲۱ ق.م.ا در صورت وجود شبهه در حصول قذف یا برخی از شرایط آن حد قذف ساقط می‌شود؛ در این صورت مقام قضایی باید شک را به نفع متهم تفسیر نموده و برای او قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر نماید، البته تفاوتی که در این مورد جرم قذف با جرائم دیگر دارد؛ آن است که در سایر جرائم قاضی موظف است به محض وجود شبهه آن را به نفع متهم تفسیر نماید و نباید به تحقیق و تحصیل دلیل پردازد؛ اما در قذف قاضی باید ابتدائاً به جستجو و تلاش برای تحصیل دلیل پردازد و در صورتی که دلیلی یافت نشد، آن گاه متهم را تبرئه نموده یا برای وی قرار منع تعقیب صادر نماید.
- تعدد در قذف:** هر چند اصل بر آن است که در جرائم حدی متعدّد که نوع و میزان مجازات آنها یکسان است، تنها یک حد به اجرا درمی‌آید؛ اما استثنائاً در حدّ قذف شرایط به گونه دیگری است و بابت هر قذف حدّ جداگانه به اجرا درمی‌آید، حالت‌های قذف و مجازات آن:
۱. قذف یک نفر: در صورتی که شخصی، دیگری را چند مرتبه قذف کند، بابت همه آنها فقط به یک حد محکوم می‌شود، اعم از آن که به همان سبب بوده باشد یا به سبب دیگر؛ برای مثال در فرضی که شخصی یک بار به مخاطب نسبت زنا و یک بار نسبت لواط بدهد، فقط به یک حدّ قذف محکوم می‌شود؛ مطابق ماده ۲۵۸ ق.م.ا: «کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یکبار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود، لکن اگر پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می‌شود و اگر بگوید آنچه گفته‌ام حق بود به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می‌گردد.»
  ۲. قذف دو یا چند نفر: در این صورت بسته به اینکه مرتکب، مخاطبان را با هم قذف کرده باشد یا جداگانه، شرایط متفاوت است:
    - اگر هر یک را به طور جداگانه قذف کرده باشد: در هر حال برای هر یک از قذف‌شوندگان، حدّ مستقلاً به اجرا درمی‌آید؛ اعم از آن که با یک لفظ بوده باشد یا با الفاظ متفاوت و اعم از آن که قذف‌شوندگان با هم شکایت کرده باشند یا جداگانه؛ مطابق ماده ۲۵۶ ق.م.ا: «کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلاً بر او جاری می‌شود.»
    - اگر همه را با هم قذف کرده باشد: در این فرض چنانچه قذف همگی به یک لفظ بوده باشد (مثلاً به همه حاضرین جمع بگوید: «شما زناکارید.») و آنان نیز با هم شکایت کنند، فقط یک حدّ قذف به اجرا درمی‌آید؛ اما اگر هر یک از آنان به تنهایی شکایت کنند، بابت هر یک از آنان، مستقلاً حدّ قذف جاری می‌شود، در مواردی که قذف، با لفظ واحد نبوده باشد (مثلاً به بعضی از حاضرین جمع بگوید: «شما زناکارید» و به بعضی دیگر از حاضرین جمع بگوید: «شما لواط‌کارید»)) بابت هر یک، به طور جداگانه حدّ قذف به اجرا درمی‌آید. مطابق ماده ۲۵۷ ق.م.ا: «کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف‌شوندگان می‌تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف‌شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.»

تعّد قذف (مواد ۲۵۶ و ۲۵۷ ق.م.ا)		
بابت همه آنها فقط به یک حد محکوم می‌شود.		شخصی دیگری را چند مرتبه قذف کند
بابت هر قذف حدّ مستقلی اجرا می‌شود.	هر فرد را به طور جداگانه قذف کرده باشد	شخصی دو یا چند فرد را قذف کند
قذف افراد با یک لفظ باشد و همه با هم شکایت کنند: یک حد قذف اجرا می‌شود	چند فرد را با هم قذف کرده باشد	
قذف افراد با یک لفظ باشد و همه با هم شکایت نکنند: بابت هر قذف حدّ مستقلی اجرا می‌شود.		
قذف افراد با یک لفظ نباشد: بابت هر قذف حدّ مستقلی اجرا می‌شود.		

ارتکاب جرم قذف نسبت به مخاطب و شخص ثالث	
قذف مادر وی محسوب می‌شود (ماده ۲۴۷ ق.م.ا)	اگر کسی به فرزند مشروع خود بگوید: «تو فرزند من نیستی»
قذف مادر وی محسوب می‌شود (ماده ۲۴۷ ق.م.ا)	اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید: «تو فرزند پدرت نیستی»
فقط قذف مخاطب محسوب می‌شود (ماده ۲۴۷ ق.م.ا)	اگر کسی به دیگری بگوید: «تو با فلان زن یا مرد زنا یا لواط کرده‌ای»
نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده محکوم به حد قذف است و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب توهین شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌شود (ماده ۲۵۲ ق.م.ا)	اگر کسی به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار برد که صراحت در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب داشته باشد.

تفاوت قذف با توهین و افترا	
توهین و افترا	قذف
جرائمی تعزیری محسوب می‌شوند	جرمی حدّی محسوب می‌شود
نسبت به شخص مُرده قابل ارتکاب نیست	نسبت به شخص مُرده قابل ارتکاب است
در صورتی که بزه‌دیده اشخاص نابالغ، مجنون و غیرمسلمان باشند، مجازات توهین و افترا اجرا می‌شود.	در صورتی که بزه‌دیده اشخاص نابالغ، مجنون و غیرمسلمان باشند، حدّ قذف اجرا نمی‌شود.
در صورت تعدّد بزه‌دیدگان تنها یک مجازات اجرا می‌شود.	در صورت تعدّد بزه‌دیدگان نسبت به هر یک از مقذوفین یک مجازات اجرا می‌شود؛ مگر آن که همه مقذوفین را به یک لفظ قذف کرده و همگی آنان با هم شکایت کنند.

جرم قذف		
قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هر چند مُرده باشد قذف جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عنصر قانونی	مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر
	شرایط و اوضاع و احوال	✓ صراحت انتساب ✓ ناتوانی مرتکب از اثبات صحت انتساب
عنصر روانی	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر
	سوء نیت خاص	—
مجازات	حد قذف، ۸۰ ضربه شلاق است	

### جرم نشر اکاذیب

منظور از نشر اکاذیب آن است که مرتکب، مطالب و اموری را که می‌داند حقیقت و واقعیت ندارد به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی اظهار کند، مثل اینکه به دروغ شایع سازد که در فلان محل سیل آمده یا فلان خزانه دولتی یا بانک مرکزی مورد دستبرد واقع شده است.

### عناصر تشکیل‌دهنده جرم نشر اکاذیب

#### عنصر قانونی جرم نشر اکاذیب

**ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.»

#### عنصر مادی جرم نشر اکاذیب

- ✓ رفتار مجرمانه جرم نشر اکاذیب عبارت است از «انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن»
- ✓ در نشر اکاذیب باید مطلب دروغی به شخص دیگری نسبت داده شود که آن مطلب نه توهین محسوب شود و نه دارای وصف مجرمانه باشد. با توجه به شرط کذب بودن ادعای فرد در صورتی که بتواند صحت آن را به اثبات برساند، رفتار او اساساً جرم محسوب نمی‌شود، ولو آنکه این ادعا واقعاً موجب تشویش اذهان عمومی یا اضرار به دیگری شود.
- ✓ اشاره به لفظ «اکاذیب» در ماده ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات نباید موجب این تصور شود که برای تحقق این جرم، یک دروغ کفایت نکرده و حتماً باید چند دروغ به کار برده شود، چرا که صیغه جمع در این موارد افاده نوع می‌کند و منظور، کذب بودن مطلب انتسابی است و یک یا چند دروغ در این زمینه موضوعیت ندارد.
- ✓ در جرم نشر اکاذیب برخلاف توهین و افترا نیازی به صریح بودن انتساب نیست و همان گونه که در متن ماده نیز آمده است همین که شخص دروغی را تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد برای تحقق این جرم کفایت می‌کند، مانند فرضی که یکی از کارمندان شرکت برای بی‌سواد جلوه دادن

مدیرعامل در نشریه داخلی آن شرکت بنویسد: «ما نشنیده‌ایم که گفته‌اند، فلانی اصلاً مدرک معتبر دانشگاهی ندارد» در این فرض هرچند مرتکب به طور صریح این دروغ را به دیگری منتسب نمی‌نماید، ولی به طور تلویحی و به نقل قول از شخص ثالثی که اصلاً وجود ندارد، چنین دروغی را بیان می‌نماید.

✓ در این جرم نیز همچون توهین و افترا مرتکب جرم لزوماً شخص حقیقی است و عبارت «هر کس» در صدر ماده فوق نیز مؤید همین مطلب است؛ اما تفاوت مهمی که میان نشر اکاذیب با دو جرم دیگر وجود دارد در بزه‌دیده آن است؛ در جرائم توهین و افترا بزه‌دیده لزوماً شخص حقیقی است؛ اما در نشر اکاذیب ارتکاب جرم علیه اشخاص حقوقی نیز امکان‌پذیر است و به صراحت ماده: «اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد»؛ بنابراین در فرضی که شخصی برای بدنام کردن یک شرکت خودروسازی، به دروغ مدعی شود که تمام قطعات محصولات آن چینی است، با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون به مجازات نشر اکاذیب محکوم خواهد شد.

✓ در نشر اکاذیب برخلاف افترا و توهین، وسیله ارتکاب جرم دارای اهمیت است و از مصادیق مقرر در ماده یعنی «نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی» و ضرورت تفسیر ضیق قوانین جزایی چنین برمی‌آید که این جرم صرفاً به شکل کتبی قابل ارتکاب بوده و نشر اکاذیب به شیوه لفظی امکان‌پذیر نیست. برای مثال در فرضی که دانشجویی در حضور سایر همکلاسیان بگوید: «استاد برخلاف ظاهر، در زندگی خصوصی ناموفق بوده و تا کنون سه ازدواج ناموفق داشته است» به جهت بیان شفاهی این مطلب مرتکب جرم نشر اکاذیب نشده است. هر چند این ادعا موجب بدبینی سایر دانشجویان نسبت به استاد شود.

\* **مراسلات:** هر نوع مکتوب و نوشته خصوصی است که در میان مردم رد و بدل می‌شود.

\* **عریض:** اوراقی است که در مقام مراجعه به مقامات دولتی یا مملکتی می‌نویسند

\* **گزارش:** هر نوشته‌ای غیر از عرض حال یا شکایت است که حاوی شرح وقایع امور و سرگذشت باشد. تنظیم گزارش معمولاً در شأن مأموران دولتی یا مملکتی است ولی شاید بتوان حکم آن شامل مؤسسات خصوصی از قبیل کارخانه‌ها و شرکت‌ها و بنگاه‌ها و نظایر آن دانست، مانند گزارشی که بازرس یک شرکت سهامی به مجمع عمومی یا به مدیرعامل شرکت در خصوص دفاتر آن می‌دهد.

✓ جرم نشر اکاذیب یک جرم مطلق است؛ زیرا قانونگذار در ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت.عزیرات بیان کرده است که «اعم از اینکه از این طریق ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نشود»؛ بنابراین برای حصول جرم نشر اکاذیب نتیجه خاصی مدنظر نیست و صرف رفتار مجرمانه، نشر اکاذیب حاصل می‌شود.

### عنصر روانی جرم نشر اکاذیب

✓ مرتکب جرم نشر اکاذیب باید بداند مطالبی که به شخص دیگر منتسب می‌کند کذب (دروغ) است. و در صورتی که این موضوع اطلاع نداشته باشد، اساساً جرم محقق نمی‌شود.

✓ در جرم نشر اکاذیب نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در انتساب دروغ به شخص دیگر داشته باشد.

✓ سوءنیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم نشر اکاذیب نیز که یک جرم مطلق است، نیازی به سوءنیت خاص نیست، البته لازم به ذکر است که در این خصوص نظر مخالف وجود دارد و مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی برخلاف آنچه که برخی از نویسندگان گفته‌اند، هرچند که سوءنیت خاص معمولاً معادل «قصد نتیجه» است، نمی‌توان به استناد مطلق بودن یک جرم، وجود سوءنیت خاص را در آن لزوماً منتفی دانست؛ زیرا این دو مقوله از یکدیگر مجزا می‌باشند، تحقق نتیجه به عنصر مادی جرم مربوط می‌شود، در حالی که سوءنیت خاص بخشی از عنصر روانی جرم است و در جرم نشر اکاذیب بنا به تصریح ماده تحقق نتیجه خاصی در خارج شرط نیست و باز بنا به تصریح ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت.عزیرات قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، به عنوان سوءنیت خاص برای تحقق این جرم ضروری است و این دو مطلب قابل جمع می‌باشند.

**مجازات جرم نشر اکاذیب:** مرتکب این جرم علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال و یا شلاق تا (۷۴)

ضربه محکوم شود

در مورد جرم نشر اکاذیب نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ چون در این جرم مطالبی بی‌اساس، با علم به دروغ بودن آنها، بین مردم پخش می‌شود و بدین وسیله امنیت و آسایش عمومی مختل می‌گردد؛ جزء جرائم علیه امنیت داخلی کشور یا جرائم علیه آسایش عمومی محسوب می‌گردد.
- ✓ در مواردی جرم نشر اکاذیب با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور (نه افراد عادی) صورت می‌گیرد که رفتار مرتکب با استناد به بند (ث) ماده ۲ قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ جرم سیاسی محسوب می‌شود که این مطلب فارغ از امتیازاتی که برای مرتکبین این جرائم در نظر گرفته شده از منظر شکلی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا به جرم نشر اکاذیب اصولاً در دادگاه کیفری دو محل وقوع جرم و با یک قاضی رسیدگی می‌شود، در حالی که اگر این جرم جنبه سیاسی پیدا کند رسیدگی با استناد به مواد ۳۰۲ و ۳۰۵ ق.آ.د.ک در دادگاه کیفری یک مرکز استان و با قضات متعدد و در حضور هیأت منصفه انجام می‌گیرد.
- ✓ مجازات جرم نشر اکاذیب به صراحت قسمت اخیر ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت.ع. جزایات، حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه می‌باشد، البته با توجه به قابل گذشت بودن این جرم و مستنداً به تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ حداقل و حداکثر مدّت حبس به نصف تقلیل می‌یابد و مدّت آن در حال حاضر یک ماه تا یک سال حبس می‌باشد، همچنین علاوه بر مجازات کیفری، مرتکب موظف به رفع آثار زیان‌بار و اعاده حیثیت تا حدّ امکان نیز می‌باشد. ناگفته نماند عدم تصریح به اعاده حیثیت در مورد جرائم توهین و افترا به معنای عدم امکان تحقق آن نیست و به صراحت ماده ۱۴ ق.آ.د.ک در این جرائم، حکم به جبران خسارت معنوی صادر می‌شود، ولی به نظر می‌رسد جبران خسارت معنوی در این جرائم، همانند ضرر و زیان مادی مستلزم تقاضای بزه‌دیده و رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک است.
- ✓ با توجه به قابل گذشت بودن جرم فوق، شروع به تعقیب مستلزم تقاضای بزه‌دیده است و با گذشت او نیز تعقیب یا مجازات موقوف می‌گردد، از سوی دیگر مهلت طرح شکایت با استناد به ماده ۱۰۶ ق.م.ا.ظ. یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم بوده و در صورت سپری شدن این مهلت امکان طرح شکایت وجود نخواهد داشت؛ مگر آنکه بزه‌دیده به دلایل غیرارادی (مگر آنکه بزه‌دیده تحت سلطه مرتکب بوده باشد) قادر به طرح شکایت نبوده باشد که در این صورت مهلت مذکور از تاریخ رفع مانع احتساب می‌گردد.
- ✓ در مواردی که نشر اکاذیب در سطح گسترده ارتکاب یافته و موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی و ... در حد وسیع گردد، رفتار مرتکب به صراحت ماده ۲۸۶ ق.م.ا.ظ. از مصادیق افساد فی الارض محسوب شده و به مجازات قانونی حدی اعدام محکوم می‌گردد، بدیهی است در این فرض برای شروع به تعقیب نیازی به شکایت بزه‌دیدگان نبوده و با گذشت آنان نیز تعقیب یا مجازات موقوف نخواهد شد؛ چون در این صورت، جرم نشر اکاذیب در زمره جرائم حدی و غیرقابل گذشت محسوب می‌شود.

### جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای

- ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای:** «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این که از طریق یادشده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»
- ✓ جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای از نظر تمام عناصر (همانند عنصر معنوی، مطلق و مقید بودن و ...) همانند نشر اکاذیب عادی است با این تفاوت که در اینجا وسیله ارتکاب جرم سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی است، البته میان این دو جرم در بحث مجازات‌ها نیز تفاوت‌هایی وجود دارد.
  - ✓ قانونگذار در ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای، برای جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای مجازات شدیدتری نسبت به نشر اکاذیب مقرر در ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات در نظر گرفته است؛ از سوی دیگر جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای برخلاف نشر اکاذیب ماده ۶۹۸ تعزیرات، در زمره جرائم غیرقابل گذشت محسوب شده و گذشت شاکی نهایتاً از موجبات تخفیف اختیاری محسوب می‌شود.

✓ در توهین و افترا، ارتکاب جرم از طریق رایانه با دیگر وسایل تفاوتی ندارند و همه این موارد مشمول حکم مقرر در مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ قانون تعزیرات هستند، برای مثال اگر مرتکب به جای توهین لفظی در فضای مجازی چنین الفاظی را به دیگری منتسب نماید، همان توهین عادی است که به وسیله رایانه اتفاق افتاده است اما در مورد نشر اکاذیب قانونگذار در ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای جرم مستقلی را تحت عنوان نشر اکاذیب رایانه‌ای مورد پیش‌بینی قرار داده است که به موجب آن مرتکب اظهارات کذب خود را به جای شیوه‌هایی مانند نوشتن نامه، توزیع اوراق چاپی و... از طریق سامانه‌های رایانه‌ای منتشر می‌نماید. نشر اکاذیب نیز همچون سایر جرائم مستلزم عمد مرتکب در انجام عمل و علم به کذب بودن اظهارات خود است.

جرم نشر اکاذیب		
انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن		
نشر اکاذیب جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عنصر قانونی	نشر اکاذیب عادی	ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات
	نشر اکاذیب رایانه‌ای	ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن
		انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی
	شرایط و اوضاع و احوال	وسیله ارتکاب جرم در نشر اکاذیب دارای اهمیت است و از مصادیق مقرر در ماده یعنی «نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی» باید باشد
	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
عنصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن
	سوء نیت خاص	قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی
مجازات	نشر اکاذیب عادی	حبس از ۱ ماه تا ۱ سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه
	نشر اکاذیب رایانه‌ای	حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص دکتر میرمحمد صادقی» و کتاب «حقوق جزای اختصاصی آقای ساولانی» و کتاب «دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی دکتر بهداد کامفر» و کتاب «حقوق جزای اختصاصی دکتر عظیم‌زاده» کمک گرفته‌ایم.

اینستاگرام شخصی: [omid\\_mollakarimi](https://www.instagram.com/omid_mollakarimi)

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۲



امید ملاکریمی هستم؛ یه حواس‌پرِت متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک‌گذشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

**داستان من:** بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمند سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقاییش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه یه کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندیروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوئیچی برای ماشینی که توو رویاته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا ماتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیتت همه جا بیچه!»

### چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم!

به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است